



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

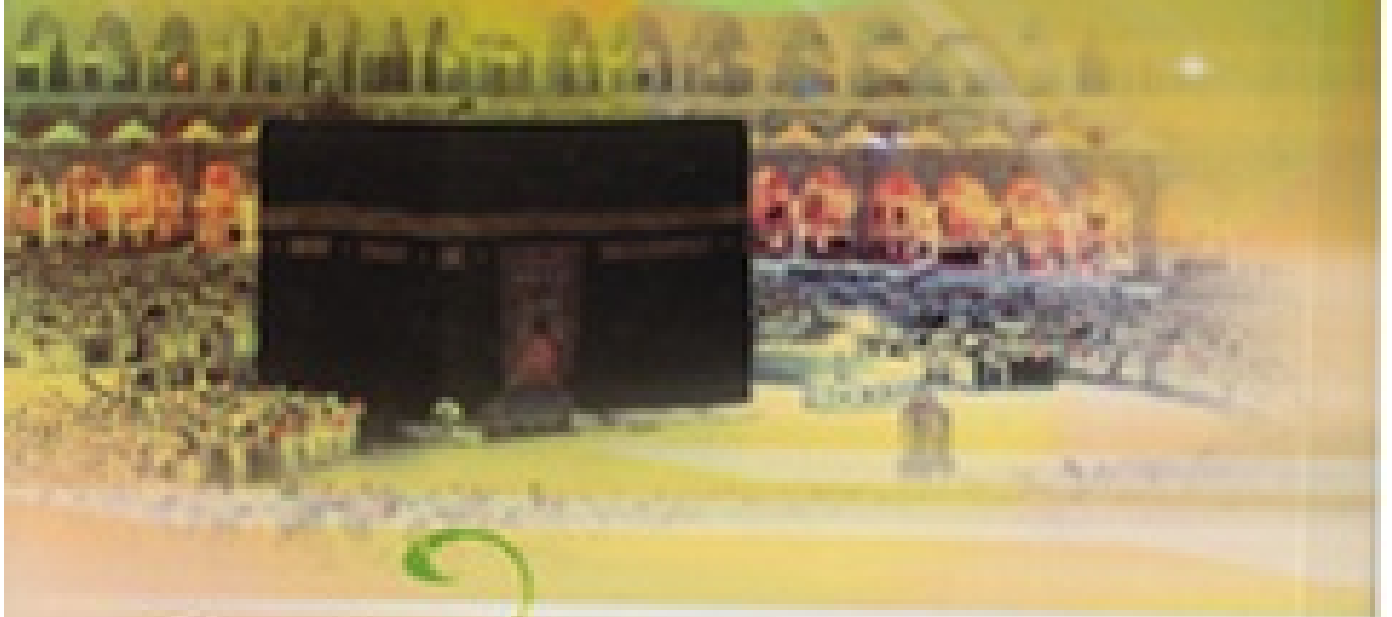


عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

درودگی

نور



علی ملکی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در وادی نور

نویسنده:

علی ملکی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	در وادی نور
۷	مشخصات کتاب
۷	پیش‌گفتار
۱۱	فصل اول: مدینه
۱۱	دعای سفر
۱۶	زیارت و آداب آن
۲۵	دعا و استجاب آن
۴۰	نماز شب
۴۰	نماز شب به ساده‌ترین روش
۴۵	نمازهای مستحبی
۵۲	نماز جعفر طیار
۵۲	نماز جعفر بن ابی طالب کلید حل مشکلات
۵۸	قرائت قرآن
۶۴	زیارت غیر معصومین در بقیع
۶۴	اشاره
۶۸	نماز در مکه و مدینه
۸۲	روزه مستحبی در سفر
۸۵	زیارت دوره
۱۰۱	سفارشات ضروری
۱۰۱	اشاره
۱۰۷	زیارت وداع
۱۱۸	نقطه حساس کجاست؟

۱۲۶	فصل دوم مکه
۱۲۶	یادآوری
۱۳۰	حرکت به سوی مکه
۱۳۴	زمان انجام اعمال عمره
۱۳۹	طواف مستحب یا عمره مجدد
۱۴۹	نمازهای مستحب
۱۴۹	اشاره
۱۴۹	نماز برای وسعت رزق
۱۵۰	نماز برآمدن حاجت
۱۵۸	معجزه‌های از امام حسین (ع)
۱۶۳	کعبه
۱۶۳	اشاره
۱۶۹	ولادت خورشید کعبه
۱۷۳	کعبه و ارکان و اجزای آن
۱۸۲	داستان هشام و فرزدق شاعر
۲۰۹	داستان شکافتن ماه
۲۱۶	برتری حلق بر تقصیر
۲۲۰	زیارت دوره
۲۳۳	طواف وداع
۲۳۹	درباره مرکز

در وادی نور

مشخصات کتاب

سرشناسه : ملکی، علی، ۱۳۴۵ -
 عنوان و نام پدیدآور : در وادی نور / علی ملکی.
 مشخصات نشر : تهران : نشر مشعر ، ۱۳۸۸.
 مشخصات ظاهری : ۱۹۱ص؛ ۱۱ × ۲۱ س.م.
 شابک : ۱۱۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۶۲-۵
 وضعیت فهرست نویسی : فاپا
 یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
 موضوع : حج
 موضوع : زیارت و زائران -- آداب و رسوم
 موضوع : دعاها
 موضوع : زیارتنامه‌ها
 رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/۴۵۷۷م/۱۳۸۸
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۲۵۷۷۵
 ص : ۱

پیش‌گفتار

ای زائر عزیز و ای مسافر آستان ملکوتی رسول خدا(ص)، آرام و سبکبال، کوی به کوی و منزل به منزل به سوی وادی رحمت بیا. مرغ رمیده از قفس تن را، در دامان مهرپرورش منزل ده و بال و پر خسته‌ات را به شوق، بر گنبد سبزش بگشای و به اقیانوس کرامت و محبتش پیوند بزنی.

در کمال ادب و تواضع، در حریم پاک رسالت و ولایت حضور یاب و با دلی شکسته، به بارگاه منور معصومین مدینه قدم گذار. آغوش مهربان و رئوفشان، به جانب نیازمندان گشوده است تا غم و اندوه را از دل بزایند و به کرشمه لطفی، چشم‌ها را به مشاهده زیباترین پروازهای روحانی و معنوی بگشایند. خوشا به حال تو، که به آسمان لایتناهی عشق و

ص: ۲

عرفان وارد شده‌ای. پس با دلی زلال‌تر از شب‌نم به سوی حرم بیا و چشم‌هایت را با گلاب اشک بشوی و دل به نور هدایت اهل بیت: بسپار. ان شاء الله

مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آن که دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و موبه‌مو عمل شود. حجاج محترم و روحانیون معظم کاروان‌ها باید تمام هم خود را صرف در تعلیم و تعلم مناسک حج کنند. (۱) جملات «حج، به زندگی من معنی بخشید»، «حج زندگی مرا عوض کرد» را مکرر از زبان حاجیانی که از حج برگشته‌اند، شنیده‌اید؛ البته حاجیانی که به قصد زیارت، نه سیاحت، و به قصد گذراندن یک آموزش الهی و نه فقط انجام یک سری اعمال تکلیف شده، مشرف شده‌اند. به یقین، چنین زائری با یک برنامه‌ریزی درست و دقیق به این هدف بزرگ دست یافته‌اند.

در نوشته پیش رو سعی شده گوشه‌ای از اعمالی که زائران محترم، در مدینه منوره و مکه معظمه بدان نیاز پیدا می‌نمایند و به هنگام تشرّف به مسجدالحرام و حرم مطهر حضرت ختمی مرتبت و خاندان پاکش: با آن روبه‌رو می‌شوند، در قالب گفتگویی صمیمی بین یک زائر و روحانی کاروان گنجانده و در معرض مطالعه علاقه‌مندان قرار گیرد.

۱- برگرفته از کلام امام خمینی ۱، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۴.

ص: ۳

تلاش ما بر آن بوده که مطالب مورد بحث به صورت کاربردی و آسان و به دور از اصطلاحات و تعابیر پیچیده آورده شود تا زائرین محترم با خیالی آسوده از این نوشته استفاده نمایند.

چند یادآوری:

۱- سؤالات طرح شده با توجه به تجربیات چند ساله و مواجهه با نیازهای ملموس زائرین طرّاحی شده است.

۲- به منظور اختصار و خسته نشدن خواننده، از موضوعات و مطالب مورد نیاز زائر در مدینه و مکه، به صورت گزینشی سخن به میان آمده است.

۳- از آن جا که احتمالاً این کتاب- به این شیوه- اولین کار است، قطعاً خالی از نقص و عاری از عیب نیست؛ لذا از خوانندگان محترم خواهشمندیم با ارسال پیشنهادات و نظرات اصلاحی خود، ما را در تکمیل این اثر یاری نمایند.

(رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)

مشهد مقدس

علی ملکی

ص: ۵

فصل اول: مدینه

دعای سفر

امیر مؤمنان، حضرت علی بن ابی طالب (ع) می فرماید:

«... وَادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالْذُّعَا (۱)؛ امواج بلا را با دعا از خود دور کنید.»

امام صادق (ع) می فرماید:

«آن گاه که انسان می خواهد از خانه اش خارج شود، دعای سفر را بخواند که پیوسته در ضمان خداوند به سر خواهد بُرد تا این که

برگردد و خدای مهربان به برکت این دعا او را حفظ می کند.»

در آغاز سفر و هنگام خروج از منزل، سه مرتبه بگوید:

«بِاللَّهِ اِخْرُجْ وَبِاللَّهِ ادْخُلْ وَ عَلَى اللَّهِ اَتَوَكَّلُ؛ (۲) با نام خدا از خانه خارج می شوم و با نام او داخل می شوم (بر

۱- سید رضی، محمد بن حسن: نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، چاپ هفدهم، ۱۳۷۸ هـ - ش، قصار ۱۴۶.

۲- شیخ حُرّ عاملی، محمد بن الحسن: وسائل الشیعه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چهارم، ۱۳۹۱ هـ - ق، ج ۸، ابواب آداب السفر، باب ۱۹، ح ۲، ص ۲۷۷.

ص: ۶

می‌گردم) و بر او توکل می‌کنم.»

پس از آن بگوید:

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بَخِيرٍ وَ اخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَقْنَا شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ، اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلَي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱)؛ پروردگارا! این سفر را برای من با خیر و صلاح بگشا و عاقبت مرا ختم به خیر نما و ما را از شرّ هر جنبنده‌ای که اختیارش به دست توست نگهدار، همانا پروردگارم بر

۱- شیخ حُرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب آداب السفر، باب ۱۹، ح ۲، ص ۲۷۷.

ص: ۷

صراط مستقیم است.»

نیز بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَسِيرِي عِبْرًا وَصَمْتِي تَفْكَرًا وَكَلَامِي ذِكْرًا (۱)»

؛ خدایا! سفر مرا عبرت، سکوت مرا تفکر و سخن مرا ذکر خودت قرار ده.»

همچنین برای محفوظ ماندن از بلاها و خطرهای سفر، هنگام حرکت از خانه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.» (۲)

امام صادق(ع): فرمود: هنگام سفر خوانده شود:

«اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَسَلِّمْ لِي وَسَلِّمْ لِمَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ.» (۳) (خداوند! من و آنچه با من

است را محفوظ و سلامت دار و به سلامت و نیکویی به مقصدمان برسان.

و حضرت رضا(ع) می‌فرماید: هنگام سوار شدن بر مرکب (ماشین و هواپیما) بگوید:

«سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ

۱- همان، باب ۲۱، ح ۲، ص ۲۸۵.

۲- همان، باب ۱۹، ح ۶، ص ۲۷۹.

۳- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب آداب السفر، باب ۱۹، ح ۱، ص ۲۷۷.

ص: ۸

مُقرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ. (۱)

(پاک است کسی که این را مسخر ما ساخت و گرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم و به راستی که ما به سوی پروردگارمان باز خواهیم گشت.

هم‌چنین قبل از سفر از دادن صدقه، انجام غسل، خواندن دو رکعت نماز، تلاوت آیه‌الکرسی، حمد و سوره، قل اعوذ بربّ الناس، قل اعوذ بربّ الفلق و سایر دعا‌های وارده و مهم‌تر از همه وصیت را فراموش

۱- همان، باب ۲۰، ح ۸، ص ۲۸۴.

ص: ۹

نماییم. (۱)

حضرت صادق(ع) توصیه‌ها و سفارشاتى به ما، هنگام عزیمت به این سفر دارند:

۱. وقتی قصد رفتن کردی، ذهن و فکر و قلبت را از هر چه غیر خداست تخلیه کن و با تمام وجود، خود را به خدا بسپار و خود را در اختیار او قرار ده تا هر چه صلاح است انجام شود.
۲. از فکر زندگی روزمره و مردم و اطرافیان و رفاه و راحتی بیرون بیا و فقط به خدا فکر کن مبادا به نیروی خود یا پول و آشنایان یا علم و اطلاعات خود دلخوش باشی! جز به خدا تکیه نکن و جز به نیروی او امیدوار نباش.
۳. طوری قصد رفتن کن که گویا دیگر قصد بازگشت نداری و به دیدار خدا می‌روی.
۴. وقتی غسل احرام می‌کنی از هر چه غیر خداست خود را بشوی.
۵. وقتی احرام می‌پوشی لباس راستی و درستی، صفا و صمیمیت و تواضع و خضوع بپوش و قلب خود را از هر چه غیر خداست خالی کن.
۶. وقتی لبیک می‌گویی با تمام وجود روی به خدا بیاور.
۷. وقتی طواف می‌کنی، قلبت هم به همراه ملائکه خداوند و به دور عرش الهی طواف کند.

۸

ص: ۱۰

۹. وقتی سعی بین صفا و مروه می‌کنی از غیر خدا فرار کن، از خودبینی، از غفلت و بی‌خیالی، از زیاده‌خواهی و ظلم فرار کن. (۱)

زیارت و آداب آن

با عرض سلام و ادب خدمت شما دوستان محترم و زائران گرامی حرم رسول خدا(ص) و دُخت عزیزش حضرت فاطمه ۳ و حرم مطهر ائمه بقیع: امیدوارم در این مدت کوتاهی که به سرعت می‌گذرد و ناگاه چشم باز می‌کنید، می‌بینید راهی میقات برای احرام و حرکت به طرف مکه هستید، از

۱- مصباح الشریعة، صفحه ۴۷.

ص: ۱۱

لحظه لحظه‌های این سفر معنوی، استفاده‌های شایان بنماید و قدر و قیمت اینگونه فرصت‌ها را غنیمت شمرده و برای تمام ساعات شبانه روز آن برنامه داشته باشید.

این سفر، میهمانی ویژه خدای مهربان است. میزبان آن، خدای کریم و میهمانش، بنده عاصی و خطاکار، و سفره آن، سفره انواع فیوضات رحمانی است. این شما و همّت شما تا چطور استفاده کنید و چقدر زاد و توشه بردارید.

بنده به عنوان روحانی کاروان و مهم‌تر از آن به عنوان یک دوست خوب در خدمت شما هستم و تا جایی که بتوانم از انتقال اطلاعات و تجربیات خویش که محصول زحمات گذشتگان و مطالعات اندکم می‌باشد، به شما دریغ نخواهم کرد. البته دوست دارم شما هم با طرح سؤالات و نظرات خویش در پخته‌تر و پربارتر شدن مطالب، مرا یاری نمایید.

من هم خدمت شما عرض احترام و ادب دارم و از خداوند توفیق بهره‌برداری بهتر و بیشتر از این سفر پر خیر و برکت را خواستارم. به عنوان اولین سؤال، اگر ممکن است، بگویید، ما در شهر مدینه چه کنیم؟ چه عمل یا اعمالی جزء بهترین کارهایی است که من زائر می‌توانم انجام دهم؟

ص: ۱۲

مرقد مطهر رسول گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله(ص) باید کانون همه برنامه‌های زیارتی ما باشد. (۱) و در کنار آن، زیارت قبر گم‌شده حضرت فاطمه زهرا(س) که به احتمال قوی داخل خانه خود مدفون شده است و در حال حاضر کنار ضریح مطهر رسول خدا(ص)، در قسمت شمالی آن قرار دارد؛ جایی که برای بانوان نیز در وقت اختصاصی بانوان دسترسی به آن ممکن است. و زیارت چهار امام مدفون در

۱- پیامبر اعظم(ص) می‌فرماید کسی که مرا در حال حیاتم یا بعد از وفاتم، زیارت کند، من شفیع و همنشین او در روز قیامت خواهم بود.، شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب المزار و مایناسبه، باب سوم، ح ۵، ۸ و ۹، ص ۲۶۲.

ص: ۱۳

بقیع (امام حسن مجتبی، امام سجاد، امام باقر و امام صادق: (۱) و از زیارت بزرگان دیگر از وابستگان به اهل بیت مثل فاطمه بنت اسد مادر علی بن ابی طالب (ع)، ابراهیم فرزند شانزده ماهه پیامبر (ص)، عقیل برادر علی بن ابی طالب (ع) و ...، از زیارت صحابه جلیل القدری مثل عثمان بن مظعون، سعد بن معاذ و ... و نیز از زیارت سایر مؤمنان و شیعیان ایرانی و غیر ایرانی مدفون در بقیع هم نباید غافل شد. هر گلی بویی دارد و روح هر بزرگی پذیرائی خاصی از ما می‌کند. (۲) چگونه پیامبر خدا (ص) و ائمه اطهار: را زیارت کنیم؟

هر طور که می‌توانید؛ با زیارت مخصوص آنها که در کتاب ادعیه و آداب حرمین یا کتاب‌های دیگر زیارت وجود دارد، یا با زیارت‌های عمومی مثل زیارت امین الله، زیارت جامعه کبیره و ... حتی با عرض

۱- امام صادق (ع): کسی که ما را بعد از وفات زیارت کند، گویا در حال حیات ما، ما را زیارت نموده است. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب المزار، باب ۲، ح ۲۴، ص ۲۶۰.

۲- حضرت علی (ع): مردگان خود را زیارت نمایند، چرا که باعث خوش حالی آنها خواهد شد، و بعد از زیارت مرقد پدر و مادران حاجات خود را از خداوند بخواهید. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ابواب الدفن، باب ۵۴، ح ۵، ص ۸۷۸.

ص: ۱۴

یک سلام هم زیارت صحیح است مثلاً در زیارت رسول گرامی اسلام بگویید: «السَّلامُ عَلَیکَ یا رسولَ اللَّهِ». (۱) بهترین زیارت چه زیارتی است؟

شاید زیارت امین الله و زیارت جامعه کبیره و در ماه رجب زیارت رجبیه.

قبل از زیارت، چه باید کرد؟

بایدی در کار نیست، بلکه مستحب است انسان غسل زیارت کند. یک غسل به نیت زیارت

۱- امام رضا(ع): وقتی داخل مسجدالنبی(ص) و یا خارج می شوی بر پیامبر خدا سلام کن حتی اگر از راه دور باشد. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب المزار، باب ۵، ح ۱، ص ۲۶۵.

ص: ۱۵

رسول خدا(ص) و دخت گرامی‌شان و چهار امام معصوم در بقیع؛ مثل غسل‌هایی که همیشه انجام می‌دهیم. (۱) آیا با غسل زیارت می‌شود نماز یا قرآن خواند یا دعا و زیارت نمود؟

با غسل زیارت نمی‌توانید نماز بخوانید و برای قرآن خواندن و دعا و زیارت بهتر است وضو بگیرید. (۲) دیگر، چه کاری انجام دهیم و چه چیزهایی را رعایت کنیم؟

لباس پاکیزه بپوشیم، خود را معطر کنیم، با توجه کامل و قدم‌های آهسته و مؤدبانه و با ذکر و صلوات به سوی حرم حرکت نماییم. متوجه باشیم که چه کسی را می‌خواهیم زیارت کنیم. بگذاریم زیارت اثرش را در ما بگذارد. از ادب حضور در کنار قبور اهل بیت: غافل نباشیم. مبدا در مسیر تشرف به حرم یا موقع زیارت و یا حتی بعد از زیارت مشغول صحبت از دنیا، خرید سوغاتی و اینگونه مسائل شویم.

اگر ما سواد نداشته باشیم یا عربی را درست تلفظ نکنیم به زیارت ما ضربه می‌خورد؟

۱- امام صادق(ع) فرمود: قبل از ورود به مدینه(در صورت عدم امکان قبل از پرواز و در محل سکونتتان رجاء بجا آورده شود) و قبل از دخول در حرم، غسل نما. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب المزار، باب ۶، ح ۱، ص ۲۶۶.

۲- رجوع کنید به توضیح المسائل مراجع، مسأله ۶۴۴.

ص: ۱۶

هرگز! بلکه مهم ارتباط دل ما و اتصال روح ما به ارواح مطهر آن بزرگواران است. ای بسا زیارت فارسی و با توجه، بهتر از خواندن زیارت‌نامه طولانی بدون درک معانی آن باشد.

البته اگر کسی عربی بلد باشد و به معنای زیارت و دعا هم توجه کند و حضور ذهن و حال دعا هم داشته باشد، بهتر است. پس نگران نباشید، هر طور و هر چقدر می‌توانید زیارت و دعا کنید و از فیض حضور در حریم یار استفاده نمایید. نورانیت قبور اهل بیت: اکسیر نایابی است که بر دل هر مشتاقی بتابد، آنرا غرق در نور و سرور می‌نماید.

ص: ۱۷

بعد از تمام شدن زیارت چه باید کرد؟

برگزاری نماز زیارت برای معصومین:

بدین صورت که برای هر یک از زیارت‌شوندگان یک نماز دو رکعتی مثل نماز صبح، به نیت نماز زیارت می‌خوانیم. اگر نشاط نداریم یا خسته‌ایم می‌شود یک نماز دو رکعتی به نیت همه آن بزرگواران خواند. این نماز را می‌توانیم نشسته هم بخوانیم. اما برای غیر معصومین، «به جز حضرت ابوالفضل العباس و حضرت علی اکبر(ع)» (۱) چه سید باشند یا غیر سید، عالم باشند یا غیر عالم، امام‌زاده باشند یا غیر امام‌زاده، چون نماز زیارت ندارند و خواندن نماز به عنوان نماز زیارت بدعت و حرام است، می‌توان حداقل دو رکعت نماز خواند و ثواب آن را به روح آنان هدیه نمود.

در کجا نماز بخوانیم؟ بعضی در کنار دیوارهای بقیع نماز زیارت می‌خوانند ما هم همین کار را بکنیم؟

خیر، نمازهای زیارت را مناسب است در حرم مطهر حضرت محمد(ص) بخوانیم. یعنی داخل مسجدالنبی(ص)، که البته در هر کجای مسجد باشد عیبی ندارد. اگر در روضه منوره، کنار ضریح مقدّس حضرت محمد مصطفی(ص) بخوانیم خیلی عالی است. تأکید

۱- برای حضرت ابوالفضل العباس و حضرت علی اکبر ۸ نماز زیارت وارد شده است.

ص: ۱۸

می‌کنم، کنار بقیع کسی نماز نخواند چراکه، این کار باعث خرده‌گیری و برداشت سوء دیگران شده! و احیاناً موجب دردسر برای نمازگزار خواهد شد.

ص: ۱۹

دعا و استجابات آن

در قنوت نماز زیارت یا بعد از تمام شدن آن، خواسته‌های خویش را مدّ نظر قرار دهیم و آنها را با معادن فیض و کرم و جود در میان بگذاریم مطمئن باشیم که اگر به صلاح ما باشد حتماً اجابت خواهند کرد.

خوب شد موضوع خواسته و حاجت طلبیدن از ائمه را مطرح کردید. به نظر شما چه چیزی را در دعاهایمان در اولویت قرار دهیم؟ این بحث، بحث مفصّلی است. به نظر من دعا برای فرج مولایمان حضرت حجّۀ بن الحسن المهدی [باید در رأس خواسته‌هایمان باشد.

بعد از آن برای سربلندی اسلام و مسلمین، نابودی دشمنان دین، بهبود شرایط فرهنگی و اقتصادی جامعه، ازدواج، اشتغال و مسکن جوانانمان، عاقبت به خیری، توفیقات رهبری و مسئولین خدمتگزار، شفای بیماران، تشرف به حج و سایر خواسته‌های شخصی ...

ص: ۲۰

همچنین ملتسمین دعا را فراموش نکنیم؛ پدر و مادر، فرزندان و دوستان و آشنایان، اقوام و همسایگان، همه و همه، زیرا دعای عمره گزار إن شاء الله مستجاب است. (۱) سؤالی در ذهنم هست، نمی‌د

۱- در روایت وارد شده است که رسول خدا(ص) فرمودند: ارْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ حَتَّى تُفْتَحَ لَهُمُ ابْوَابُ السَّمَاءِ وَ تَصِيرَ إِلَى الْعَرْشِ: الْوَالِدُ لِوَلَدِهِ وَ الْمَظْلُومُ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ وَ الْمُعْتَمِرُ حَيْثُ يَرْجِعُ وَ الصَّائِمُ حَتَّى يُفِطِرَ. چهار گروهند که دعاهای آنها به سویشان باز گردانده نمی‌شود تا این که درهای آسمان برایشان گشوده شود و دعاهایشان به عرش الهی برسد (کنایه از استجابت دعاهایشان): ۱- دعای پدر برای فرزندش. ۲- دعای مظلوم علیه کسی که به او ظلم نموده. ۳- دعای عمره گزار تا وقتی که برگردد. ۴- دعای روزه‌دار تا هنگامی که افطار نماید. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشّیعه، ج ۴، ابواب الدعاء، باب ۴۴، ح ۲، ص ۱۱۵۳.

ص: ۲۱

انم پیرسم یا نه؟ می‌ترسم مرتکب بی‌ادبی به ساحت مقدّس ائمه اطهار: شوم!

هرگونه سؤال و شبهه‌ای دارید، مطرح کنید و پرسید. پرسیدن عیب نیست، ندانستن عیب است. اساساً سؤال، در دانش است تا پرسشی معرفت بالا نمی‌رود. پس راحت باشید و در خلال صحبت‌ها هرچه به نظرتان می‌رسد بیان کنید. خوشحالم که روحانی کاروان ما برخورد خوبی دارد و می‌توان با او باب دوستی و گفتگوی علمی و دینی را گشود. شنیده بودم که روحانیون کاروان‌ها افراد باتجربه و مطلع‌ی هستند که با سعه صدر و روی گشاده در خدمت زائرین می‌باشند. به هر حال بفرمایید چرا ما خیلی از اوقات دعا می‌کنیم، اما دعاهایمان مستجاب نمی‌شود. علتش چیست که مثلاً در حرم رسول الله(ص) این همه گریه و ناله می‌کنیم و حاجاتمان را با یک دنیا امید و آرزو خدمت رسول الله(ص) یا فاطمه زهرا(س) عرض می‌کنیم اما خبری از روا شدن حاجاتمان نیست مگر خداوند نفرموده از من بخواهید تا برآورده کنم؟ (۱)

۱- وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ... و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، تهران، اول، ۱۴۱۲ هـ. - ق، سوره غافر، آیه ۶۰.

ص: ۲۲

از ابراز محبت جناب عالی به امثال بنده متشکرم. بحث دعا با همه جوانب آن یک بحث گسترده و دقیق است. شرایط استجاب دعا، موانع استجاب دعا و آداب دعا که آنها را باید در کتب مربوطه مطالعه کنید. به صورت اجمالی جواب سؤال شما را در چند نکته خلاصه می‌کنم:

۱- اگر به صلاحتان باشد خداوند مهربان فوراً به شما می‌دهد.

ص: ۲۳

۲- ممکن است بعد از مدتی خواسته شما برآورده شود. حال چرا فوراً نمی‌دهد و دیرتر می‌دهد عوامل متعددی دارد؛ شاید به صلاح شما نیست، شاید مقدماتش فراهم نشده و شاید خداوند دوست دارد بنده‌اش در برابر او ضحجه و ناله بیشتری نماید تا قلبش صفا و صیقل یابد و از این راه به رشد و کمالات معنوی برسد و شاید ...

۳- ممکن است خداوند حکیم در دنیا به شما ندهد و حاجتتان را ذخیره آخرتتان قرار دهد. یعنی در روز قیامت به شما بدهد.

۴- ممکن است حاجت شما را ندهد اما به جای آن بلا و مصیبتی از شما و خانواده و زندگی شما برطرف نماید.

۵- ممکن است به جای آن، گناهانتان را بیامرزد.

۶- ممکن است بهتر از آنچه می‌خواهید به شما بدهد. یعنی شما با علم و اطلاع محدودتان چیزی از خدا بخواهید و به صلاحتان نباشد، خدای مهربان چون شما را دوست دارد آنرا به شما نمی‌دهد ولی بهتر و مفیدتر از آن را به شما ارزانی می‌دارد. (۱) به هر حال خداوند دستی را که به طرفش دراز شده، خالی بر نمی‌گرداند به همین خاطر مستحب است

۱- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب: اصول کافی، علمیه اسلامیة، تهران، بی تا، ج ۳، کتاب الدعاء، ص ۲۱ به بعد.

ص: ۲۴

انسان دستش را بعد از دعا به سر و صورت و سینه‌اش بمالد و آنرا ببوسد و بگوید. (۱) البته این را هم بگویم، گاهی اوقات موانعی در استجاب دعا وجود دارد که به دست خود ما به وجود آمده و به قول حضرت علی (ع) با دلی آلوده دست به دعا بلند می‌کنیم. خوب چه‌طور یک معشوق به حرف عاشقی گوش کند که سر به هواست، در عشق و ارادتش صادق نیست و مرتباً با گفتار و رفتار او را می‌آزارد!

۱- شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۳، کتاب الدعاء، باب أَنَّ مَنْ دَعَا اسْتَجِيبَ لَهُ، ح ۲، ص ۲۱۸.

ص: ۲۵

هزار نکته باریکتر ز موی اینجاست

نه هر که سر بتراشد قلندری داند

آیا می‌شود چند کتاب جالب و ساده در باره دعا معرفی کنید؟

شما می‌توانید به کتاب اصول کافی، ج ۳، کتاب الدعاء، کتاب آیین نیایش، نوشته ابراهیم غفّاری و تفسیر نمونه؛ ج ۱ ص ۶۴۳، ج ۶ ص ۲۰۹، ج ۱۰ ص ۳۵۷، ج ۲۰ ص ۱۴۶ و ... مراجعه نمایید.

از کجا بفهمیم که زیارت‌های ما مورد قبول خداوند متعال واقع گردیده و از آن همه ثوابی که برای زیارت مرقد مطهر رسول

گرامی اسلام و ائمه معصومین: در روایات اسلامی وارد شده است خدای ناکرده محروم نشده‌ایم؟

اجمالاً باید دانست که حج و عمره و زیارت باید مقدمه‌ای برای تحوّل و تغییر باشد، اگر انسان در رفتار و اخلاقش، در روش و

منش‌اش، در روحیات و عاداتش، در کسب و کارش، در رفت و آمدش، در زندگی خانوادگی و برخورد با همسر و فرزندان و

خلاصه در جای جای زندگیش، خانه‌تکانی نکند و یا قصد اصلاح و بهبود آن را نداشته باشد، زائر حقیقی نبوده است! زیارت و

زمزمه، گریه و گداز، اشک و آه؛ همه و همه به منزله شخم زدن و آماده نمودن زمین دل است تا علف‌های هرز و مُضَرّ از صفحه

دل کنده

ص: ۲۶

شود و بذر خوبی‌ها و اخلاق پسندیده در آن کاشته شود و اِلَّا کسی که بی‌هیچ تغییری و بدون تصمیم بر اصلاح درونی به وطن برگردد و قبل و بعد از سفرش مساوی باشد باید فکری به حال خود کند! پیامبر اعظم (ص) می‌فرمایند «نشانه قبولی حج و عمره شما ترک عادات زشت و روی آوری به آداب زیباست» (۱). بنابراین هر چقدر زیارت بر اعماق جان شما رسوخ کرده باشد، به همان اندازه اعتقادات و اخلاق و اعمال شما را تحت تأثیر قرار خواهد داد و

۱- ری شهری، محمد: الحج و العمرة فی الكتاب و السنّة، دارالحدیث، قم، سوم، ۱۳۸۳ هـ- ش، ح ۷۴۱ و ۷۴۲، ص ۲۶۹.

ص: ۲۷

مایه دگرگونی در زوایای زندگی شما خواهد شد!

این سفر یک فرصت بسیار خوبی است که از کارهای روزمره و تکراری و از همه اشتغالات دست و پاگیری که در وطن داشتید و باعث می‌شد فرصت سرخاراندن نداشته باشید، فارغ باشید و خیلی بهتر و با خیال جمع بتوانید به خود مشغول باشید و زندگی خود را مرور کنید.

بله واقعاً همین طور است که می‌گویید. وقتی که انسان اینجا می‌آید همه چیز را فراموش می‌کند. فکر می‌کنم این هم از برکات زیارت معصومین: است که ما را غرق در نور و سرور و معنویت می‌کنند و ما را از قید و بند امور مادی می‌رهانند. دیگر این ما هستیم که باید از این موقعیت استفاده احسن کنیم. خوب بفرمایید در مدینه به غیر از زیارت، چه اعمال دیگری می‌توانیم انجام دهیم؟

قبل از پاسخ به این سؤال شما یک نکته دیگر در مورد دعا خدمتان عرض کنم و آن اینکه حتماً به معنای جملات زیارت توجه کنیم. اگر به زبان عربی آشنا نیستیم، زیارت‌نامه با ترجمه همراه داشته باشیم. در ضمن در خواندن بعضی دعاها رعایت حال و حوصله‌مان را هم باید بنمائیم. مثلاً وقتی که

ص: ۲۸

می‌خواهیم زیارت جامعه کبیره یا دعای کمیل یا دعای جوشن کبیر و یا غیر آن بخوانیم، حتماً لازم نیست تا آخر آن زیارت‌نامه یا دعا را بخوانیم بلکه به قول امام راحل (... لازم نیست یک دعای طولانی را یک دفعه با عجله و شتاب بخوانی و تفکر در معنایش نکنی، بنده و شما حال حضرت سید سجاد(ع) را نداریم که آن دعای مفصل (ابوحمزۀ ثمالی) را با حال بخوانیم، شبی یک ربع آن را، یک ثلث آن را با حال بخوان و در فقراتش تفکر کن، شاید صاحب حال

ص: ۲۹

شوی). (۱)

ببخشید کلامتان را قطع می‌کنم از کجا بفهمیم که حال دعا داریم یا نداریم؟

هر کس خودش به روحيات خویش آشناتر است. همه، حال یکسانی ندارند. ظرفیت‌ها مختلف است اما اجمالاً بگوییم که اگر شما مثلاً زیارت‌نامه را ورق بزنی و ببینی چند صفحه به آخر مانده یا به جای شور و نشاط و لذت، حال کسالت و خستگی و دلتنگی به شما دست بدهد، نشانه این است که شما حال مناسب برای ادامه کار ندارید، لذا بقیه دعا و زیارت را بگذارید برای وقتی دیگر. بلی از سؤال اصلی‌تان دور نشوم. به غیر از زیارت؛ قرائت قرآن، نماز، تفکر و خلوت با خود، زیارت قبور شهدای ائمه، رفتن به مساجد مختلف، به ویژه مسجد قبا، مطالعه و تعلیم و تعلم احکام و معارف دینی، معرفی مذهب شیعه (در صورت امکان و توانایی)، سعی در برآوردن حوائج مؤمنین مخصوصاً همسفران در کاروان اعزامی، امر به معروف و نهی از منکر و غیر آن را می‌شود انجام داد. لطفاً کمی بیشتر توضیح دهید و بفرمائید

۱- موسوی خمینی، روح الله: شرح چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۱ ه- ش، ص ۲۲.

ص: ۳۰

کدام یک از موارد بالا ثوابش بیشتر است؟

قبل از اینکه جوابتان را بدهم بد نیست بدانید؛ غرض مهم از ثواب، تقرب به خدا و طی کردن راه کمال و گذاشتن قدمی به جلو در سیر الی الله است، یعنی با انجام یک عمل عبادی دلم پاکتر، جانم باصفاتر و اخلاق و رفتارم بهتر گردد. با توجه به این نکته، شاید نشود یک نسخه واحد برای همه پیچید و گفت این کار برای همه و در هر مکان و زمانی بهتر است بلکه باید دید حال و حوصله ما، آمادگی انجام چه کاری را دارد و میل درونی ما چه چیزی را می‌طلبد،

ص: ۳۱

مثلاً بعضی قرائت قرآن را بیشتر دوست دارند، عده‌ای نماز مستحبی و اشتغال به تهجد را، گروهی دیگر دعا و مناجات را، شما هم در عین حالی که از ثواب انجام همه این امور نباید غافل شوید و خواص و ویتامین هر کدام را جذب قلب و جانتان کنید، ببینید دل شما بیشتر میل به کدام عمل دارد، همان را انجام دهید. البته در روایات ائمه اطهار برای قرائت قرآن و نماز در مدینه و مسجد النبی (ص) ارزش خاصی قائل شده‌اند، به طوری که فرموده‌اند ثواب یک رکعت نماز در مسجد النبی (ص) حداقل برابر با ثواب یک هزار رکعت (۱) می‌باشد و قرائت قرآن ثواب بیشتری دارد.

در مسجد النبی (ص) چه نمازی بخوانیم؟

اگر نماز قضا دارید و می‌دانید چه مقدار است، آنها را بجا آورید و اگر می‌دانید نماز قضا به عهده‌تان هست ولی نمی‌دانید چقدر است، مقدار یقینی را بخوانید و اگر اصلاً نمی‌دانید نماز قضا دارید یا نه می‌توانید نماز قضای احتیاطی بخوانید، مثلاً نیت کنید دو رکعت نماز قضای صبح می‌خوانم احتیاطاً و اما اگر مطمئنید نماز قضا ندارید نمازهای مستحبی بخوانید. تعداد نمازهای مستحبی زیاد است. که به بعضی از آنها

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، باب ۵۲، ح ۵، ص ۵۳۶.

ص: ۳۲

اشاره می‌شود: نماز شب، نماز جعفر طیار، نافله‌های روزانه، نماز حاجت، نماز غفیله، ... البته جمع بین هر دو شاید بهتر باشد یعنی گاهی اوقات نماز قضا و گاهی اوقات نماز مستحبی بخوانید. زیرا هم نمازهای قضایتان را به جا آورده‌اید و هم از فیض نمازهای مستحبی محروم نشده‌اید.

اگر نماز قضا بر گردن شما باشد می‌توانید نمازهای مستحبی بخوانید اما در مسأله روزه این طور نیست یعنی با وجود روزه قضا، نمی‌توانید روزه مستحبی بگیرید. (۱) ولی نگران نباشید چرا که در ایامی

۱- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۳۷۳ و مسئله ۱۵۶۳.

ص: ۳۳

مثل پنج‌شنبه اول و آخرماه و چهارشنبه اول دهه دوم هر ماه قمری و یا تمام دو ماه رجب و شعبان که روزه آنها مستحب است شما می‌توانید به نیت روزه قضا، روزه بگیرید، آنگاه خداوند مهربان ثواب روزه مستحبی را هم به شما خواهد داد.

ص: ۳۴

نماز شب**نماز شب به ساده‌ترین روش**

هر موقع تصمیم می‌گیرم نماز شب بخوانم، تا به یاد شرایط و آداب آن می‌افتم، منصرف می‌شوم. فکر می‌کنم خیلی سخت باشد! اصلاً اینطور نیست، اتفاقاً نماز شب را می‌شود خیلی خلاصه خواند و در عرض چند دقیقه بجا آورد. حداقل حدود ده دقیقه. البته اگر شخص، حوصله و وقت کافی دارد، می‌تواند بلکه بهتر است نماز شب را

ص: ۳۵

مفصل‌تر بجا آورد.

نافله شب یا همان نماز شب از مهم‌ترین نمازهای نافله است که در قرآن مجید و روایات اسلامی روی آن تأکید زیادی شده و تأثیر عمیقی در صفای روح و پاکی قلب و تربیت نفوس انسانی و حل مشکلات دارد.

اگر بخواهیم به طور مختصر کیفیت خواندن آن را خدمتتان عرض کنیم این طور است: چهار نماز دو رکعتی به نیت نماز شب، یک نماز دو رکعتی به نیت نماز شَفْع و یک نماز یک رکعتی به نیت نماز وَتْر.

در تمام رکعات نماز شب می‌توانید فقط حمد تنها بخوانید، ولی بهتر است (۱) در هر یک از رکعت‌های نماز شب، بعد از حمد، سوره‌ای خوانده شود.

در نماز شفع بهتر است بعد از حمد رکعت اول، سوره فلق و بعد از حمد رکعت دوم، سوره ناس خوانده شود و در نماز وتر هم بعد از حمد بهتر است سه مرتبه سوره «توحید» و یک مرتبه سوره «فلق» و یک مرتبه سوره «ناس» را قرائت نمایید. در قنوت‌های نماز شب، هر دعایی اگر چه یک صلوات و یا دعای فارسی باشد، کافی است. ولی در قنوت نماز «وتر»، بهتر است:

۱- این بهتر بودن از باب مستحب در مستحب است یعنی نماز شب مفصل از نظر تعداد رکعات با نماز شب مختصر فرقی ندارد و فقط در کیفیت انجام آن است که یک سری از اعمال به صورت مستحب، در آن نماز مستحب قرار داده شده است که به هر مقدار نماز گزار حال و وقت دارد، می‌تواند از آن بهره گیرد.

ص: ۳۶

- ۱- برای حدّ اقلِ چهل مؤمن دعا کنید: لازم نیست حتماً اسم چهل مؤمن را به ذهن بسپارید بلکه از اقوام و دوستان و آشنایان هر کس که به ذهنتان آمد برایش طلب مغفرت کنید.
 - ۲- هفتاد مرتبه (اسْتَغْفِرُ اللَّهُ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ) بگویید.
 - ۳- هفت مرتبه (هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ) یعنی این مقام پناه آورنده به تو از آتش جهنّم است، بگویید.
 - ۴- سیصد مرتبه (الْعَفْوُ)، بگویید.
- تأکید می‌شود به هر اندازه حال و حوصله دارید

ص: ۳۷

نماز شب را طول دهید. پیشوایان ما توقع ندارند نماز شبی که آنها می‌خواندند ما هم بخوانیم. ما باید به اندازه توان خویش نماز شب و سایر اعمال عبادی را انجام دهیم.

وقت نماز شب چه زمانی است؟

از نصف شب تا اذان صبح، و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود. اگر تا اذان صبح، چهار رکعت یا بیشتر از نماز شب را بجا آورده باشید، بقیه را به نیت ادا تکمیل کنید. می‌توانید به نماز شفع و وتر نیز اکتفا کنید حتی به یک رکعت نماز وتر.

در صورت عدم موفقیت در بجا آوردن نماز شب، قضای آن را در روز بجا آورید. اگر چه در روایات آمده که خداوند به بنده‌ای که قضای نماز شب را بجا آورد، مباحثات نموده و می‌فرماید: ای ملائکه من! بنگرید به بنده‌ام؛ نمازی را که بر او واجب نبود، قضا نمود همانا من او را بخشیدم. (۱) ولی از این نکته اساسی هرگز غافل نباشید که قضا هیچ‌گاه جای شب زنده‌داری در دل شب و همه خواص و برکات عجیب و فراوان آن را نمی‌گیرد.

در ضمن اگر هنگام سحر، دیر از خواب

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۸.

ص: ۳۸

برخاسته‌اید و وقت زیادی به اذان باقی نمانده و می‌خواهید راهی مسجدالنبی(ص) شده و به نماز جماعت برسید، می‌توانید در حال حرکت به طرف مسجد، پیاده یا سواره، نماز شب خود را بخوانید.

ص: ۳۹

نمازهای مستحبی

لطفاً درباره سایر نمازهای مستحبی هم توضیح مختصری بدهید.

. کیفیت نمازهای مستحبی مثل نماز جعفر طیار، نماز حاجت، نماز برای پدر و مادر، در مفاتیح الجنان و سایر کتب ادعیه آمده، به آن‌ها مراجعه کنید. اما توضیحاتی در مورد نمازهای مستحبی خدمتتان مطرح می‌شود.

۱- دو رکعتی هستند و اگر مثلاً گفته شده نماز جعفر طیار چهار رکعت است یعنی دو نماز دو رکعتی. (بجز نماز وتر که یک رکعت است)

۲- اذان و اقامه ندارند ولی تسبیحات حضرت فاطمه (س) بعد از آنها مستحب است.

۳- به جماعت خوانده نمی‌شوند.

۴- خواندن سوره بعد از حمد در آنها واجب نیست. (مگر این که از طرف معصومین؛ دستور خاصی برای یک نماز مستحبی داده شده باشد، مثل نماز

ص: ۴۰

(غفیله)

۵- اکتفا به خواندن قسمتی از یک سوره بعد از حمد می‌توان کرد.

۶- می‌توان بعد از حمد چند سوره خواند.

۷- سجده سهو و نماز احتیاط ندارند.

۸- اگر سهواً رکنی از ارکان نماز مثل رکوع یا دو سجده در آنها اضافه شود، نماز باطل نمی‌شود.

(ص)- می‌شود در حال نشسته، خوابیده یا در حال حرکت خواند(اگر نماز مستحبی را در حال حرکت بخوانیم رعایت قبله لازم

نیست)

ص: ۴۱

۱۰- می‌شود یک رکعت را ایستاده و یک رکعت را نشسته خواند بلکه می‌شود قسمتی از یک رکعت را ایستاده و قسمتی را نشسته خواند.

۱۱- قطع کردن آن در حال اختیار جایز است.

۱۲- به نیت اموات و گذشتگان هم می‌شود خواند، یا این که در ثواب آن، دیگران (مرده یا زننده، یک نفر یا چند نفر) را شریک کرد، یا بعد از نماز، ثواب آن را هدیه به ارواح آنها نمود.

۱۳- اگر در رکعات آن شک کردی، بنا را بر هر چه خواستی بگذار. مثلاً شک کردی یک رکعت خوانده‌ای یا دو رکعت، می‌توانی بنا را بر یک یا دو رکعت بگذاری.

اما در نمازهای مستحبی:

۱- داشتن وضو لازم است.

۲- حرف زدن و خوردن و آشامیدن بین نماز اشکال دارد.

۳- رعایت قبله لازم است. اگر نماز مستحبی را در حال خوابیده بخواند، به پهلو راست طوری بخوابد که جلوی بدن رو به قبله باشد و آلا به پهلو چپ، به طوری که جلوی بدن رو به قبله باشد. و اگر آن هم ممکن نشد، به پشت بخوابد به صورتی که کف پا رو به

ص: ۴۲

قبله باشد.

بد نیست درباره نوافله‌های یومیّه هم کمی توضیح دهیم. نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا هر کدام نماز مستحبی‌ای دارند که اسمش نافله است. نافله:

نماز صبح، دو رکعت، قبل از نماز صبح.

نماز ظهر، هشت رکعت، قبل از نماز ظهر.

نماز عصر، هشت رکعت، قبل از نماز عصر.

نماز مغرب، چهار رکعت، بعد از نماز مغرب.

. نماز عشا، دو رکعت نشسته، بعد از نماز عشا.

به هر اندازه حال دارید خود را از ثواب این نوافله‌ها

ص: ۴۳

محروم نکنید (۱) به ویژه نافله مغرب و عشا و صبح و ظهر، و از نافله ظهر و عصر می‌توانید بعضی از آن را بخوانید. زیرا نمازهای نافله، کمبود و کاستی نمازهای واجب را جبران می‌کند. (۲) البته در سفری که نماز شکسته است، نافله نماز ظهر و عصر نباید خوانده شود. در ضمن در پایان نماز و نافله و دعا و تعقیبات به عنوان حُسن ختام، مستحب است یک سجده شکر بجا آوریم و از این همه نعمات و الطاف الهی سپاس‌گزاری نماییم.

مطالب فراوانی درباره نماز (مستحب یا واجب) وجود دارد که ما درباره آنها اطلاعات کافی نداریم مثلاً من اگر می‌دانستم نماز نافله را می‌شود، نشسته و یا خوابیده خواند یا اگر می‌دانستم نماز شب مختصر را در عرض چند

۱- امام حسن عسکری (ع) می‌فرمایند:

۲- امام باقر (ع) می‌فرمایند: همانا نماز بنده، نصف آن یا یک سوم آن یا یک چهارم آن یا یک پنجم آن، به اندازه حضور قلبش بالا می‌رود (و مقبول درگاه الهی قرار می‌گیرد) و ما به خواندن نمازهای نافله سفارش می‌کنیم، تا نقصان و خرابی نمازهای واجب، جبران شود. وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، ابواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۷، ح ۳، ص ۵۲.

ص: ۴۴

دقیقه می‌شود خواند، حتماً تا به حال خود را از فیوضات آن محروم نمی‌نمودم.

بسیاری از مستحبات، به آسانی قابل اجرا است به شرطی که بتوان اصل آن را از فروعاتش تشخیص داد. به عبارت دیگر، شروط صحت یک کار مستحب را از شروط کمالش بتوان تمیز داد. و به عبارت سوم بسیاری از دستورات و سفارشات در عبادات مستحبی از قبیل مستحب در مستحب است یعنی در صورت بجا نیاوردن آنها، ضربه‌ای به اصل عبادات مستحبی نمی‌خورد، هر چند انجام آنها با

ص: ۴۵

وجود فرصت کافی و حال مناسب، بهتر است. امّا بیشتر مردم خیال می‌کنند که اگر همه آن دستورات را به جا نیاورند، آن کار مستحبی را انجام نداده‌اند و لذا از به‌جا آوردن آن صرف نظر می‌کنند، در صورتی که همان‌طور که گفتم این‌طور نیست و به حدّ اقل‌ها می‌شود بسنده کرد.

ص: ۴۶

نماز جعفر طیار**نماز جعفر بن ابی طالب کلید حل مشکلات**

در روایات شیعه و سنی، درباره نماز جعفر طیار تأکید زیادی شده است. می‌گویند هنگامی که حضرت جعفر بن ابی طالب (برادر حضرت علی و پسر عموی رسول خدا(ص)) از کشور حبشه (اتیوپی کنونی) به وطن بازگشت، ورود او مصادف با فتح خیبر بود که پیامبر(ص) با دیدن او بسیار خوش حال شد، اشک شوق در چشمانش حلقه زد، وی را در آغوش کشید،

ص: ۴۷

پیشانی‌اش را بوسید و به وی فرمود: آیا دوست نداری چیزی به تو هدیه دهم؟ حضرت جعفر(ع) فرمودند: بلی یا رسول الله(ص). همه مردم به گمان این که پیامبر(ص) می‌خواهد به او طلا و نقره عطا کند منتظر عکس العمل رسول خدا(ص) بودند. آن‌گاه پیامبر اعظم(ص) فرمود: امروز به تو چیزی خواهم داد که اگر هر روز آن را انجام دهی، از تمام دنیا و آنچه در آن است تو بهتر باشی و اگر یک روز در میان، یا هر جمعه، یا هر ماه، یا سالی یک بار آن را انجام دهی، خداوند غفران خویش را شامل حال تو خواهد کرد. آری هدیه رسول گرامی اسلام(ص)، نمازی بود که به نماز جعفر معروف شد.

این نماز از نمازهای بسیار مستحبی است که در کلیه ساعات شبانه‌روز در سفر یا غیر سفر می‌شود آنرا خواند اما بهترین اوقات آن، روز جمعه است، زمانی که خورشید بالا آمده باشد و در شب نیمه شعبان تأکید بیشتری در به‌جا آوردن آن شده است. حتی می‌توان آنرا به‌جای نافله‌های شبانه‌روز به حساب آورد و به تعداد رکعات آن از نافله‌ها کم گذاشت مثلاً می‌شود در دل شب به نیت چهار رکعت از نماز شب این نماز

ص: ۴۸

را خواند. (۱) لطفاً چگونگی خواندن آن را توضیح دهید؟

این نماز چهار رکعت است (دو نماز دو رکعتی) در هر رکعت، حمد و یک سوره، سپس پانزده مرتبه بگوید: *سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ* و در رکوع ده مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و بعد از بلند کردن سر از سجده ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و بعد از بلند کردن سر از

۱- موسوی خمینی: *تحریر الوسیله*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، نهم، ۱۴۲۴ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۲۰.

ص: ۴۹

سجده ده مرتبه همین ذکر را بگویند که جمعاً در هر رکعت هفتاد و پنج مرتبه و کلاً سیصد مرتبه ذکر تسیحات خواهد شد.

چند نکته درباره نماز جعفر طیار

۱- بهتر است در رکعت اول بعد از حمد، سورهٔ (إذا زلزلت) در رکعت دوم (والعادیات) در رکعت سوم (إذا جاء نصر الله) و در رکعت چهارم قل هو الله احد) را بخواند.

۲- احتیاط آن است که ذکر رکوع و سجده را قبل یا بعد از تسیحات فوق بگویند.

۳- خواندن قنوت در رکعت دوم هر یک از دو نماز، مستحب است.

۴- در صورت عجله می‌شود تسیحات را بعد از نماز به‌جا آورد. یعنی ابتدا، چهار رکعت نماز را خواند و بعد سیصد مرتبه تسیحات اربعه گفت.

۵- در صورت پیش آمدن مانع و مشکلی می‌شود ابتدا یک دو رکعتی و بعد از برطرف شدن مشکل، دو رکعت دوم را به‌جا آورد.

۶- اگر بعضی از تسیحات را در محلّ خودش، سهواً بجا نیاورد، در موقعیت بعدی آنرا قضا کند مثلاً اگر پانزده بار تسیحات قبل از رکوع را یادش رفت، در

ص: ۵۰

رکوع بیست و پنج بار تسبیحات بگوید و اگر کلاً یادش رفت و نماز تمام شد، در پایان نماز رجاء بجا آورد.

۷- امام جعفر صادق(ع) در پایان نماز، دست‌هایشان را بلند می‌نمودند و این گونه می‌فرمودند: «یا رَبَّ یا رَبَّ...» تا یک نفس تمام می‌شد. سپس به همین صورت: «یا رَبَّاهُ یا رَبَّاهُ...»، «رَبَّ رَبَّ...»، «یا الله یا الله...»، «یا حَیُّ یا حَیُّ...» و «یا رَحِیْمُ یا رَحِیْمُ...» آن گاه: «یا رَحْمَانُ یا رَحْمَانُ...» هفت مرتبه، و «یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ» هفت مرتبه و در آخر: «اللّهُمَّ اِنِّیْ اَفْتِیْحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِکَ وَ اَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ عَلَیْکَ وَ اَمَجْدُکَ وَ لا غَیْهَ لِمَدْحِکَ وَ اثنی عَلَیْکَ وَ مَنْ یَبْلُغُ غَیْهَ ثَنائِکَ

ص: ۵۱

وَ أَمِيدَ مَجِيدِكَ وَ أَنَّى لِيَخْلِقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَتُهُ مَجِيدِكَ وَ أَى زَمَنٍ لَمْ تُكُنْ مَمْدُوحًا بِفَضْلِكَ مَوْصُوفًا بِمَجِيدِكَ عَوَادًا عَلَى الْمُدْنِيِّينَ، بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكَّانُ أَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتُ عَلَيْهِمْ عَطُوفًا بِجُودِكَ جَوَادًا بِفَضْلِكَ عَوَادًا بِكَرَمِكَ يَا لَإِلَهِ الْآلَاءِ أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.» یعنی خدایا کلامم را با حمد و ثنای تو شروع می‌کنم در حالی که برای ثنای تو پایانی نیست. چه طور برای مخلوقات تو، دستیابی به کنه معرفت ممکن است! چه زمانی بوده که تو به فضلت مورد ستایش قرار نمی‌گرفتی! و نظر مغفرت به گناه کاران نمی‌انداختی؟! به سبب حلمت ساکنان زمین از اطاعتت سرپیچی می‌کنند، پس همواره با دل‌سوزی و بخشش با آنان رفتار نمودی و به سوی آنان بازگشتی، ای پروردگار شکوهمند و بزرگواری که جز تو خدایی نیست.

سپس حضرت فرمودند: (اگر حاجت مهمی داری، این نماز را بجای آور، این دعا را بخوان و خواسته‌ات را بخواه، خداوند انشاءالله حاجتت را برآورده خواهد نمود.) (۱).

ص: ۵۲

قرائت قرآن

درباره سایر موارد هم ما را راهنمایی کنید. مثلاً درباره قرائت قرآن، شنیده‌ایم ختم قرآن مجید در مکه و مدینه ثواب زیادی دارد. البته دیده‌ایم که بعضی بدون توجه به معانی و مفاهیم آیات قرآن حتی در حال خستگی و بی‌رغبتی یا اهمّیت ندادن به هم‌سفران خود مخصوصاً همسر خویش، فقط به فکر ختم قرآن و به اصطلاح جمع کردن ثواب هستند! گاهی

ص: ۵۳

مشاهده می‌شود که زائران از صبح تا غروب در مسجد نشسته و احیاناً همراه با چرت و کسالت! مشغول قرائت قرآن و دعا هستند، نظر شما در این باره چیست؟

البته در روایات ائمه اطهار: به ختم قرآن در مسجد الحرام (۱) و به نماز خواندن در مسجد النبی (ص) تأکید و تشویق شده‌ایم. (۲) به همین خاطر، چه در مسجد الحرام و چه در مسجد النبی، حتی در دو شهر مکه و مدینه قرائت قرآن و ختم قرآن ثواب زیادی دارد، اما باید توجه داشت که روح تمام اعمال ما، رشد و تعالی معنوی و اعتقادی ماست. تمام روایاتی که سخن از ثواب فلان عمل به میان می‌آورند می‌خواهند ما را تشویق به آن کنند تا از آن در راه رشد و ترقی خود استفاده کنیم. قرآن را بخوانیم تا روحمان صفا و صیقل یابد، معرفت و دانش ما نسبت به احکام الهی بیشتر شود، به حلال و حرام خدا آشنا تر شویم و در رفتار و گفتار و افکارمان، در تمام ابعاد زندگی؛ در اجتماع و سیاست، در خانواده و منزل، در کسب و کار و تجارت، در معاشرت با زن و

۱- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، کتاب الصلاة، ابواب قرائة القرآن، باب ۱۸، ص ۸۵۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، ابواب احکام المساجد، باب ۵۲، ص ۵۳۶.

ص: ۵۴

فرزند و دوست و فامیل، در عبادت و سلوک الی‌الله، در شناخت دیو درون و دشمن بیرون متحول شویم و حالات قبل و بعد از قرآن خواندنمان فرقی کرده باشد و الا این گونه قرآن خواندن بی‌فایده یا کم‌فایده است!

اسلام هرگز موافق کمیت بی کیفیت نیست. لذا ما نباید کیفیت کار را فدای کمیت کنیم و در طول سفر پیوسته نگران این باشیم که آیا عاقبت می‌توانیم یک بار یا چند بار ختم قرآن کنیم یا نه! پیامبر(ص) به اباذر می‌فرماید: «یا اباذرَ رَكَعَتَانِ مُقْتَصَّصَتَانِ فِي تَفَكُّرٍ، خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ وَالْقَلْبُ لَاهٍ (سَاهٍ)» ای اباذر، دو

ص: ۵۵

رکعت نماز با توجه و نشاط بهتر از یک شب، شب‌زنده‌داری بدون حضور قلب و همراه با کسالت و بی‌میلی است. در روایات فراوانی ائمه ما عدم میل خویش را نسبت به ختم قرآن کمتر از یک ماه، برای شیعیان نشان، اظهار کرده‌اند و فرموده‌اند قرآن را با شتاب و عجله نخوانید بلکه شمرده و با آهنگ خوش و با تدبّر در معانی آن بخوانید. امام صادق(ع) در پاسخ شخصی که پرسید آیا قرآن را در یک شب بخوانم، فرمود: «لَا يُعْجِبُنِي أَنْ تَقْرَأَهُ فِي أَقَلِّ مِنْ شَهْرٍ» خوش ندارم که قرآن را در کمتر از یک ماه بخوانی. (۱) پس بیاییم به تلاوت قرآنمان عمق و محتوا بخشیم و قرآنی خوش‌خط، با چاپی زیبا و با ترجمه‌ای دقیق و روان تهیه نماییم تا بتوانیم از قرائت همراه با تأمل در ترجمه و مفاهیم آن بهره‌مند شویم. دوستانی که قبلاً به عربستان مشرف شده‌اند، می‌گویند در حرمین شریفین قرآن مجید با ترجمه‌های مختلف از جمله ترجمه فارسی موجود است.

بلی هست، اما ترجمه متعلّق به ولی الله

۱- اصول کافی، ج ۴، کتاب فضل القرآن، ص ۴۲۲.

ص: ۵۶

دهلوی است. ایشان از علمای اهل سنت است و جو حاکم بر ترجمه، افکار و عقاید برادران اهل سنت است. همچنین ترجمه متعلق به دوران گذشته است و روانی ترجمه‌های کنونی را ندارد.

اگر نکات دیگری درباره قرائت قرآن به نظرتان می‌رسد، یادآوری فرمایید.

قرآن مجید را با دست راست حمل کنید.

قرآن مجید را روی زمین یا روی کیسه کفشان قرار ندهید.

با صدای آهسته و بدون مزاحمت برای دیگران،

ص: ۵۷

قرآن را تلاوت کنید.

قرآن‌های حرم را به هتل نبرید.

قرآن‌های مسجد النبی (ص) و مسجد الحرام را که مهر وقف روی آنها خورده، به عنوان هدیه نگیرید.

ص: ۵۸

زیارت غیر معصومین در بقیع**اشاره**

اجازه بدهید در مورد زیارت، سؤال دیگری بنمایم. شما فرمودید برای صحابه مدفون در بقیع زیارت بخوانیم مگر آنها هم زیارت‌نامه دارند؟

نه تنها برای صحابه پیامبر اعظم (ص) و اصحاب باوفای ائمه؛ بلکه برای سایر مدفونین در بقیع مثل ایرانیانی که در این سفر معنوی جان به جان آفرین تسلیم نموده و سر بر سریر خاک نهاده‌اند هم دعا و

ص: ۵۹

طلب استغفار می‌کنیم و قبور آنان را زیارت می‌نماییم. (۱) زیارت مقابر علاوه بر اجر معنوی فواید بی‌شماری دارد از جمله این که انسان از زندگی روزمره اندکی فارغ شده و به یاد مرگ و روز حساب افتاده و آرام می‌شود.

به هر حال در کنار قبور اموات در حالی که رو به قبله هستیم، به قدر استطاعت و حال، این کارها را انجام می‌دهیم:

۱- هفت مرتبه سوره قدر «أنا انزلناه فی لیلة القدر...»

۲- حمد و «قل اعوذ برب الفلق»، «قل اعوذ برب الناس» و «آیه الکرسی» هر کدام سه مرتبه.

۳- سوره یس.

۴- سلام دادن بر آنان به یکی از این زیارات:

الف: «بسم الله الرحمن الرحيم، السلام على اهل لا اله الا الله من اهل لا اله الا الله يا اهل لا اله الا الله كيف وجدتم قول لا اله الا الله من لا اله الا الله يا لا اله الا الله بحق لا اله الا الله»

۱- حضرت علی (ع) می‌فرمایند: زُورُوا مَوْتَاكُمْ فَانَّهُمْ يَفْرَحُونَ بِزِيَارَتِكُمْ ... به زیارت مردگان بروید، زیرا این کار باعث خوشنودی آنان میشود. وسائل الشیعه، ج ۲، ابواب الدفن، باب ۵۴، ح ۵، ص ۸۷۸.

ص: ۶۰

اغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرِهِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ

ب: «السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ» و «رَحِمَكُمُ اللَّهُ» هر کدام سه مرتبه.

ج: «السَّلامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِأَحْقُونَ.»

۵- قرائت قرآن.

نماز زیارت برای غیر معصومین وارد نشده، لذا حداقل

ص: ۶۱

دو رکعت نماز مستحبی می‌خوانیم و ثوابش را هدیه به روح آنان می‌نماییم.

ص: ۶۲

نماز در مکه و مدینه

دوست دارم بدانم نمازهای واجب ما در مدینه و مکه شکسته است یا تمام؟
اگر مدت اقامت شما در مدینه کمتر از ده روز است (که معمولاً این طور است):
الف: در همه جا شکسته است. «آیه الله شبیری زنجانی»
ب: فقط در محدوده قدیم مسجد النبوی (ص) و

ص: ۶۳

مسجد الحرام مخیر بین شکسته و یا تمام هستید. «آیات عظام بهجت و اراکی»

ج: در تمام دو مسجد، حتی قسمت‌های نوساز، مخیر بین شکسته و تمام هستید. «حضرت امام»

د: در تمام مکه و مدینه قدیم، این تخییر هست. «آیات عظام خوبی و تبریزی»

ه: در تمام مکه و مدینه شما اختیار دارید نماز ظهر، عصر و عشاء را شکسته یا تمام بخوانید. «آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، مکارم، صافی، گلپایگانی، نوری»، البته در صورت تخییر، تمام خواندن فضیلت بیشتری دارد، (۱) ولی اگر نماز را با جماعت و به صورت شکسته خواندید به گونه‌ای عمل شود که شکسته بودن نماز معلوم نشود، به این صورت که پس از تشهد رکعت دوم به سلام آخر اکتفا کرده و نماز خود را تمام کنیم آن‌گاه بدون برگرداندن صورت از قبله یا بلند کردن دست بعد از سلام، بایستیم و با رفتن امام جماعت به رکوع، نیت نماز دوم یا نماز قضا بنماییم و تکبیره الاحرام گفته و به رکوع رویم.

فرمودید نماز جماعت؛ مگر می‌شود نماز را به جماعت اهل سنت اقتدا کرد؟

۱- تحریر الوسیله امام ره، ج ۱، ص ۲۴۰، م ۸. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۶۴، م ۱۱.

ص: ۶۴

به نظر همه مراجع، شرکت در نماز جماعت برادران اهل سنت مطلوب است.

چرا در سخنان بزرگان دین ما این همه سفارش به شرکت در نماز جماعت اهل سنت شده است؟

اسلام عزیز به حفظ وحدت بین فرقه‌های اسلامی اعم از شیعه و سنی اهمیت فراوان داده است و خداوند حکیم هرگز راضی نیست به خاطر اختلافات فقهی و جزئی، اصل دین و کیان مسلمین در معرض خطر قرار گیرد. متأسفانه اسلام و مسلمین از این بابت ضربه‌های بسیاری خورده‌اند و دشمنان فرصت طلب و تفرقه افکن، کمال استفاده را از این اختلافات

ص: ۶۵

نموده‌اند.

قبل از انقلاب و اوایل انقلاب، وضعیت اسفبار نماز در حرمین شریفین مایه خجالت و اندوه فراوان بود. به محض شروع نماز جماعت، تعداد قابل توجهی از شیعیان از مسجد خارج می‌شدند و صحنه‌های ناخوشایندی به وجود می‌آمد. حضرت امام خمینی بساط این اختلافات را برچید و نتیجه‌اش وحدت و یکپارچگی مسلمانان شد. به برکت این تلاش و مجاهدت‌ها، دل‌های برادران شیعه و سنی به هم نزدیکتر شده است و دشمنان دین از این بابت بسیار خشمگین هستند و پیوسته درصدد فرصتی بوده تا اوضاع را به هم ریخته و از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. پس ما مسلمانان باید صفوف خود را فشرده‌تر نموده و در مقابل دشمن، وحدت و یکپارچگی خود را حفظ و نشان دهیم.

از راهنمایی شما متشکرم. اگر ممکن است مسائل مهم و ناگفته نماز در مکه و مدینه را به صورت مختصر و مفید برایم بازگو کنید. در رساله‌های عملیه مراجع عظام، حدود پانصد مسأله درباره نماز آورده شده که بسیاری از آنها در اینجا هم کاربرد دارد. که به بعضی از مسائل ضروری‌تر آن اشاره می‌شود:

۱- نماز در مسجد النبوی (ص) و مسجد الحرام ثواب

ص: ۶۶

زیادی دارد.

۲- هنگام برگزاری نماز جماعت از تجمع در کنار بقیع یا ایستادن در کنار مغازه‌ها و خیابان‌ها خودداری کنیم.

۳- از نماز گزاردن در کنار بقیع یا قبرستان ابوطالب بپرهیزیم. کلیه نمازهای مستحبی مثل نماز زیارت را در حرم و یا در هتل بخوانیم.

۴- به هنگام ورود به مسجدها، مثل مسجدالنبی(ص) یا مساجد در زیارت دوره، از خواندن نماز تحیت(احترام) که حداقل دو رکعت است غفلت نورزیم. بد نیست بدانید، به فتوای اکثر مراجع، مسجد الحرام نماز تحیت ندارد بلکه تحیت آن، طواف است.

ص: ۶۷

- ۵- هنگام پخش اذان از بلندگوی مسجد و یا هنگام اقامه نماز جماعت، از خواندن نماز به صورت فرادا جداً پرهیز نماییم.
- ۶- به محض شنیدن (قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ) برخیزیم و جای خالی صفوف را پرکنیم و از حرف زدن بی جا دوری کنیم و بلافاصله پس از امام جماعت، تکبیر الاحرام بگوییم.
- ۷- اتصال صفوف را رعایت کنیم. برای نماز، تا جایی که ممکن است در طبقه دوم مسجدالحرام و پشت بام مسجدالحرام و مسجدالنبی نایستیم. همچنین دقت داشته باشیم که صفوف قسمت شمالی مسجدالنبی (ص) معمولاً در ایام عمره مفرده به صفوف قسمت‌های جلو متصل نیست، و لذا هر چقدر می‌توانیم به طرف قسمت‌های جلوتر مسجد برویم.
- ۸- در رفتن به رکوع و سجده و برخاستن از آن، از امام تبعیت کرده و تقدیم و تأخیر محسوس نداشته باشیم.
- ۹- از دست بسته ایستادن به هنگام قرائت امام، و گفتن «آمین» بعد از حمد پرهیزیم.
- ۱۰- اهل سنت قنوت ندارند، ما هم بدون اینکه کف دستانمان را بالا ببریم می‌توانیم دعای مختصری نموده و فوراً به رکوع رویم.

ص: ۶۸

۱۱- اهل سنت، بعد از رکوع کمی بیشتر از معمول، مکث می‌کنند، ما هم همانند آنان مکث کرده و این جملاتی که خواندن آنها بعد از رکوع مستحب است، می‌خوانیم: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَهْلَ الْجَبَرُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

۱۲- اهل سنت جلسه استراحت ندارند، (نشستن بعد از سجده دوم رکعت اول همه نمازها و رکعت سوم نمازهای چهار رکعتی) و پس از سجده بلافاصله بر می‌خیزند. ما جلسه استراحت را به صورت کوتاه رعایت می‌کنیم.

ص: ۶۹

- ۱۳- اهل سنت تجافی ندارند (حالت نیم‌خیز در وقت تشهد امام جماعت در جایی که یک یا چند رکعت از جماعت عقب هستیم) ما هم به جهت تبعیت در جماعت آنان، تجافی ننموده و به حال تشهد می‌نشینیم.
- ۱۴- اهل سنت بعد از سلام نماز، با یکدیگر مصافحه نمی‌کنند، از انجام آن اجتناب نموده و به جای آن و بدون برگرداندن سر به این طرف و آن طرف، از تسیحات حضرت فاطمه غفلت نورزیم.
- ۱۵- بعضی از اهل سنت (حنفیه- مالکیه)، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را جزء سوره نمی‌دانند لذا یا آن را قرائت نمی‌کنند یا اگر قرائت کنند آهسته می‌خوانند، ولی در هر صورت به نماز جماعت ما خللی وارد نمی‌شود.
- ۱۶- بعد از سلام نماز، مستحب است؛ سه بار «الله اکبر» گفته، بدون بلند کردن دست‌ها به این مستحب عمل کنیم.
- ۱۷- سجده بر فرش، در مسجد النبی (ص) و سایر مساجد مکه و مدینه به ویژه در نماز جماعت، به فتوای بسیاری از مراجع جایز بوده، لذا از هنگام ورود به فرودگاه تا لحظه بازگشت، رعایت نماییم و از گذاشتن مهر یا کاغذ یا دستمال کاغذی در اماکن عمومی خودداری کنیم. ولی در جایی که برادران اهل سنت تردد

ص: ۷۰

ندارند، یا سنگ‌فرش است، یا در محل اقامت‌مان (هتل) حتماً بر چیزی که سجده بر آن صحیح است، سجده کنیم. سجده بر انواع سنگ‌های به کار رفته در مسجدالحرام و مسجدالنبی (ص) صحیح است.

۱۸- سجده بر فرش در مسجد الحرام جایز نیست زیرا امکان سجده بر سنگ در تمام قسمت‌های مسجد برای زنان و مردان وجود دارد.

۱۹- نافله‌های مغرب، عشا و صبح را سعی کنیم بخوانیم.

۲۰- اگر در نماز جماعت عصر و عشا برادران اهل سنت شرکت نمی‌کنیم، حداقل نیم ساعت قبل از

ص: ۷۱

نماز آنان از مسجد خارج شویم.

۲۱- در نماز صبح روزهای جمعه، امام جماعت غالباً پس از حمد، آیات سجده‌دار را تلاوت می‌کند، باید هماهنگ با امام و در بین نماز، سجده واجب را انجام دهیم.

الف: سپس بعد از نماز، نماز را دوباره بخوانیم. (آیات عظام سیستانی، بهجت، مکارم و تبریزی)

ب: در صورت خواندن نماز قبل از جماعت - به طور فرادا - اعاده بعد از جماعت لازم نیست.

ج: اگر اشتبهاً به جای سجده تلاوت، به رکوع رویم، نماز باطل و اعاده لازم است.

۲۲- هنگام اذان و اقامه و خطبه‌های نماز جمعه، از گفت‌وگو با یکدیگر، نماز خواندن و تلاوت قرآن بپرهیزیم.

۲۳- از محل سجده نماز گزاران عبور نکنیم زیرا برخی از اهل سنت از این کار منع می‌کنند.

۲۴- در مسجد الحرام، در مسیر طواف کنندگان به نماز نایستیم.

۲۵- نماز طواف مستحبی در همه جای مسجد الحرام صحیح است، از خواندن نماز طواف مستحبی یا سایر نمازها در پشت مقام

ابراهیم خودداری نموده و

ص: ۷۲

آنجا را برای کسانی که نماز طواف واجب دارند، خالی بگذاریم.

۲۶- نماز استداره‌ای (دایره‌وار) در مسجد الحرام:

الف: به شرط این که به حسب دایره، مقدم بر امام و نزدیکتر از امام به کعبه نباشیم، مانعی ندارد. «آیات عظام صافی، مکارم، گلپایگانی، اراکی و نوری».

ب: اشکال ندارد «آیات عظام امام، سیستانی، خویی، تبریزی و بهجت».

ج: اشکال دارد (برای کسانی که روبروی امام قرار بگیرند) «آیات عظام خامنه‌ای و فاضل».

۲۷- کلیه اذکار نماز را آهسته بخوانیم و مزاحم

ص: ۷۳

دیگران نشویم.

۲۸- کلیه نمازهای مستحبی مثل نمازهای زیارت و تحیت را می‌توانیم به نیت خود خوانده و در پایان ثواب آنرا به یک نفر یا چند نفر، زنده یا مرده، هدیه نماییم.

۲۹- کلیه نمازهای مستحبی را می‌شود خوابیده، نشسته یا در حال راه رفتن خواند.

۳۰- مستحب است نمازگزار در حال ایستاده به جای سجده گاه و در حال تشهد به دامان خود نگاه کند. در نماز در مسجدالحرام نیز به جای نگاه به کعبه به همین مستحب عمل شود.

۳۱- کفش‌های خود را در جاکفشی یا کیسه کفش تمیز قرار دهیم. لباس و بدنمان خصوصاً جوراب‌ها تمیز و مرتب باشد. از عطر و مسواک به هنگام ورود به مسجد و شروع نماز غافل نباشیم.

۳۲- بانوان محترم، در حال نماز، به ویژه نماز طواف باید حجاب خود را رعایت کنند، تا احیاناً نماز آنها با مشکل مواجه نشود. مطالب بسیاری درباره نماز یاد گرفتیم. سؤال دیگر اینکه آیا با پخش اذان از بلندگوهای مساجد مکه و مدینه، وقت نماز داخل شده است یا نه؟

ص: ۷۴

اتفاقاً همین سؤال در ذهن شیعیان ائمه اطهار: هم بوده است که ائمه معصومین: کفایت اذان اهل سنت را به شیعیان توصیه می نمودند. امام صادق(ع) به یکی از اصحابشان فرمودند: (نماز را با اذان ایشان(اهل سنت) بخوانید.) (۱) بنابراین می شود به اذان آنها اعتماد کرد.

در اذان مغرب، چون اهل سنت غروب آفتاب را نشانه مغرب می دانند و نه رفتن سرخی مشرق، حدود ده الی پانزده دقیقه زودتر اذان می گویند، اما

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۳، ابواب الاذان و الاقامه، ح ۱، ص ۶۱۸.

ص: ۷۵

خوشبختانه با آن اذان، نماز مغرب را شروع نمی‌کنند بلکه حدود ده دقیقه صبر می‌کنند تا مردم برای شرکت در نماز جماعت آماده و جمع شوند بنابراین نماز مغرب را هم می‌شود با آنها به جماعت خواند.

ص: ۷۶

روزه مستحبی در سفر

خوشحال می‌شوم اگر کمی هم درباره روزه مستحبی در مدینه برایم بگویید و اصولاً آیا روزه مستحبی در سفر صحیح است؟ در مذهب ما روزه مسافر صحیح نیست مگر زمانی که نماز شکسته نباشد مثلاً قصد ده روز کرده باشید که گرفتن روزه مستحبی یا روزه ماه رمضان یا روزه قضا اشکال ندارد. ولی اگر می‌خواهید کمتر از ده روز در جایی

ص: ۷۷

بمانید هیچ نوع روزه‌ای نمی‌توانید بگیرید.

برای شخص مسافر فقط یک استثناء دارد و آن سه روز روزه مستحبی در شهر مدینه منوره برای برآورده شدن حاجات است که سفارش مؤکدی در روایات بر انجام این عمل مستحبی شده است. بهتر است این سه روز، روزهای چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه سفر شما باشد (مستحب در مستحب). تأکید می‌کنم، سه روز، نه کمتر و نه بیشتر، آن هم در مدینه، نه در مکه و نه در هیچ شهر دیگر. نظر شما در مورد روزه نذری در سفر چیست؟ چون دیده‌ام بعضی از زائرین با نذر در مکه یا مدینه، بیشتر از سه روز روزه می‌گیرند. باید گفت اگرچه به نظر اکثر مراجع، با شرایط خاص می‌شود روزه نذری (نه روزه ماه رمضان یا قضای آن) در سفر گرفت ولی به نظر می‌رسد این عمل با روح اسلام و مذهب منافات دارد چرا که خداوند مهربان نخواست ما در سفر، روزه بگیریم، و روایات متعددی در ذم و نکوهش روزه‌داری در سفر آمده است. از جمله:

۱- امام رضا(ع) می‌فرماید: لَيْسَ مِنَ الْبِرِّ الصَّوْمُ فِي السَّفَرِ (۱) روزه‌داری در سفر از کارهای نیکو نیست.

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، کتاب الصوم، ابواب من یصح منه الصوم، باب ۱۲، ۱۱، ۱.

ص: ۷۸

۲- امام صادق(ع) می‌فرماید: لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَصُومُ فِي السَّفَرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَا غَيْرِهِ عَادَتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِرَأْيِنِ نَبِيِّكَ
که به هنگام سفر چه در ماه رمضان و چه در ماه‌های دیگر روزه بگیرد
البته عرض کردم روزه مستحبی سه روز در مدینه یک استثناء است.

ص: ۷۹

زیارت دوره

اگر امکان دارد از زیارت دوره و مکان‌هایی که زائرین از آنها بازدید می‌کنند بگویید. دوست داریم بدانیم کجاها می‌رویم و از چه اماکنی بازدید می‌نماییم تا وقتی که به وطن برگشتیم اگر دوستی، فامیلی از ما درباره آنها پرسید یا وقتی مردم برای دیدنمان می‌آیند، حرفی برای گفتن داشته باشیم و از خاطرات خوش این سفر صحبت به اندازه کافی به ارمغان ببریم. شما یک روز تقریباً از صبح تا ظهر در مدینه و یک روز هم در مکه به همراه کاروان و مدیر و روحانی به زیارت دوره خواهید رفت. در زیارت دوره از چند مکان بازدید خواهید کرد.

۱- منطقه اُحد

مرقد حضرت حمزه سیدالشهدا و شهدای جنگ اُحد. این مکان در منطقه شمالی مدینه کنار کوه اُحد قرار دارد و مرقد مطهر حضرت حمزه عموی پیامبر خدا(ص) و سایر شهدای اُحد در آن مکان می‌باشد.

ص: ۸۰

در روایات اسلامی سفارش زیادی به زائرین و حجاج بیت الله الحرام شده که از زیارت این مکان غافل نباشند. حضرت فاطمه زهراء(س) بعد از وفات پدر بزرگوارشان هر دوشنبه و پنج شنبه به زیارت این مکان مقدّس می آمده و یاد و خاطره شهدای جنگ احد را زنده نگاه می داشتند. (۱) و جالب است بدانید اولین کسی که تسبیح را درست کرد حضرت فاطمه زهرا(س) بود که ابتدا به یک نخ پشمی سی و سه گره زده و با آن ذکر تسبیحات را

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ابواب الدفن، باب ۵۵، ح ۱، ص ۸۷۹.

ص: ۸۱

می‌فرمودند. بعدها پس از شهادت حضرت حمزه (ع) از تربت مطهر او قبضه خاکی برداشته و از آن تسبیح درست نمودند. مردم هم از این سنت حسنه آن حضرت پیروی کرده و برای گفتن اذکار و اوراد از تسبیح استفاده می‌نمودند. مدت‌ها بعد و پس از شهادت امام حسین (ع) به سفارش ائمه اطهار: از تربت آن امام شهید، تسبیح درست شد. تسبیح تربت سید و سالار شهیدان حضرت حسین بن علی (ع) دارای فضیلت زیادی است که حتی اگر بدون گفتن ذکر، آن را در دست بگردانیم، برای ما اجر و ثواب ذکر نوشته خواهد شد. (۱) داستان عبرت‌انگیز و غم‌بار جنگ احد در آیات ۱۲۱ تا ۱۷۹ سوره آل عمران به طور مفصّل آمده که حاوی نکات و تجربیات تلخ و شیرین فراوانی می‌باشد. سفارش اکید این است که آیات مورد اشاره را به دقت مطالعه و ملاحظه نمایید.

۲- مسجد قبلتین

همان مکانی که دستور تغییر قبله بین نماز ظهر و عصر یا در حین نماز ظهر از طرف خداوند به پیامبرش ابلاغ شد و حضرت در حالی که دو رکعت از

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، کتاب الصلاة، ابواب التعقیب، باب ۱۶، ح ۱، ص ۱۰۳۲.

ص: ۸۲

نمازشان را به طرف بیت المقدس خوانده بودند با چرخش صد و هشتاد درجه‌ای رو به کعبه ایستاده و نماز را به پایان رساندند. به همین خاطر این مسجد به مسجد قبلتین یعنی مسجد دارای دو قبله شهرت یافته است.

تصور چرخش صد و هشتاد درجه‌ای در حال نماز جماعت و با توجه به حضور مأمومینِ مرد و زن، مشکل به نظر می‌رسد، این چرخش چگونه انجام شده است؟! البته همین طور است که می‌فرمایید، اما به هر

ص: ۸۳

حال بنا بر احتمال دوّم این یک دستور ویژه بوده است. لذا شاید بشود این طور تصوّر نمود که بعد از ابلاغ دستور، پیامبر خدا(ص) بدون این که ذکری به زبان بیاورند هم از طرف بیت المقدس به طرف کعبه برگشته و هم جای خود را با جای نماز گزاران عوض نمودند. سپس مردان پشت سر حضرت و زنان پشت سر مردان قرار گرفتند. این کار باعث بطلان نماز نمی‌شود زیرا حتی در مواقع عادی اگر برای نماز گزار اتفاقی رخ دهد مثلاً از دماغش خون بیاید یا لباسش خونی شود یا بچه‌اش می‌خواهد کار خطرناکی انجام دهد یا هر حادثه مهم دیگر، می‌تواند بلکه باید بدون اینکه نمازش را به هم بزند و با شرایطی مثل برگشتن از قبله و نگفتن ذکر در حال حرکت، چند قدمی برای حلّ مشکل به‌وجود آمده، راه برود.

داستان تغییر قبله در ذیل آیات ۱۴۴ به بعد سوره بقره آمده، می‌توانید با مراجعه به ترجمه و تفسیر قرآن اطلاعات لازم را کسب نمایید.

۳- مسجد سلمان(ع)

ایشان در جنگ خندق پیشنهاد دهنده حفر خندق بود و نقش مهمی در این جنگ ایفا نموده است.

۴- مسجد فتح

ص: ۸۴

این دو مسجد (سلمان و فتح) مربوط به جنگ احزاب (خندق) است. حضرت پیامبر (ص) در مسجد فتح نماز خواند و برای پیروزی لشکر اسلام دعا نمودند که دعای او به هدف استجاب رسید و سپاه مشرکین بدون رسیدن به اهداف خود به مکه برگشت. نماز در هر دو مسجد مستحب است، «البته از مساجد دیگری در منطقه خندق یاد می‌شود که یا قدمت تاریخی ندارد و یا اثری از آن باقی نمانده است».

چه نمازی باید در این مساجد خواند؟

نماز تحیت مسجد.

نماز تحیت چیست؟

ص: ۸۵

نماز تحیت یعنی حدّ اقل دو رکعت نماز احترام و تجلیل و پاسداشت. در حقیقت خواندن نماز تحیت علاوه بر ثواب، شاید ادای احترام و ادبی نسبت به مسجد و حماسه‌ها و فداکاری‌های افرادی است که در جریانات مربوط به آن نقش داشته‌اند، باشد. البته نماز واجب یا نماز قضا هم می‌توانید بخوانید زیرا هم نماز واجبتان را خوانده‌اید، هم به عنوان تحیت مسجد محسوب می‌شود، لذا زائرین محترمی که نماز قضا بر گردنشان هست می‌توانند در این گونه مساجد با یک تیر دو نشان بزنند. در ضمن حداقل نماز تحیت دو رکعت است اگر بیشتر بخوانید زهی سعادت، به شرط این که موجب تضییع وقت کاروان نشده و باعث معطلی آنها نشوید.

۵- مسجد قبا. اولین مسجدی است که به دست پیامبر خدا(ص) و عمار یاسر و سایر صحابه ساخته شد. پیامبر خدا در هنگام هجرت به مدینه- قبل از رسیدن به شهر مدینه- در منطقه قبا در جنوب مدینه مدتی توقف کردند تا حضرت علی و فاطمه زهرا(ع) و عده‌ای دیگر به آنها ملحق شوند در این مدت توقف، حضرت پایه‌های مسجد قبا را بناگذاری نمودند. در قرآن مجید از این مسجد به عظمت یاد شده است. (لَمَسْجِدٍ اسَّسَ عَلَی الْتَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ

ص: ۸۶

اَحَقُّ اَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يَحْيَوْنَ اَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللّٰهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِيْنَ (۱) «مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوی بنا شده سزاوارتر است که در آن به نماز ایستی. در آن مردانی‌اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی‌اند دوست می‌دارد».

و دقیقاً به همین خاطر به مسجدالتقوی نیز معروف شده و رسول خدا می‌فرماید: (کسی که به مسجد قبا آید و دو رکعت نماز بگذارد، ثواب یک عمره برای او

۱- سوره توبه، آیه ۹۷.

ص: ۸۷

است. (۱) همچنین امام صادق(ع) سفارش می‌فرمایند که در این مسجد زیاد نماز بخوانید. (۲) برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این مکان‌های مقدس می‌توانید به کتب تاریخی مراجعه کنید.

چه کتابی را در این باره مطالعه کنیم؟

درباره آثار و امکنه مکه و مدینه، کتاب‌های بی‌شماری به نگارش درآمده است. کتاب (آثار اسلامی مکه و مدینه نوشته رسول جعفریان و کتاب (تاریخ حرم ائمه بقیع و آثار دیگر مدینه منوره نوشته محمد صادق نجمی از کتاب‌های ارزنده‌ای است که هم اینک در بازار موجود است. همچنین بیشتر مجلدات مجله (میقات هم در این رابطه مطالب مفیدی دارد. در ضمن اگر دوست داشته باشید تاریخ اسلام را مطالعه نمایید، کتاب شیوا و شیرین (فروغ ابدیت تألیف استاد جعفر سبحانی از بهترین‌هاست.

شنیده بودیم که در زیارت دوره، زائران را

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، کتاب الصلاة، ابواب احکام المساجد، باب ۶۰، ح ۲، ص ۵۴۸.

۲- همان، ج ۱۰، کتاب الحج، ابواب المزار، باب ۱۲، ح ۲، ص ۲۷۶.

ص: ۸۸

به مشربۀ امّ ابراهیم، مسجد ردّ شمس و حتی مسجد شیعیان هم می‌برند، آیا این مطلب درست است؟ تقریباً، اما لازم است به این نکته توجه داشته باشید که ممکن است به خاطر شرایط پیش آمده، اندکی برنامه‌ها تغییر کرده باشد مثلاً مسجد ردّ شمس و بسیاری از مساجد متبرک دیگر مدینه و مکه توسط دولت وقت تخریب و با خاک یکسان شده و به جای آن خیابان و ساختمان ساخته شده است.

اما مشربۀ امّ ابراهیم اگرچه به صورت یک چهار دیواری موجود است ولی در حال حاضر به کاروان‌ها

ص: ۸۹

اجازه رفتن به آنجا را نمی دهند. اگر کسی بخواهد به مشربۀ امّ ابراهیم یا مسجد شیعیان مدینه برود باید یک برنامه شخصی بچیند که به تنهایی یا به همراه بعضی دوستان و آشنایان به زیارت این اماکن برود.

لطفاً اندکی هم درباره فلسفه مسجد ردّ شمس و مشربه امّ ابراهیم برایمان توضیح دهید.

مسجد ردّ شمس محلی است که جنگ بنی نضیر در آنجا واقع شده است. پس از جنگ بدر، و در جریان محاصره قلعه بنی نضیر، رسول خدا (ص) هنگام عصر، در حالی که سرش روی زانوان مبارک امیرالمؤمنین علی (ع) بود، به خواب رفت، نزدیک غروب خورشید بیدار شد، متوجه گردید علی (ع) هنوز نماز عصرش را نخوانده، از خداوند خواست خورشید را بازگرداند تا او نماز بگذارد.

چرا حضرت علی (ع) پیامبر خدا را بیدار نکرد تا نماز عصرش قضا نشود و مرتکب ترک واجب نشود؟! و اصولاً آیا چنین رخدادی واقع شده است!؟

بیان چند مطلب در این باره، لازم است:

اولاً، وقوع چنین جریانی از مسلمات تاریخ است. این، نه یک بار بلکه دو یا سه بار برای آن حضرت رخ داده است. و نیز برای حضرت یوشع (ع) - از

ص: ۹۰

پیامبران بنی اسرائیل - هم واقعه بازگشت خورشید اتفاق افتاده است.

علامه امینی در کتاب گرانسنگ الغدیر، جلد سوم از صفحه ۱۲۶ به بعد، نام بیش از چهل نفر از علمای اهل سنت را که این واقعه را نقل نموده‌اند آورده است.

ثانیاً، بنا بر بعضی نقل‌ها پیامبر اکرم(ص) در آن موقع در حال دریافت وحی بوده‌اند و حضرت امیرالمؤمنین(ع) نماز عصر خود را در همان حال بجا آوردند که به آن نماز در حال اضطرار گفته می‌شود و شرایط و احکام خاص خود را دارد. یعنی می‌شود نماز

ص: ۹۱

را در حال نشسته خواند و رکوع و سجود را با ایماء و اشاره بجا آورد.

ثالثاً، باید گفت نمازِ مُجَسِّم و حقیقت تمام نمای نماز و سایر عبادات یعنی وجود نازنین رسول خدا(ص) روی زانوی حضرت علی(ع) خوابیده بوده است. به قول معروف آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم. چطور حضرت، این حقیقت تمام نمای نماز را بیدار نموده و به دنبال نماز می رفتند!

و در آخر این که شاید خداوند حکیم می خواسته با این کار فضل و عظمت علی بن ابی طالب(ع) را در قالبی خاص به اثبات برساند و همگان شاهد باشند که نه تنها جن و انس و ملک بلکه تمام مخلوقات عالم در مقابل عظمت محمد و آل محمد: سر تعظیم فرود آورده و تسلیم بی چون و چرای آنانند.

اما درباره مشربۀ ام ابراهیم به کتاب(تاریخ حرم ائمه بقیع)، نوشته جناب آقای محمدصادق نجمی مراجعه کنید. ولی به صورت خیلی مختصر؛ این مکان مقدس، محل زندگی حضرت رسول اکرم(ص) و ماریه قبطیه(یکی از همسران باوفای رسول خدا(ص)) بوده است که این زوج وفادار تقریباً پنج سال در آن مکان زندگی کرده اند و حضرت ابراهیم(ع) فرزند رسول خدا(ص) در همین مکان از ماریه متولد گشته و در شانزده ماهگی در همین

ص: ۹۲

مکان از دنیا رفته است. به همین خاطر در روایات از مشربۀ ام‌ابراهیم به مسکن و مُصلّای رسول خدا(ص) تعبیر شده است و دقیقاً به همین خاطر در روایات اهل بیت، تأکید فراوانی بر حضور در این مکان و بجا آوردن نماز در این مکان نورانی شده‌ایم. و تا زمان‌های نه چندان دور و قبل از تخریب‌های صورت گرفته توسط آل‌سعود، کلیه مسلمانان اعم از شیعه و سنی به این مکان مبارک می‌آمده و به یاد حضور حضرت ختمی مرتبت در اینجا در بنایی که مسجد بوده و در وسط مشربه قرار داشته، به نماز و دعا مشغول می‌شدند.

در این که مشربه ام‌ابراهیم چه تاریخچه‌ای دارد و

ص: ۹۳

چرا حضرت پیامبر(ص) با وجود محبت و علاقه شدید به این همسرشان، او را در مشربه مسکن داده‌اند، مطالب بسیار شیرین و شنیدنی و نکات مهم و ارزنده تاریخی وجود دارد که ان‌شاءالله به کتاب ذکر شده مراجعه خواهید نمود. در ضمن اگر به آیات اوایل سوره تحریم مراجعه کنید و معنی و تفسیرش را بخوانید، از نکات آموزنده و عبرت‌انگیز آن بهره‌مند خواهید شد. اما آنچه در بین مردم شهرت یافته که مشربه ام‌ابراهیم محل دفن نجمه خاتون مادر علی بن موسی‌الرضا: است، ظاهراً مستند تاریخی ندارد و بر فرض صحت، مناسبت‌های دیگر مشربه، اهمیت بسیار بالاتری داشته که هرگز آنها نباید مورد غفلت قرار بگیرند. به غیر از روزی که ما را به زیارت دوره می‌برند، جای دیگری خواهیم رفت یا نه؟

آری؛ در اطراف حرم رسول خدا و مسجدالنبی(ص) در یکی دو فرصت مقتضی، به زیارت محدوده مرقد حضرت عبدالله پدر پیامبر خدا(ص) رفته و از آنجا به سوی جنوب غربی حرم در منطقه مناخه برای بازدید از مسجد غمامه - محل نماز عید فطر و قربان مسلمانان در زمان پیامبر (۱) و مسجد علی بن ابی طالب (۲) خواهیم

۱- اقامه نماز باران در این مکان و استجاب دعا پیامبر(ص) سبب نامگذاری این مسجد به مسجد غمامه(مسجد ابر) شده است.

۲- برای آگاهی بیشتر درباره این مکان‌ها، به کتاب آثار اسلامی مکه و مدینه نوشته رسول جعفریان مراجعه نمایید.

ص: ۹۴

رفت. در قسمت شرق مدینه از مسجد مباحله (۱) مکان ماجرای عظیم مباحله بین پیامبر و مسیحیان نجران) دیدار خواهیم داشت و در قسمت شمال حرم هم به مسجد اباذر خواهیم رفت.

۱- برای کسب اطلاع از جریان مباحله به کتاب اسرار مباحله تألیف محمد رضا انصاری رجوع کنید.

ص: ۹۵

سفارشات ضروری**اشاره**

در مدینه به غیر از انجام امور عبادی مثل نماز و دعا و زیارت، انجام چه اعمالی را توصیه می‌نمایید؟
پیشنهاد چند راهکار سودمند:

الف: شرکت در جلسات آموزشی کاروان. روحانیون و مدیران محترم کاروان‌ها انتقال دهنده تجربیات چند ده ساله ارزشمندی به شما هستند و مطمئناً مطالب و نکات فراوانی را در سخنان آنان خواهید شنید که احتمالاً در کتاب و جزوه‌ای نیامده باشد.
بارها دیده شده افرادی که از حال و هوای مسجد و حرم و اعمال عمره مفرده، بیگانه‌اند و مرتکب اشتباهات فاحشی می‌شوند؛ دقیقاً همان‌هایی هستند که خود را به هر دلیل بی‌نیاز از حضور در جمع زائرین و جلسات کاروان می‌دیده‌اند.

ص: ۹۶

ب: مطالعه کتاب‌هایی که به همین منظور آماده شده است.

همچنین می‌توانید از روحانی کاروان کتاب‌هایی به امانت گرفته و یا با مراجعه به قفسه کتابی که در هتل، توسط مدیر ایرانی هتل تدارک دیده شده است، کتابی به صورت امانت جهت مطالعه تهیه نمایید.

معمولاً زائران محترمی که بعد از اتمام اعمال خود قصد بازگشت به وطن دارند، کتاب‌هایی را که به همراه خود آورده‌اند، برای استفاده سایر زائرین در هتل محل اقامت خویش به جا می‌گذارند.

ص: ۹۷

در کنار مسجد النبّی هم کتابخانه‌ای وجود دارد که بعضی از اطلس‌ها و نقشه‌ها و عکس‌های آن دیدنی است. لازم نیست حتماً زبان عربی بلد باشید. البته کتابخانه مخصوص آقایان است! و برای بانوان محترم وقتی اختصاص داده نشده است!

ج: گفتگو با روحانی کاروان.

بسیاری می‌گویند حج و عمره، سفر سیاحتی نیست ولی ناخودآگاه اوقات آنها به تماشای شهر مکه و مدینه و ساختمان‌ها و بازارها سپری می‌شود. برخی نیز سفر حج و عمره را فقط یک سفر زیارتی به معنای انجام اعمالی خاص و خواندن نماز و ادعیه و زیارت‌نامه می‌دانند و دائم به فکر خویش و اعمال خود هستند.

اما سفر حج و عمره در واقع، یک سفر آموزشی است، آموزش بندگی و عبودیت، آموزش عبور از خود و میت، سفری که مراحل و منازل متعدد و به هم پیوسته دارد و در هر منزل، نکات کلیدی برای دستیابی به زندگی واقعی را به انسان می‌آموزد.

اگر باطن اعمال حج و عمره، مورد نظر نباشد، عملکردهای ظاهری چه توجیهی خواهند داشت؟ دو تکه پارچه به خود بستن، به گرد سنگ‌ها گشتن، به بیابان رفتن و شب و روزی چند در آنجا ماندن، به ستونی سنگ زدن و سر تراشیدن ... واقعاً هر کدام از

ص: ۹۸

قسمت‌های مناسب که حقیقتی را در زندگی آینده ایجاد می‌کند؟ و چگونه می‌توان به آن حقایق رسید؟
حج و عمره، درس زندگی آینده است و درس آموزی، نیازمند به راهنماست. نکات و کلیدهای بسیاری وجود دارد که به طور معمول قابل دستیابی نیست. مطالعات و بررسی‌ها و درس آموزی در سالیان متوالی لازم دارد تا بتوان نکته‌ای را درست فهمید و درست انتقال داد.

حقایق و دقایق حج تمام شدنی نیست، باطنی پشت ظاهر و باطنی در پشت باطن، همیشه زنده است

ص: ۹۹

و فهم جدید ایجاد می‌کند.

اگر با راهنمای حج همراه شویم و اهل سؤال و تحقیق باشیم می‌توانیم در این فرصت، سرمایه‌هایی به دست آوریم که ابدیتی استوار از آن پدید آید.

روحانی کاروان راهنمای شماس است البته روحانیون کاروان‌ها، افرادی متفاوت، با توانایی‌های مختلف و روحیات گوناگون هستند، درست همانند اساتید مراکز آموزشی که همگی صلاحیت‌های عمومی برای تدریس را حائز می‌باشند ولی هر کدام توان و شخصیت خاصی دارند. ولی مطمئناً در بین روحانیون کاروان‌ها افراد دانشمند و پر اطلاع، که بتواند عطش روحی و فکری شما را کاملاً ارضاء کنند، فراوان به چشم می‌خورد. شاید یکی از همان روحانیون مورد نظر، روحانی کاروان شما باشد.

پس با یک ارزیابی اولیه، طرح دوستی با او را بریزید و در این سفر دوهفته‌ای کمال استفاده را از او ببرید. اگر اهل سؤال و پیگیری باشیم می‌توانیم کلیدهای لازم برای زندگی آینده را چه از روحانی کاروانمان و چه از دیگر متخصصین و راهنمایان دارای صلاحیت، در طول سفر به دست آوریم و به جای سوغات دست و خاطرات چشم، سطح فکر برتر و افق دید گسترده‌تر و زندگی با معناتر را به ارمغان ببریم و

ص: ۱۰۰

زندگی دیگران را نیز متحوّل کنیم.

نکند خدای ناکرده مطالب سیاسی یا مشکلات اقتصادی یا سایر مسائل بعضاً خیالی، بهانه‌ای باشد که منجر به دوری و دل‌سردی شما از راهنمایان کاروان و صاحبان علم و دانش شود و این فرصت مبارک و استثنایی را از دست بدهید، فرصتی که معلوم نیست تا آخر عمر، مجدداً نصیبمان خواهد شد یا نه!

ص: ۱۰۱

زیارت وداع

در پایان سفر، باید وداع از مدینه و مسجدالنبی و بقیع داشته باشیم، یا در مکه مکرمه، آخرین طواف مستحبی خویش را طواف وداع قرار دهیم، مگر ما نمی‌خواهیم به حول و قوه خدا، دوباره توفیق تشرّف به حج و عمره داشته باشیم! اگر جواب مثبت است پس فلسفه وداع چیست؟

عده‌ای از زائران و عمره‌گزاران عزیز از زیارت و طواف وداع شانه خالی می‌کنند و دلیلشان هم این است که، ما آرزو داریم چندین بار به این سفر شیرین معنوی مشرّف شویم. لطفاً در این باره توضیح دهید؟

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند (نشانه قبولی حج و عمره، ترک عادات زشت و روی آوردن به آداب زیاست). اگر کسی بی هیچ تغییری و بدون تصمیم بر اصلاح درونی به وطن برگردد و قبل و بعد سفرش مساوی باشد، باید فکری به حال خود کند. زیارت و طواف وداع، وداع از بدی‌ها و زشتی‌هاست، وداع از کینه و کدورت‌ها، حسرت و حسدها، دروغ و

ص: ۱۰۲

دورویی‌هاست. و در یک کلام، وداع از غیر خدا و وصل به خداست نه وداع از خدا و رسول خدا و خانه خدا. پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: قسم به آنکه جانم در دست اوست در آخر الزمان، اقشار ثروتمند، حج را برای تفریح، اقشار متوسط، حج را برای تجارت و سود، و اقشار کم درآمد، حج را برای چشم و هم چشمی و ریا انجام می‌دهند! وداع ما در حقیقت دور شدن از این تیّات پست و پلید بوده و رنگ خدایی گرفتن از زیارت و حج و عمره است و تنها در این صورت است که این سفر معنوی اثرات مادام‌العمر بر جسم و جان ما خواهد گذاشت و

ص: ۱۰۳

دائماً حلاوت و شیرینی آن، هستی و حیات ما را نوازش خواهد داد.

لطفاً درباره مسجد شجره و میقات و احرام در آن مسجد بگویید.

انشاء الله در بعد از ظهر آخرین روز توقف مان در مدینه آماده حرکت به سوی مسجد شجره می شویم.

نام دیگر این مسجد، ذوالخلیفه است که در راه خروجی مدینه به سمت مکه در فاصله کوتاهی از مدینه قرار دارد. این مسجد،

میقات کسانی است که از مدینه عازم مکه برای انجام عمره می شوند.

رسول خدا(ص) سه مرتبه از این مسجد مُحَرَّم شده‌اند:

۱- در جریان سفر سال ششم هجری که منتهی به امضای معاهده حدیبیه شد.

۲- در سال هفتم هجری که «عمره القضا» انجام دادند.

۳- در سال دهم هجری که حَجَّةُ الْوَدَاع یعنی آخرین حج خویش را بجای آوردند.

ائمه اطهار و صدیقه کبری: به غیر از امام حسن عسکری(ع) همگی از این مکان مقدّس، مُحَرَّم شده‌اند.

به هر حال معمول این است که زنان در آخرین

ص: ۱۰۴

ساعات اقامت در هتلِ مدینه غسل احرام انجام می‌دهند و لباس سفید احرامی‌شان را می‌پوشند و مردان در حمام‌های مسجد شجره غسل احرام به جای می‌آورند. در محوطه مسجد؛ ابتدا مدیر و روحانی کاروان زائران را از نظر جغرافیای مسجد و درب‌های ورود و خروج آن و توضیح بعضی از احکام ضروری، توجیه لازم نموده، سپس زنان از قسمت شمالی مسجد، داخل مسجد شده، (۱) تا بعد از خواندن یک نماز دو رکعتی یا سه تا نماز دو رکعتی به نیت

۱- مگر خانم‌هایی که عادت ماهانه هستند که آن‌ها از بیرون مسجد و پیش از میقات، با نذر، محرم می‌شوند.

ص: ۱۰۵

نماز احرام، نیت احرام نموده و تلبیه را (لیبک اللهم لیبک ...) بگویند. بانوان طلبه ایرانی برای راهنمایی خانم‌ها در قسمت بانوان حضور دارند، لذا جای هیچ‌گونه نگرانی از عدم حضور روحانی کاروان با آنها نیست.

آقایان هم پس از انجام غسل احرام و پوشیدن دو حوله احرامی به داخل مسجد آمده و کم کم آماده بستن احرام می‌شوند.

آیا غسل احرام واجب است؟

خیر. غسل احرام مستحب است.

تا چه موقع اعتبار دارد؟

تا وقتی که نیت احرام نموده و لیبک‌ها را بگویید. از آن به بعد، دیگر داشتن غسل احرام لازم نیست.

یعنی از مسجد شجره که به طرف مکه مکرمه برای انجام اعمال عمره حرکت می‌نماییم، در طی راه اگر بخوایم یا دستشویی برویم،

اشکالی ندارد و احرام ما به هم نمی‌خورد!؟

خیر، این غسل تا موقع احرام بستن خاصیت دارد و دیگر هیچ. اما از لحظه حرکت از مسجد شجره تا شهر مکه (حدود چهار پنج

ساعت راه)، داشتن غسل و وضو لازم نیست و خوابیدن هم برای احرام

ص: ۱۰۶

شما ضرری ندارد. البته هنگام احرام مثل سایر اوقات و ساعات، با وضو بودن مستحب است.

آیا به غیر از غسل احرام، غسل‌های مستحبی دیگری هم هست که انجام دهیم؟

بلی در هنگام انجام غسل می‌توانید نیت غسل داخل شدن به حرم مکه، شهر مکه، مسجدالحرام، زیارت خانه خدا، توبه، حاجت و ...

نموده و سپس یک غسل به نیت همه انجام دهید. آنگاه دو حوله احرامی را بپوشید.

این غسل‌ها تا کی اعتبار دارد؟

ص: ۱۰۷

غسل‌های مستحبی در صورتی که در روز انجام شوند تا آخر شب آینده و اگر در شب انجام شوند تا آخر روز آینده اعتبار دارند به شرطی که کارهایی که موجب بطلان وضو می‌شود از انسان سر نزنند. با ورود به مکه، اعتبار غسل ورود به حرم مکه و شهر مکه تمام می‌شود اما در مورد سایر غسل‌ها مثل غسل ورود به مسجدالحرام و یا غسل زیارت خانه خدا می‌توانید مجدداً در هتل، غسل دیگری بنمایید. در مسجد شجره، بعد از غسل احرام چه می‌کنیم؟ داخل مسجد می‌شویم و با راهنمایی روحانی کاروان نیت احرام نموده و «تلبیه» را می‌گوییم.

تلبیه چیست؟

گفتن این جمله «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

از چه زمانی محرمات احرام بر ما حرام می‌شود؟

دقیقاً از زمانی که لبیک‌ها را به نیت احرام گفتید، تمام محرماتی که در کتاب مناسک حج و عمره آمده بر شما ممنوع خواهد بود.

ص: ۱۰۸

منظور همان بیست و چهار چیز است؟

بلی، اما باید بدانید از بین محرمات احرام هجده مورد، مشترک بین زن و مرد، چهار مورد، به آقایان و دو مورد هم به بانوان اختصاص دارد، که ان شاء الله در فرصتی دیگر درباره آنها و سایر مسائل و اعمالی که در مکه مکرمه و در حال احرام و نیز درباره مکان‌ها و سایر برنامه‌های سفر، (در فصل دوم این کتاب) توضیحات لازم ارائه خواهد شد.

یک نکته بسیار مهم درباره محرمات احرام اینک: در صورت ارتکاب هر کدام از آنها (به غیر از شکار) از روی خطا، فراموشی و ندانستن مسأله،

ص: ۱۰۹

کفاره‌ای برعهده شما نیست و به اعمال شما ضربه‌ای نمی‌زند. پس با خیال راحت متوجه خدا باشید و از این مهمانی لذت بخش الهی کمال استفاده را ببرید.

چه زمانی به سوی مکه حرکت می‌کنیم؟

انشاء الله بعد از نماز مغرب و عشاء از مسجد شجره به طرف مکه رهسپار خواهیم شد.

چرا فوراً بعد از محرم شدن حرکت نمی‌کنیم؟

یکی از محرمات احرام برای آقایان، استظلال یعنی زیر سایه و سقف رفتن در حال احرام، در حال طی کردن مسیر، به هنگام روز است. اما در شب‌های عادی به فتوای اکثر مراجع، زیر سقف قرار گرفتن در حال حرکت، اشکالی ندارد.

منظور از شب‌های عادی چیست؟

یعنی در شب‌های بارانی، سرد و طوفانی و مانند آن نباشد. که اگر این طور باشد به فتوای بعضی از مراجع کفاره لازم است.

چه چیزی باید به عنوان کفاره داد؟

یک گوسفند

آیا این گوسفند شرایط خاصی دارد؟

خیر هر گوسفندی می‌شود. چاق یا لاغر، سالم یا معیوب، نر یا ماده

ص: ۱۱۰

در کجا باید قربانی کرد؟

هر کجا جایز است. در مکه یا ایران.

تا چه زمان فرصت برای این کار هست؟

در اولین زمان ممکن. مثلاً اگر بعد از بازگشت به وطن، جلوی شما گوسفند قربانی می‌کنند، می‌توانید یکی از آنها را به نیت کفاره استظلال (زیر سایه رفتن) ذبح نمود. و باید همه آن، حتی پوست و کله و پاچه‌اش را بین فقرا تقسیم کرد.

در خلوت یار

به عنوان حُسن ختام اگر نکته و نصیحتی باقیمانده بفرمایید، تا به مدد الهی آن را به کار

ص: ۱۱۱

بندیدم و خود را بیشتر آماده بهره‌وری از خوان کرم مهربانی پروردگار عالم بنماییم. انشاء الله، بعد از چهار پنج ساعت، به شهر مکه، شهر خاطرات و حماسه‌ها، شهر معنویت و روحانیت، محل زندگی رسول خدا و اجداد طاهرینش، خدیجه کبری، هاجر و اسماعیل: و شهری که ندای یکتاپرستی از آنجا به اقصی نقاط عالم گسترش یافته است، می‌رسیم.

در بین راه، در خلوت شبانه و در سکوت حاکم بر اتوبوس، کمی به فلسفه این سفر معنوی بیندیشیم. اهمیت دادن به شناخت آفت‌ها و خطرها، شرط عقل است مخصوصاً در فعالیت‌هایی که آثار طولانی و درازمدت بر جای می‌گذارد. شاید این سفر، فقط یکبار در عمر نصیب شود، در حالی که اثرات آن با ابدیت انسان گره خورده است، پس دقتی دوچندان می‌طلبد.

تمام آفت‌ها و خطرها به دو سر منشأ اصلی باز می‌گردند: خود محوری و ظاهر گروی.

خودمحوری در ارتباط با همسفران، خودمحوری در انجام اعمال و مناسک، خودمحوری در تصمیم‌ها و انتخاب‌ها، سرچشمه ایجاد اکثر مشکلات فکری، روحی و رفتاری می‌شود. آفتی که مانند آتش به خرمن روح انسان می‌افتد و تمام هست و نیست و دنیا و آخرت او

ص: ۱۱۲

را می‌سوزاند! دو انتخاب بیشتر نداریم یا خدا یا خود! یا فکر و روح و رفتارمان را پر از خدا و رضایت خدا کنیم یا پر از دلخواه و پسند خود!

نقطه حساس کجاست؟

قبل از تصمیم بر انجام کاری، لحظه‌ای فکر کنیم که آیا این انتخاب و تصمیم را خداوند می‌پسندد یا نه؟ اگر چنین کنیم ندای (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا) را با تمام وجود خواهیم شنید.

چقدر در روح و راحتند کسانی که رنگ و بوی خدا بر زندگی آنها سایه افکنده و نه برای چشم و هم چشمی، لجاج و بازی و پُز دادن و غیر آن، بلکه فقط و فقط برای جلب رضای الهی و خشنودی پروردگار عالم

ص: ۱۱۳

تصمیم می‌گیرند، قدم برمی‌دارند، به خرید می‌روند، خانه کسی می‌روند، به سفر می‌روند، درس می‌خوانند، کار می‌کنند و حتی می‌خورند و می‌خوابند!

اما ظاهر گروی، سرچشمه‌ای دیگر برای بسیاری از مشکلات و حسرت‌هاست: عادت به پُر کردن چشم از دیدنی‌های جالب مادی، صرف کردن دائم وقت در بازارها به بهانه مستحب بودن سوغات، نمازها و طواف‌های مستحب به قیمت آزار و اذیت دیگران و هم‌سفران، به دنبال خاطرات توریستی و اطلاعات تاریخی بودن، البته نه برای عبرت، بلکه برای گزارش به دیگران.

و چقدر زندگی زیبا و لذت‌بخش است برای کسانی که پرده‌های عالم مادی و لو اندک، از جلوی چشم دلشان کنار رفته و

گوشه‌ای از حقایق عالم را مشاهده می‌کنند و دست قدرت خدای حکیم را و رای عوالم و عوامل ظاهری می‌بینند!

به هر حال حقایق بسیاری در انتظار است، تا وقت باقی است دست به کار باید شد و نفس سرکش را باید مهار کرد.

سفر حج و عمره و هم‌سفر شدن با میهمانان خداوند، فرصتی بسیار عالی برای تمرین خدامحوری و

ص: ۱۱۴

دور شدن از خودمحوری است، زمینه‌ای مناسب برای تقویت دید عقلی و قلبی و نفوذ به حقایق و عبور از دیدهای ظاهری است. و نیز به ذکر و زمزمه مشغول بودن:

امشب شدم به خون جگر میزبان اشک راز و نیاز با تو کنم با زبان اشک
هان پشت سر نهاده بیابان معصیت رو کرده‌ام به کوی تو با کاروان اشک
یا رب مرا به بحر کرم ساز غوطه‌ور آنسان که دیده غوطه زند در میان اشک

ص: ۱۱۵

به درگه تو آمدم، ز درگهت مکن ردم اگر که خوب اگر بدم، که واجب العطا تویی
به بی نوا تویی نوا، به درد ما تویی دوا به سینه‌ها تویی صفا، به دیده‌ها ضیا تویی
بی تاب و در تبم ببین، فریاد یا ربم ببین لئیک بر لبم ببین، مجیب هر دعا تویی
از رحمت تابنده‌ات، بده جواب بنده‌ات این بنده شرمنده‌ات، که غافر الخطا تویی
احرام کویت بسته‌ام، با این دل شکسته‌ام به درگهت نشسته‌ام، امید جان ما تویی
به مروه و صفا روم، با ذکر رتبا روم از درگهت کجا روم، روم به هر کجا تویی
خدای مهربان من، شدی تو میزبان من توان من امان من، به جان من صفا تویی
چو دریای لطف تو عالم بگیرد امیدی که موجش مرا هم بگیرد
کریمی چنان تو کجا می‌گذارد که در ما شرار جهنم بگیرد
چو بینم به خویش از گناهی که دارم به پهنای هستی مرا غم بگیرد

ص: ۱۱۶

ولی چون بیاد آورم رحمت را فروغی ز شادی به جانم بگیرد
ز آمرزش ما غمین است شیطان چنان کن که خصم تو ماتم بگیرد
الهی رحمت را شاملم کن سراپا عیب و نقصم کاملم کن
کمال آدمیت حق شناسیست به جمع حق شناسان واصلم کن
به راه خدمت خلقم به پا دار برای طاعت خود مقبلم کن
هزاران مشکلم در کار باشد

ص: ۱۱۷

زلطف خویش حل مشکلم کن منم غافل خدایا آگهم ساز
 منم جاهل خدایا عاقلم کن نخستین منزل کوی تو تقواست
 الهی سالک این منزلم کن بین طوفان قلب آتشینم
 نگاهی باز بر آب و گلم کن به جز مهر خود و وابستگی
 برون هر مهر دیگر از دلم کن نیم من لایق دیدار مهدی
 پی درک حضورش قابلم کن که من هم رو به درگاه تو دارم
 خدایا رحمتت را شاملم کن من گرچه گنه کار و بدم یا الله
 از درگاه خود مکن ردم یا الله گفتم که من و این همه عصیان چه کنم
 گفتمی که بیا من آمدم یا الله

هم چنین با گریه و گداز و ناله و نیاز با خدای مهربان و بنده نواز نجوا نمودن:

خدایا! هنوز هم باور نمی‌کنم، لطفت شامل حال من شده باشد. مگر نمی‌گویند، تشرّف به این سفر دعوت است! پس خدایا! تو مرا دعوت نموده‌ای! تو مرا

ص: ۱۱۸

برگزیده‌ای، تو مرا بر سر سفره رحمت بی کرانت میهمان نموده‌ای! هر چه فکر می‌کنم خودم را لایق این همه لطف و کرم نمی‌بینم. خدایا! بارالها! خودت کمکم کن، توفیقم ده، دستم را بگیر، اگر تو دعوتم نموده‌ای پس خودت هم معرفت استفاده بده. تو راهنمایی‌ام کن که چه کنم و چگونه باشم.

خدایا! شاید این آخرین فرصت من باشد، پس با یاد تو و به یاری تو وارد حرم اُمنت می‌شوم و با سلام و صلوات بر محمد و آل محمد و با درود بر ابراهیم و آل ابراهیم، مناسک عمره‌ام را شروع می‌نمایم. خدایا! من بنده و زائر خانه‌ات می‌باشم، من میهمان کرم توام و تو میزبان کریم و خوب منی. پس از تو می‌خواهم که

ص: ۱۱۹

همانطور که بر یگانگی تو و رسالت حضرت محمد(ص) شهادت داده و می‌دهم، اولین هدیه‌ات که در این سفر به من مرحمت می‌نمایی، آزادیم از آتش جهنم باشد. آمین یا رب العالمین. (۱)

۱- اقتباس از دعای ورود به مسجد الحرام. مناسک حج، آداب دخول مسجد الحرام، ص ۲۲۳.

ص: ۱۲۰

فصل دوم مکه

یادآوری

(إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ) (۱) ای زائر عزیز و ای مسافر دیار دوست، خدای مهربان به شما توفیق عزیمت به این سفر معنوی و انسان‌ساز عنایت نموده تا با تزکیه دل و سیر إلى الله مسیر سعادت و ابدیت را ببینید. شما امروز در این سفر در بوته امتحان قرار دارید،

۱- آل عمران، ۹۶.

ص: ۱۲۱

چون نمونه و الگویی از ملت ایران و مملکت شیعه هستید و باید بدانید که چشمان کنجکاو صدها هزار زائر که از اطراف جهان حول مرکز وحی گرد آمده‌اند، با دقت، حرکات و اعمال شما را تحت نظر دارند.

دوستان شما که زائران بیت‌الله هستند، با کمال اشتیاق می‌خواهند ببینند این تحوّل عظیمی که در ملت ایران، در ابعاد مختلف، به‌ویژه در بُعد اخلاقی و معنوی تحقق پیدا کرده است، چگونه است و تا چه مقدار است.

و مخالفان شما که برای وقایع‌نگاری و خبرچینی و نفاق‌افکنی خود را به آن مکان مقدّس رسانده‌اند، در صدد پیدا کردن نقاط ضعف شما هستند تا از کاهی کوهی بسازند، و در رسانه‌های گروهی و مطبوعات و مجالس سخنرانی هیاهو به راه اندازند؛ و نه تنها جمهوری اسلامی، که اسلام را محکوم کنند.

شما زائران محترم با آنچه گفته شد، بر سر دو راهی هستید:

«راه سعادت»، که حفظ آبروی جمهوری اسلامی و اسلام عزیز و ملت بزرگوار و رزمندگان عظیم‌الشأن و شهدای پیوسته به لقاءالله است؛ و پیمودن این راه با مراعات موازین اسلامی و اخلاقی و مواظبت از اعمال و افعال و گفتار خود در همه مواقع و در تمام مشاعر حج امکان پذیر می‌باشد. و نیز مراعات آداب اسلامی و اخلاقی

ص: ۱۲۲

با همه بندگان خدا و «راه شقاوت» و مردود بودن از ساحت قدس الهی، با عدم مراعات آنچه ذکر شد و آنچه با حیثیت جمهوری اسلامی منافات دارد. (۱) فصل دوم که مرتبط با اعمال و آداب و مناسک زائران و حاجیان بیت‌الله‌الحرام در مکه مکرمه است، تقدیم به همه دوست‌داران خانه خدا می‌گردد.

این قسمت نیز همانند قسمت اول دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

- قلمی ساده و روان دارد.

- قالبی جدید و جذاب دارد.

۱- برگرفته از مجله میقات، ج ۲۲، ص ۵.

ص: ۱۲۳

- کاربردی نگاشته شده است.
- میان‌رشته‌ای است «فقهی، اعتقادی، تاریخی و اخلاقی».
- گزینشی از مطالب حج آورده شده است؛ به این معنی که از مباحث ضروری و مورد ابتلا، سخن به میان آمده است.

ص: ۱۲۴

حرکت به سوی مکه

الحمد لله رب العالمین. سلام و صلوات بر حضرت محمد مصطفی و خاندان پاکش؛ شکر خداوند مهربان را که توفیق بندگی و اطاعتش را عنایت فرمود و این سفر سراسر شور و شمع و وجد و سرور را به ما روزی فرمود.

از دست و زبان که بر آید

کز عهده شکرش به در آید

بنده همان به که ز تقصیر خویش

عذر به درگاه خدای آورد

ور نه سزاوار خداوندی اش

کس نتواند که به جای آورد

بعد از مُحرم شدن و خواندن نماز مغرب و عشا، به طرف مکه حرکت نمودیم. اتوبوس با سرعت هر چه تمام‌تر در جاده‌ای که به

طریق‌الهِجْرَة معروف است در حال حرکت است؛ یعنی در همان راهی که حضرت

ص: ۱۲۵

محمد امین (ص) در سال سیزدهم بعثت در هجرت از شهر مکه به سوی مدینه پیمودند. خوشبختانه من به همراه روحانی محترم کاروان در ردیف جلو و کنار پنجره نشسته‌ام. آسمان زیبای حجاز و ستارگان قشنگ آن تماشایی است. گویا آسمان در این نقطه از کره خاکی به زمین نزدیکتر شده است! ناخودآگاه انسان به هزار و چهارصد سال پیش برمی‌گردد و سختی‌ها و سرزنش‌هایی که پیامبر اعظم (ص) در راه تبلیغ و ترویج اسلام تحمل نمودند، جان‌فشانی‌های مولی‌الموحدین حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) در جنگ‌های بدر و احد و خندق و خیبر،

ص: ۱۲۶

شب‌زنده‌داری‌هایش و بر دوش کشیدن کیسه‌های آذوقه در ظلمت شب برای مستمندان، و خیلی از خاطرات تلخ و شیرین و زشت و زیبای صدر اسلام در ذهن انسان تداعی می‌شود. به راستی ائمه عزیز ما و اصحاب باوفایشان چقدر تلاش و تکاپو نموده و آزارها و دشمنی‌ها را به جسم و جان خریدند، تا اسلام عزیز به آیندگان برسد. حقیقتاً اگر نبود آن همه ایثار و جان‌فشانی ائمه بزرگوار و علما و مجاهدان و شیعیان و ایثارگران و رزمندگان و شهدا، هرگز دین خالص و اسلام ناب به ما نمی‌رسید و ما هم اکنون غرق در بت‌پرستی و خرافه‌پرستی و یا مانند کشورهای به اصطلاح متمدن غربی، در منجلا‌ب بی‌دینی و مادی‌گرایی و شهوت‌رانی و درنده‌خویی غوطه‌ور بودیم!

بنابراین هنگام تشرّف به مسجدالحرام و رؤیت جمال بیت‌الله‌الحرام، قبل از هر کاری لازم است سجده شکر به‌جا آوریم و از نعمت عظیم اسلام و قرآن و توحید و خداپرستی و انقلاب اسلامی که شامل حال ما شده است قدردانی نماییم. با انجام غسل احرام و توبه و با پوشیدن لباس سفید و زیبای احرام به زیارت خانه خدا روانه می‌شویم و لبیک گویان به دیار عشق و عرفان می‌شتابیم و طواف خانه‌اش را به‌جا می‌آوریم. باید صدها هزار مرتبه، به

ص: ۱۲۷

این همه نعمت و برکت در زندگیمان پیشانی شکر بر زمین بساییم.

با توجه به این نکات، برای انجام اعمال عمره مفرده، دو راه داریم، یا به محض رسیدن به هتل و بعد از تحویل اتاق‌ها و مکث چند دقیقه‌ای، همان شبانه راهی مسجدالحرام شویم، و یا این که پس از ساعاتی استراحت و رفع خستگی و ادای نماز صبح و صرف صبحانه در هتل، تازه نفس و قیام به سوی مسجدالحرام حرکت نماییم.

ص: ۱۲۸

زمان انجام اعمال عمره

شکر خدا روحانی کاروان، آمادگی کامل برای پاسخ‌گویی دارد، لذا گفتگوی خویش را با وی آغاز می‌کنیم:

لطفاً بفرمایید با توجه به این که نگاه به آینه، یکی از محرمات احرام است، آیا نگاه به شیشه‌های اتوبوس که تصویر انسان در آن معلوم است، اشکال دارد؟

خیر. نگاه به شیشه، آب زلال و یا هر شیئی صاف و صیقلی دیگر که کم و بیش عکس انسان در آن پیداست، در صورتی که قصد زینت و اصلاح سر و صورت نداشته باشید، اشکالی ندارد. (۱) به چند نکته مهم توجه فرمایید:

بعضی از محرمات احرام اصلاً کفاره ندارند؛ مثل نگاه کردن در آینه، بیرون آوردن خون از بدن، پوشیدن زیورآلات، سرمه کشیدن و ...

۱- مناسک حج طبق فتاوی‌ای امام خمینی با حواشی مراجع معظم تقلید، نشر مشعر، تابستان ۸۶، مسأله ۳۸۸، ص ۲۰۱.

ص: ۱۲۹

یک مورد از محرمات، مختص به بانوان محترم است: پوشانیدن صورت.

چهار مورد هم مخصوص آقایان است: پوشیدن جامه دوخته - پوشیدن پاپوش (مثل کفش و جوراب) - پوشانیدن سر - رفتن زیر سایه.

اگر مجبور باشیم از کرم و پماد استفاده نماییم، چه کار باید بکنیم؟

استفاده از هرگونه پماد و کرمی که بی بو باشد یا بوی خوش نداشته باشد، به فتوای اکثر مراجع، در حال ضرورت بدون اشکال است، اما اگر بوی خوش داشته

ص: ۱۳۰

باشد، استفاده از آن اگر از روی ناچاری باشد- مثلاً پوست بدن یا دست و صورت خشکی زده باشد- اشکالی ندارد ولی کفاره دارد. بنابراین مواظب باشیم که از استعمال پمادهایی که بوی خوش دارند، اجتناب نماییم.

کفاره آن چیست؟

اکثر مراجع، کفاره آن را یک گوسفند می‌دانند. (۱) کسانی که برای حج تمتع، مشرف می‌شوند، اعمالشان دو قسمت دارد؛ الف: عمره تمتع. ب: حج تمتع. لطفاً بفرمایید چه فرقی بین عمره تمتع با عمره مفرده وجود دارد؟

عمره مفرده با عمره تمتع سه تفاوت دارد که عبارتند از:

۱. در عمره مفرده بعد از تقصیر و به منظور حلیت تمتعات جنسی باید طواف نساء و نماز آن به‌جا آورده شود اما در عمره تمتع این کار لازم نیست.

۲. در عمره مفرده عمره گزار مرد، مخیر بین حلق (تراشیدن سر) و تقصیر (کوتاه کردن اندکی از موی سر یا محاسن) است اما در عمره تمتع، عمره گزار باید تقصیر کند و حلق برای او حرام است.

۳. محل احرام عمره مفرده در بعضی موارد، علاوه بر

۴.

۱- مناسک حج مطابق با فتاوی‌ای امام خمینی با حواشی مراجع معظم تقلید، نشر مشعر، تابستان ۸۶، مسأله ۳۸۱، ص ۲۰۹.

ص: ۱۳۱

مواقیت پنج گانه، ادنی الحِل هم می تواند باشد اما در عمره تمتع حتماً باید از یکی از مواقیت پنج گانه مُحرم شود.

میقات و ادنی الحِل یعنی چه؟

محلّ احرام بستن برای عمره تمتع و عمره مفرده را میقات می نامند و به خاطر اختلاف راه های زائرین بیت الله الحرام به طرف مکه، پنج

میقات داریم:

مسجد شجره یا ذوالحُلَیفَه؛ میقات کسانی که از مدینه عازم مکه می باشند.

ص: ۱۳۲

وادی عقیق. میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

قَرْنِ الْمَنَازِل. میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می‌روند.

يَلْمَلَم. میقات اهل یمن و کسانی است که از آن مسیر به مکه می‌روند.

جُحْفَه. میقات کسانی است که از راه سوریه به مکه می‌روند و اکنون بسیاری از زائرانی که می‌خواهند مستقیماً از جدّه به مکه بروند، به جحفه رفته و از آنجا محرم می‌شوند. در ایام حجّ کاروان‌های مدینه بعد، همین کار را انجام می‌دهند. در حال حاضر، زائران ایرانی در ایام حجّ و غیر ایام حجّ، (ایام برگزاری عمره مفرده) از مسجد شجره یا جُحْفَه مُحَرَّم می‌شوند.

اما ادنی‌الحل؛ یعنی نزدیک‌ترین منطقه خارج حرم، که اگر شخصی در مکه باشد و بخواهد عمره مفرده به‌جا آورد، لازم است به خارج حرم، مثلاً تنعیم رفته و از آنجا محرم شود.

منظور شما زائرانی‌اند که قصد انجام عمره مفرده مجدد دارند؟

بله.

ص: ۱۳۳

طواف مستحبّ یا عمره مجدّد

لطفاً کمی درباره عمره مجدّد صحبت کنید. این عمره چگونه به‌جا آورده می‌شود؟ به چه نیتی و از طرف چه کسی صحیح است؟ رعایت فاصله بین این عمره با عمره قبل لازم است یا نه؟ انجام عمره مجدّد با وجود شرایطی به فتوای اکثر مراجع جایز می‌باشد، ولی بر انجام آن تأکید نشده است. روایات فراوانی داریم که تأکید دارند، در ایام درنگ

ص: ۱۳۴

در مکه تا می‌توانید طواف مستحبی انجام دهید. در روایت آمده که به عدد روزهای سال یعنی ۳۶۰ بار طواف (هفت دور با دو رکعت نماز) به‌جا آورید، اگر نتوانستید، ۵۲ بار و اگر آن‌هم در توان شما نبود هرچقدر می‌توانید طواف کنید. (۱)

اگر دوست دارید برای پدر و مادر، فرزندان، گذشتگان، دوستان، همسایگان، اقوام، سفارش‌کنندگان، ائمه اطهار: به ویژه امام حسن عسکری و فرزند شریفشان امام زمان (عج) و یا هر کس دیگر، مرده یا زنده، یک یا چند نفر، کار خیری انجام داده باشید و ثوابی به آنان هدیه نمایید، همین انجام طواف است که می‌توانید از طرف آنها انجام دهید.

در روایتی از پیامبر خدا (ص) نقل شده:

(اشْتَكِرُوا مِنَ الطَّوَّافِ فَإِنَّهُ أَقَلُّ شَيْءٍ يُوجَدُ فِي صَحَائِفِكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (۲)

تا می‌توانید طواف به‌جا آورید زیرا کمترین چیزی که در نامه‌های اعمال شما در روز قیامت یافت می‌شود، طواف است

۱- امام صادق (ع) می‌فرماید: يستحب أن تطوف ثلاثاً و ستين اسبوعاً على عدد أيام السنة فإن لم تستطع فثلاثاً و ستين شوطاً فإن لم تستطع فما قدرت عليه من الطواف. شيخ حرّ عاملی: وسائل الشیعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چهارم، ۱۳۹۱ ق، ج ۹، ابواب الطواف، باب ۷، ح ۱، ص ۳۹۶.

۲- الأحسائی، محمد بن علی بن ابراهیم (ابن جمهور): عوالی اللئالی، ج ۳، ح ۵۹، ص ۱۶۵.

ص: ۱۳۵

و یا امام صادق(ع) فرمود: (إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَوْلَ الْكَعْبَةِ عِشْرِينَ وَمِائَةً رَحْمَةً مِنْهَا سِتُونَ لِلطَّائِفِينَ ... (۱)) خداوند مهربان صد و بیست رحمت خود را در اطراف کعبه قرار داده است که شصت رحمت آن اختصاص به طواف گزاران دارد. همچنین امام صادق(ع) به یکی از اصحاب خود می‌فرماید: (يَا أَبَانُ هَلْ تَدْرِي مَا ثَوَابُ مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ أُسْبُوعًا فَقُلْتُ لَا وَاللَّهِ مَا أَدْرِي قَالَ يُكْتَبُ لَهُ سِتُّةَ آلَافٍ حَسَنَةٍ وَيُمْحَى عَنْهُ سِتُّةَ آلَافٍ سَيِّئَةٍ وَيُرْفَعُ لَهُ سِتُّةَ آلَافٍ

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، أبواب الطواف، باب ۴، ح ۳، ص ۳۹۲.

ص: ۱۳۶

دَرَجَةٌ (۱)

ای ابان؛ آیا می‌دانی ثواب کسی که بر گرد این خانه هفت دور طواف کند چیست؟ ابان گفت: نه به خدا قسم، حضرت فرمود: برای او شش هزار حسنه نوشته شده، شش هزار گناه از او برداشته شده و شش هزار درجه بر درجاتش افزوده می‌گردد.

طواف‌های مستحبی را به چه نیتی انجام دهیم؟

به چند نکته در این زمینه توجه فرمایید:

در موارد زیر، طواف مستحبی به‌جا نیاورید:

قبل از تمام کردن اعمال عمره مفرده.

قبل از تمام کردن اعمال عمره تمتع.

قبل از عرفات، در حج تمتع.

قبل از تمام کردن اعمال واجب در مکه، بعد از بازگشت از منا، در حج تمتع.

بنابراین، چه در عمره و چه در حج، ابتدا، اعمال واجبتان را انجام دهید، آن‌گاه هر چقدر دوست دارید طواف مستحبی به‌جا آورید.

در اول شب، سه طواف؛ در آخر شب، سه طواف؛ پس از دخول صبح، دو طواف؛ و بعد از ظهر، دو طواف؛ مستحب است به‌جا آورده شود.

۱- شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، أبواب الطواف، باب ۴، ح ۱، ص ۳۹۲.

ص: ۱۳۷

هفت دور، گرد خانه خدا چرخیدن با دو رکعت نماز، یک طواف است نه یک دور و دو دور، ولی می‌شود یک طواف کامل را به نیت چندین نفر انجام داد. (۱) مستحبّ است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد. (۲) طواف از طرف معصومین: و خویشاوندان و دوستان و همسایگان، چه مرده و چه زنده، به شرط آنکه در مکه نباشند یا اگر در مکه هستید معذور باشند- مستحبّ است.

می‌توانیم طواف مستحبّ را به نیت چند نفر انجام دهیم یا در آخر ثواب آنرا به آن‌ها هدیه نماییم. شرایطی که در طواف واجب، رعایت آن لازم است، در طواف مستحبّی نیز معتبر است مگر در چند چیز:

الف: موالات در آن شرط نیست.

ب: وضو لازم ندارد.

ج: قطع آن حتّی بدون عذر جائز است.

د: شک در عدد دورهای آن، موجب بطلان طواف نمی‌شود بلکه بنا را بر اقل می‌گذاریم.

۱- مناسک حج، طبق فتاوی‌ای امام خمینی با حواشی مراجع معظم تقلید، نشر مشعر، تابستان ۸۶، مسأله ۷۷۶، ص ۳۵۴.

۲- همان، مسأله ۶۴، ص ۲۶۷.

ص: ۱۳۸

ه: نماز آن واجب نیست.

و: نماز آن، لازم نیست حتماً پشت مقام ابراهیم خوانده شود، بلکه خواندن آن در هر جای مسجدالحرام جائز است. (۱) بهتر است هنگام ازدحام جمعیت برای طواف واجب، به جای طواف مستحب، سایر عباداتی را که به آن‌ها سفارش شده‌ایم انجام دهیم. مثل قرائت قرآن مجید، نماز مستحب، دعا و نیایش، نگاه به کعبه، تفکر و خلوت با خدا پیامبر اکرم(ص) فرمودند: پیام مرا به اهل مکه برسانید که مطاف، مقام ابراهیم و صفوف اول را از دهه آخر ذی‌قعدة تا روز چهاردهم ماه ذی‌حجه برای حاجیان و کسانی که طواف واجب دارند خالی نگه دارند (۲)

هم‌چنین حضرت ولی عصر [بعد از ظهور مبارکش] اولین کاری که در راستای پیاده نمودن عدالت انجام خواهند داد، این است که منادی او ندا خواهد داد: کسانی که طواف مستحبی به جا می‌آورند، مطاف و حَجْر الْأَسْوَد را برای کسانی که طواف واجب انجام

۱- مناسک حج، مطابق فتوای حضرت امام خمینی با حواشی مراجع معظم تقلید، نشر مشعر، تابستان ۱۳۸۲، مسأله ۸۳۲، ص ۳۸۱.

۲- محمدی ری شهری، الحجّ و العمره فی الكتاب و السنّه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶، ح ۶۴، ص ۴۸.

ص: ۱۳۹

می دهند خالی نگه دارند. (۱)

روایات معصومین: به ترتیب اولویت، ما را به چه اعمالی در مکه و مسجدالحرام، سفارش نموده‌اند؟

طواف، نماز مستحبی، قرائت قرآن، ذکر و دعا و حتی نگاه به کعبه مورد سفارش آن بزرگواران است. توجه شما را به چند حدیث در این زمینه، جلب می‌نمایم:

امام صادق (ع) می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ عَشْرِينَ وَمِائَةَ رَحْمَةٍ سِتُّونَ لِلطَّائِفِينَ وَ أَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ وَ عَشْرُونَ لِلنَّاطِقِينَ)

۱- وسائل الشیخ، ج ۹، ابواب الطواف، باب ۱۷، ح ۲، ص ۴۱۲.

ص: ۱۴۰

خداوند تبارک و تعالی صد و بیست رحمت اطراف کعبه قرار داده است؛ شصت رحمت برای طواف گزاران، چهل رحمت برای نماز گزاران و بیست رحمت هم برای نظرکنندگان به کعبه. البته با کمی دقت شاید بشود گفت تمامی یک صد و بیست رحمت از آن طواف کننده است؛ زیرا او هم طواف می‌کند، هم نماز می‌خواند (چرا که در روایت داریم طواف یک نوع نماز است)، و هم به کعبه می‌نگرد. (۱) امام صادق (ع) می‌فرماید: (الطَّوْفُ لِلْمُجَاوِرِينَ أَفْضَلُ وَالصَّلَاةُ لِأَهْلِ مَكَّةَ وَالْقَاطِنِينَ بِهَا أَفْضَلُ مِنَ الطَّوْفِ) (۲) برای کسانی که مقیم مکه نیستند، طواف بهتر است اما برای آن‌هایی که در مکه سکونت دارند، نماز مستحب، با فضیلت‌تر است. درباره قرائت قرآن در فصل اول این کتاب تا حدودی توضیح داده شد.

ختم قرآن در مکه مکرمه، در روایات مورد سفارش واقع شده است، منتهی با این شرائط:
تدبر و تفکر در معانی و مفاهیم قرآن.

رعایت حال و حوصله.

اهمیت بیشتر به کیفیت تا کمیت، چه در قرائت

۱- مجله میقات، شماره ۷، ص ۳۰.

۲- الحج و العمره فی الکتاب و السنه، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶، ص ۴۹، ح ۶۷.

ص: ۱۴۱

قرآن و چه در سایر عبادات.

حضرت محمد مصطفی (ص) می‌فرمایند: «رکعتان خفیفتان فی تفکر خیر من قیام لیلۃ» دو رکعت نماز سبک همراه با تفکر، بهتر از عبادت یک شب است.

از خواندن نماز مستحبی غافل نشوید. نافله‌های شبانه، نماز حاجت، نماز برای والدین و مخصوصاً نماز حضرت جعفر بن ابی طالب (جعفر طیار)، به‌ویژه در روز جمعه.

اگر نماز قضا به عهده دارید، گاهی اوقات نماز قضا و گاهی اوقات نماز مستحبی بخوانید.

ص: ۱۴۲

اگر می‌دانید نماز قضا ندارید امّا ممکن است در گذشته‌های دور بعضی از نمازهایتان را به صورت ناقص به جا آورده باشید، می‌توانید احتیاطاً آن نمازها را قضا نمایید.

ص: ۱۴۳

نمازهای مستحب

اشاره

لطفاً درباره نماز حاجت و سایر نمازهای مستحبی توضیح دهید.
در منابع روایی، نمازهای مستحبی به صورت‌های مختلفی نقل شده است که بعضی از نمازهای مستحبی را توضیح می‌دهیم:

نماز برای وسعت رزق

امام محمد باقر(ع) می‌فرمایند: روزی مردی خدمت رسول خدا(ص) رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! من

ص: ۱۴۴

عیال‌وار و بدهکارم و روزگار سختی را می‌گذرانم، به من دعایی یاد بدهید که به واسطه خواندن آن، قرضم ادا و موجب گشایش در زندگی و راحتی زن و بچه‌ام شود.

حضرت فرمودند: ای بنده خدا! وضوی کاملی بگیر، آن‌گاه دو رکعت نماز با خضوع و خشوع به‌جا بیاور سپس بگو: **يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ شَيْءٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ وَ اَسْأَلُكَ نَفْحَةً مِنْ نَفْحَاتِكَ وَ فَتْحاً يَسِيراً وَ رِزْقاً وَاسِعاً اَلْمُ بِهِ شَعْنِي وَ اَقْضِيَ بِهِ دَيْنِي وَ اَسْتَعِينُ بِهِ عَلَيَّ عِيَالِي** (ای صاحب مجد و عظمت! ای یکتا! ای بخشنده! به وسیله محمد، پیامبر رحمت به‌سوی تو روی می‌آورم. ای محمد ای رسول خدا من به وسیله تو به‌سوی پروردگار تو و پروردگار همه چیز روی می‌آورم. بر محمد و اهل بیتش درود فرست و نسیمی از رحمت و گشایشی آسان و رزقی واسع، بر من فرو فرست تا بدان گرفتاری‌هایم را درمان، قرضم را ادا و اهل و عیالم را یاری رسانم). (۱)

نماز برآمدن حاجت

حضرت صادق(ع) فرمود: هنگامی که حاجتی داری،

۱- علامه طهرانی، انوار الملکوت، نور ملکوت نماز، ص ۱۲۸.

ص: ۱۴۵

دو رکعت نماز به جای آور و بر محمد و آل محمد درود فرست، آن گاه حاجت را از خداوند مسألت نما.

نماز شکر

هر نعمتی که به انسان می‌رسد، به ظاهر کوچک یا بزرگ، با اهمّیت یا بی‌اهمّیت، مادّی یا غیرمادّی، هر قسمی که باشد، مستحبّ است که دو رکعت نماز گذارد و بدین طریق مراتب قدردانی و سپاس خویش را از ذات اقدس ربوبی به جا آورد.

امام صادق(ع) می‌فرماید: هنگامی که خداوند به تو نعمتی عطا می‌نماید؛ دو رکعت نماز بگزار؛ بدین صورت که در رکعت اوّل بعد از حمد، قل هو الله احد بخوان و در رکوع و سجود آن بگو: الحمد لله شكراً شكراً و

ص: ۱۴۶

حَمْدًا و در رکعت دوم بعد از حمد، قل یا ایها الکافرون بخوان و در رکوع و سجود آن بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَجَابَ دُعَائِي وَأَعْطَانِي مَسْئَلَتِي. (۱)

نماز سفر

نماز سفر به این صورت است که دو رکعت نماز می‌خوانی و بعد از سلام نماز می‌گویی: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَدْعُكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَدِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأُمَّيَاتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي) خدایا! خودم، خانواده‌ام، اموالم، و دین و دنیا و آخرتم را، و امانتم را و سرانجام امورم را، به تو می‌سپارم.

حضرت محمد مصطفی (ص) فرمودند: هیچ بنده‌ای این نماز را، جانشین خود بر خانواده‌اش قرار نداد مگر این که خداوند حافظ و مهربان، خواسته‌اش را در حفظ و حمایت وی و خانواده و متعلقاتش، برآورده نمود. (۲) اگر در ابتدای مسافرتان این نماز را نخوانده‌اید، هم‌اینک هم بخوانید برای حفظ و حراست از خود و خانواده‌تان در بقیه سفر، مفید خواهد بود ان شاء الله.

نماز پدر و مادر

دو رکعت است؛ در رکعت اول بعد از حمد، ده

۱- علامه طهرانی، انوار الملکوت، نور ملکوت نماز، ص ۱۲۹.

۲- علامه طهرانی، انوار الملکوت، نور ملکوت نماز، ص ۱۳۰.

ص: ۱۴۷

مرتبہ می گویی: رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وِ لِوَالِدَيَّ وِ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ وِ در رکعت دوّم بعد از حمد، ده مرتبہ می گویی: رَبِّ اغْفِرْ لِي وِ لِوَالِدَيَّ وِ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وِ لِلْمُؤْمِنِينَ وِ الْمُؤْمِنَاتِ وِ چون سلام دادی ده مرتبہ بگو: رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا. (۱)

در ضمن هر عمل و عبادتی انجام می دهید، می توانید پدر و مادرتان را هم در ثواب آن شریک نموده و حتی همه ثواب آن را هدیه به آنان نمایید که البتّه

۱- مستدرک الوسائل، ج ۶، ح ۶۹۶۵/۶.

ص: ۱۴۸

خداوند به پاس این همه قدرشناسی از والدین، اجر و پاداش شما را چندین برابر خواهد داد. در طواف آیا لازم است دعای مخصوصی خوانده شود، اگر هیچ دعایی هنگام طواف نخوانیم، اشکال دارد؟
اولاً، خواندن دعا هنگام طواف مستحب است.

ثانیاً، اگر خواستیم مشغول خواندن دعا شویم هر دعایی بخوانیم خوب است؛ عربی یا فارسی یا به هر زبان دیگر «هر چند به زبان عربی بهتر است»، مهم ارتباط دل با صاحب‌خانه است که در این نوع ارتباط، هیچ زبان و کلامی شرط نیست! حتی اگر تا آخر طواف، صلوات بر محمد و آل محمد: بفرستید، ثواب زیادی برده‌اید.

امام صادق(ع) در جواب ابن نعیم که گفت: مشغول طواف شدم و آن را به پایان رساندم در حالی که به غیر از صلوات بر محمد و آل محمد چیزی بر زبانم جاری نشد، فرمودند: (به هیچ سؤال کننده‌ای برتر و بالاتر از آنچه که به تو عطا شده است، عطا نشده است.) (۱) اولیای خدا که به سرچشمه معارف الهی راه یافته‌اند، چون نیازهای انسان را می‌دانند، به همگان می‌آموزند که چه چیزهایی را از خدا بخواهند. بنابراین،

۱- شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، باب استحباب الصلاة علی محمد و آله فی اثناء الطواف و السعی، ابواب الطواف، ح ۱، ص ۴۱۷.

ص: ۱۴۹

با خواندن دعاهای مأثوره و وارده از طرف معصومین::

الف: با معارف بلند دینی آشنا می شویم.

ب: زبان گفت و گو با خدا را فرا می گیریم.

ج: به خودشناسی و خودیابی نایل می شویم و در نتیجه دردها و درمان آنها را از خداوند مهربان طلب می کنیم.

آری از آن جا که کعبه موازی «بیت المعمور» است و بیت المعمور در برابر عرش الهی است، سزاوار است کعبه را به گونه‌ای شایسته

طواف نمود.

بنابراین با تهیه دعاهای طواف و سعی، در ارتقای کیفیت طواف و سعی مان و در نهایت استفاده بهتر و

ص: ۱۵۰

بیشتر از سفره کرم و رحمت خداوند بخشنده و بخشاینده بکوشیم.

سعی و کوشش کنید چند چیز را دقیقاً به خاطر بسپارید و دیگران را نیز به آنها تشویق نمایید:

دعاهای طواف را با صدای آهسته و با سوز و گداز بخوانید.

روحانی کاروان دعاها را طوری می‌خواند تا شما بشنوید اما لازم نیست شما صدایتان را بلند کنید و با داد و فریاد جملات دعا را تکرار نمایید و احیاناً ایجاد مزاحمت برای سایرین نمایید! خواندن دعا مستحب است اما مزاحمت و ناراحتی برای دیگران حرام است!

خانم‌های محترم توجه نمایند که در خواندن دعاها طوری صدای خود را بلند نکنند که نامحرمان بشنوند. خواندن دعا مستحب است، اما بلندخواندن دعا نه تنها استجابی ندارد بلکه از باب مزاحمت برای دیگران و حضور نامحرم، اشکال دارد! خدای شنونده در عین این که در قرآن مجید می‌فرماید: (وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا) (۱) «و خدای خود را با بیم و امید بخوانید»، می‌فرماید: (ادْعُوا رَبَّكُمْ

ص: ۱۵۱

تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۱) «پروردگار خود را از روی تضرّع و پنهانی بخوانید که او متجاوزان را دوست نمی‌دارد» و نیز می‌فرماید: (وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ) (۲) پروردگارت را در دل خود، از روی تضرّع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن و از غافلان مباش». رعایت احکام محرم و نامحرم در مسجدالحرام و

۱- همان، آیه ۵۵.

۲- همان، آیه ۲۰۵.

ص: ۱۵۲

هنگام طواف، لازم است. هم‌چنین به هنگام رسیدن به موازات حَجْرِ الْأَسْوَدِ مستحب است استلام حَجْرِ کُنْد و اگر استلام ممکن نشد اشاره کردن کافی است، یعنی دست را به طرف حَجْرِ الْأَسْوَد گرفت و تکبیر گفتن و به سر و صورت کشیدن. بانوان محترم باید مواظب باشند که آستین لباس شان کنار نرود و موجب برهنه شدن و نمایان شدن دست و زیورآلات و مشاهده آن توسط نامحرم نگردد.

معجزه‌ای از امام حسین (ع)

بی‌مناسبت نیست داستان آموزنده و جالبی را در این زمینه که امام صادق (ع) حکایت کرده‌اند بازگو نماییم، و آن این‌که، زنی در مسجدالحرام در حال طواف بود که ناگاه پوشش دستش کنار رفت. در آن حال، مرد نامحرمی که از پشت سر او در حال حرکت بود، پرده‌داری نمود و دستش را بر روی دست آن زن طواف کننده قرار داد. ناگهان به اعجاز الهی دستش به ساعد آن زن چسبید و باعث رسوایی و آبروریزی گردید. به همین سبب طواف آن‌ها ناتمام ماند و آن‌ها به سوی حاکم برده شدند. عده زیادی برای کسب اطلاع بیشتر از این جریان عجیب در مقابل دارالحکومه گرد آمده و با کنجکاوی تمام در انتظار صدور مجازاتی که دامن گیر آن مرد

ص: ۱۵۳

خطا کار خواهد شد، لحظه شماری می کردند.

حاکم مگه، فقها و دانشمندان حاضر در مگه را برای تعیین و صدور حکم مسأله فراخواند. نفس‌ها در سینه حبس شده بود! کسی نمی دانست عاقبت چه خواهد شد.

فقها همگی، حکم به قطع دست آن مرد خائن دادند. زیرا عقیده آنان این بود که، در حرم امن الهی، جایی که باید از هر حیث امتیّت کامل برقرار باشد و احدی دست تعدّی به مال، جان و ناموس دیگران دراز ننماید، مرتکب چنین عمل ناپسند و شرم‌آوری شده است!

ص: ۱۵۴

حاکم مکه کمی در فکر فرو رفت و آن گاه گفت: ظاهراً در این ایام یکی از اهل بیت محمد(ص) در مکه به سر می‌برد!
در پاسخ گفتند: آری اتفاقاً حسین بن علی(ع) شب گذشته وارد مکه شده است.

امیر مکه فوراً کسی را به منظور دعوت از حضرت امام حسین(ع) نزد ایشان فرستاد.

بعد از حضور امام(ع) در آن مجلس، حاکم مکه عرض کرد: ببینید چه بر سر این دو مفلوک آمده! نظرتان در این باره چیست و با آن‌ها چه باید کرد؟

ابا عبدالله الحسین(ع) در حالی که همگان بی‌صبرانه منتظر سرانجام کار بودند و چشمان نگران و ملتمس آن زن و مرد هم به نگاه‌های رئوفانه حضرت دوخته شده بود، روی به جانب قبله نموده، دستان مبارکش را به سوی آسمان بلند کردند و به دعا مشغول شدند. سپس به طرف آن دو رفته و با دستان مسیحایی خویش دست آن مرد را از دست آن زن جدا نمودند.

امیر مکه که متعجبانه نظاره گر ماجرا بود از امام(ع) پرسید: آیا لازم نیست آن مرد را به خاطر گستاخی و گناهِش در حرم امن الهی مجازات نماییم؟!

حضرت حسین بن علی(ع) - به خاطر اظهار ندامت و توبه آن مرد خطاکار - فرمودند: نه، لازم نیست او را

ص: ۱۵۵

مجازات نماید. (۱) داستانی دیگر

عمر به حج رفته بود، مردی به نزد او آمد که به چشم او سیلی خورده بود. عمر گفت: چه کسی به تو سیلی زده است؟ گفت: علی بن ابی طالب، عمر گفت: لَقَدْ وَقَعْتَ عَلَيْكَ عَيْنُ اللَّهِ! «هر آینه چشم خدا بر تو افتاده است» و دیگر از او نپرسید که چه واقعه‌ای پیش آمده که علی (ع) او را سیلی زده است! تا این که علی (ع) از راه رسید در حالی که آن مرد نزد عمر بود. علی (ع) فرمود:

۱- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشّیعه، ج ۹، ابواب مقدمات الطواف، باب ۱۴، ح ۶، ص ۳۳۸.

ص: ۱۵۶

این مرد در حال طواف بود؛ من مشاهده کردم که در حال طواف مشغول چشم‌چرانی است و به زن‌ها نگاه می‌کند. عمر به‌علی (ع) عرض کرد: تو با نور خدا نگاه میکنی! (۱)

۱- أبو جعفر احمد محبّ الدّین طبری، الرّیاض النّضرة فی مناقب العشرة، ج ۳، ص ۲۱.

ص: ۱۵۷

کعبه

اشاره

لطفاً از تاریخ پیدایش کعبه، از ارکان و اجزاء و از اعمال و آداب آن خانه با عظمت و پرخاطره بگویید تا استفاده کنیم.
خدای مهربان در کتابش می‌فرماید: (در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای عبادت مردم، قرار داده شد، همان است که در سرزمین
مکه است که پر برکت و

ص: ۱۵۸

مایه هدایت جهانیان است.) (۱) هر کس که به دیدار کعبه می‌آید، به یاد بنده خوب خدا- ابراهیم- می‌افتد. پیش از آمدن ابراهیم این جا خانه‌ای نبود، مگه سرزمینی خشک و بی حاصل در میان کوه‌ها بود. هیچکس در این اطراف زندگی نمی‌کرد. خداوند حکیم به ابراهیم فرمان داد تا همسر و فرزند شیرخواره‌اش را برای زندگی به مکه بیاورد. آن‌ها راهی طولانی را پشت سر گذاشتند اما وقتی به مکه رسیدند نه کسی را دیدند و نه جایی را برای سکونت یافتند. با این حال ابراهیم می‌دانست که فرمان خدا بیهوده نیست، پس عزیزانش را در مکه گذاشت و به شام بازگشت. در موقع بازگشت دست به دعا برداشت و عرض کرد: (پروردگارا! من یکی از فرزندانم را در دره‌ای غیر قابل کشاورزی، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. پروردگارا! تا نماز را به پا دارند، پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات مورد نیازشان روزی ده، باشد که سپاس‌گزار کنند.) (۲) مدتی پس از بازگشت ابراهیم آب و آذوقه همسر و فرزندش به پایان رسید و گرسنگی و تشنگی و گرمای هوا، فرزند شیرخواره او- اسماعیل- را بی تاب نمود. مادرش- هاجر- هر چه به اطراف نگاه کرد، نتوانست برای کودکش آبی پیدا کند. به ناچار او را تنها گذاشت و به سوی کوهستان به راه افتاد. هاجر به خاطر شدت گرما، سراب را آب می‌دید، به طرف آن می‌رفت اما آبی نمی‌یافت فاصله دو کوه صفا و مروه را بارها طی کرد اما بی‌فایده بود، حتی قطره‌ای آب در کار نبود! سرانجام، وقتی که خسته و ناامید نزد اسماعیل برگشت، با تعجب دید که در پایین پای فرزندش، چشمه آب گوارایی جوشیده است. پیدایش چشمه زمزم توجه برخی از صحرانشینان را به سوی خود جلب کرد. آن‌ها اطراف چشمه را برای

۱- آل عمران، ۹۶.

۲- ابراهیم، ۳۷.

ص: ۱۵۹

زندگی انتخاب کردند و در اطراف آن خانه ساختند. هاجر و اسماعیل نیز در کنار آن‌ها زندگی جدیدی را شروع نمودند. مدتی بعد، ابراهیم به مکه آمد تا با همسر و فرزندش دیدار کند. او از دیدن آن‌ها در کنار آب و آبادی خوشحال شد و از خداوند مهربان که امید و آرزویش را برآورده نموده است سپاسگزاری کرد. خداوند به پیامبرش ابراهیم فرمان داد تا سنگ بر سنگ بگذارد و دیوارهای کعبه را بالا ببرد. محلّ خانه خدا در کنار زمزم بود؛ همان جای خالی که مردم خانه‌هایشان را در اطرافش ساخته بودند. ابراهیم و فرزند نوجوانش اسماعیل دیوارهای خانه را بالا بردند، اما هنوز نمی‌دانستند که این خانه چیست و برای کیست! سرانجام وقت آن رسید که همه از این راز باخبر شوند. پس به ابراهیم (ع) وحی شد:

(و در میان مردم برای ادای حجّ بانگ برآور؛ تا زائران پیاده و سواره بر هر شتر لاغری - که از هر راه دوری می‌آیند - به سوی تو روی آورند، تا شاهد منافع خویش (در این برنامه حیات بخش) باشند.) (۱) ابراهیم به مردم یاد داد که هر ساله، در روزهای معین، همه باهم، در مکه گرد آیند و برای عبادت پروردگار، مراسمی را به جا آورند؛ مراسمی به نام «حج».)

۱- حج، آیات ۲۷ و ۲۸.

ص: ۱۶۰

پس عمر خانه کعبه و طواف بر گرد آن و انجام فریضه حج و عمره به زمان حضرت ابراهیم(ع) برمی گردد؟
خیر؛ به زمان حضرت آدم(ع) و حتی قبل از آمدن آدم بر روی زمین برمی گردد! (۱) باز در رابطه با کعبه بشنویم:
(... سال‌ها پس از آن، مردم ابراهیم و اسماعیل را از یاد بردند، اما کعبه هنوز در یاد همه زنده بود. هر سال، وقت حج، تعداد زیادی از مردم برای دیدار با

۱- دلالتی وجود دارد که کعبه معظمه، قبل از ابراهیم(ع) نیز موجود بوده است، از جمله:

ص: ۱۶۱

کعبه به مکه می آمدند، چند روزی به عبادت می پرداختند و دوباره به دیارشان باز می گشتند. هر چه می گذشت، آنچه پیامبران خدا به مردم آموخته بودند بیشتر فراموش می شد. مردم خدای یگانه را اندک اندک رها نموده و به پرستیدن بت‌ها روی آوردند. هر گروهی از آنان برای خود بتی از چوب و سنگ ساخته و به پرستش آن‌ها پرداختند. خانه‌ای که خدای مهربان، آن‌را برای عبادت خود بنا کرده بود پر از مجسمه‌ها و تصویرهایی شد که هیچ قدرتی نداشتند. آن‌ها آفریده مردم بودند، اما مردم آن‌ها را با آفریدگار خود اشتباه گرفته بودند. آن‌ها خدای ابراهیم

ص: ۱۶۲

و حج ابراهیمی را از یاد برده بودند.

به یاد دعای ابراهیم و اسماعیل که گفته بودند:

«پروردگارا، ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده؛ و از نسل ما، امتی فرمانبردار خود [پدید آر و آداب دینی ما را به ما نشان ده؛ و بر ما ببخشای، که تویی توبه‌پذیر مهربان. پروردگارا، در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند، زیرا که تو خود، شکست‌ناپذیر حکیمی.» (۱) خداوند چگونه می‌خواست فرزندان بت‌پرست آن دو پیامبر را فرمان بردار خود کند. سال‌ها بعد در کنار کعبه دستی احساس و لمس شد که با دیگر دست‌ها تفاوت داشت؛ دستی مهربان و صمیمی که انسان را به یاد دست ابراهیم می‌انداخت! آن دست، دست نازنین محمد بود.

خاطرات روزهای کودکی محمد هرگز از یاد رفتنی نیست. صدایش چنان زیبا بود که از میان صدای هزاران نفر، قابل شناسایی بود. شنیدن مناجات او لذت‌بخش بود. زمانی که به غار حرا می‌رفت، به عبادت خداوند مشغول بود، خدایی که بیشتر مردم

۱- بقره، آیات ۱۲۸ و ۱۲۹.

ص: ۱۶۳

مکه با او غریبه شده بودند.

به محمد، دل بسته و به آینده، امیدوار، که او نیز بتواند مانند پدرانش - ابراهیم و اسماعیل - به مردم حیات و زندگی ببخشد.

ولادت خورشید کعبه

روزی، دست زنی، دیوار کعبه را لمس کرد. دردی داشت و از پروردگار کعبه کمک می‌خواست. ناله می‌کرد: (پروردگارا! من به تو و آنچه فرستاده تو است، ایمان دارم و نیز به تمام پیامبران تو و کتاب‌هایشان، و سخن جدّ خود - ابراهیم خلیل - را، راست می‌دانم که او بالا برنده دیوارهای این خانه قدیمی توست. به حقّ این خانه و به حقّ آن که بنایش کرد و نیز به حقّ این

ص: ۱۶۴

فرزندی که در رَجَم دارم، از تو می‌خواهم که ولادتش را بر من آسان کنی.)

از نیایش او لحظه‌ای نگذشت که ناگهان از جانب پروردگار، به کعبه فرمان رسید که او را در میان بگیرد و در خود جای دهد. پس کعبه از لابه‌لای میان سنگ‌ها راهی برای عبور او باز کرد و در آغوشش گرفت. آن زن وارد کعبه شد و مهمان خانه خدا گردید.

کسانی که از نزدیک شاهد ماجرا بودند، فریاد زدند: دیوار کعبه شکاف برداشت و فاطمه را در خود فرو برد!

زنی که میزبان کعبه شده بود، عروس عبدالمطلب بود. او را تمام مردم مگه می‌شناختند. این بود که هر کس از هر جا که خبر را شنید به سوی کعبه دوید. برخی تلاش کردند تا از شکاف سنگ‌ها بگذرند و برای نجات او کاری کنند، اما دیگر شکافی باقی

نمانده بود. سنگ‌ها به‌جای خود باز گشته بودند و از کسی کاری ساخته نبود. حتی قفل در کعبه نیز از کار افتاده و باز نمی‌شد!

فاطمه تنها مانده بود و در انتظار حادثه‌ای بزرگ، لحظه‌شماری می‌کرد.

آنچه در انتظارش بود، سرانجام به وقوع پیوست

ص: ۱۶۵

و نیمه شب، نوری زیباتر از نور خورشید در فضا تابید و عطری خوشبوتر از بوی گل‌ها در فضا پیچید. بال فرشتگانی که در مکه به پرواز درآمده بودند بر کعبه سایه انداخت و لحظه‌ای بعد، فرزند فاطمه به دنیا آمد.

سه روز از ورود فاطمه گذشت. روز چهارم، ناگهان ندایی آسمانی به گوش رسید که به فاطمه می‌گفت: او را «علی» بنام که من، او را با قدرت و شکوه و جلال خویش آفریده‌ام و به آداب خود ادبش کرده‌ام و کار خود را به او واگذاشته‌ام او در خانه من به دنیا آمده

ص: ۱۶۶

است و نخستین کسی است که بت‌ها را خواهد شکست و آن‌ها را سرنگون خواهد کرد. او بعد از پیامبر گرامی و برگزیده من، جانشین او و پیشوا خواهد بود. پس خوشا به حال آن‌که وی را دوست بدارد و یاریش کند و وای بر آن‌که دشمنش بدارد و او را واگذارد!

روزهای تلخ با شیرینی امیدی که در دل‌ها تابیده بود سپری شد تا این‌که یک روز از سمت کوه صفا صدایی به گوش رسید. صدای مردی آشنا که فریاد می‌زد:

(خدا را به یگانگی بپذیرید تا رستگار شوید!)

از این به بعد، سرفصل نوینی آغاز شد و تحولات و حوادث بی‌شماری پیرامون کعبه به وقوع پیوست.

از نماز پیامبر و خدیجه و علی گرفته تا مناجات جانسوز امامان معصوم، از مظلومیت و درد و رنج حضرت محمد (ص) گرفته تا غربت و تنهایی امام حسین (ع)، روزی که از ترس شکسته شدن حرمت حرم، به جای حرکت به طرف عرفات به سوی کربلا عازم شد، از فتح مکه و بت‌شکنی علی (ع) و پیراسته شدن مسجد و خانه از پیکره‌های زشت سنگی و چوبی که سال‌ها وجودشان بر کعبه تحمیل شده بود تا سنگ باران و تخریب آن با دستان پلید یزید و حجاج ...

ص: ۱۶۷

و امّا هم‌اینک منتظر کسی باید بود که قیام کند و دوباره دین پیامبر و اسلام ناب محمدی را به مردم بشناساند. او به کعبه تکیه خواهد زد و فریاد خواهد نمود (ای جهانیان! منم بازمانده خدا!) او آخرین ذخیره خداوند است که پرده‌ها را از برابر حقیقت کنار خواهد زد و جهان را پر از قسط و عدل خواهد نمود.

در انتظار شنیدن ندا و دعوت اویند، همان کس که هر سال در ایّام حجّ به دیدار کعبه می‌آید.

کعبه و ارکان و اجزای آن

ص: ۱۶۸

مطالب خوبی از کعبه شنیدیم، حال از خصوصیات و شکل ظاهری کعبه برایمان بگویید؛ آیا از اولین روز پیدایش کعبه، این خانه مقدّس به همین اندازه بوده است؟

این خانه کهن در بازسازی‌های مکرّری که صورت پذیرفته دست‌خوش تغییر و تحوّل شده است. مثلاً در زمان حضرت ابراهیم و اسماعیل(ع)، ارتفاع آن حدود ۴ متر، طول دیوار شرقی ۲۴ متر، دیوار غربی ۲۳ متر، دیوار شمالی ۱۶ متر و دیوار جنوبی ۱۵ متر و بدون سقف بوده است.

پنج سال قبل از ظهور اسلام، سیل عظیمی از بالای مکه به سمت مسجدالحرام جاری شد و ساختمان کعبه را به‌طور کامل ویران کرد. در پی آن، قریش تصمیم به بازسازی کعبه گرفتند. در این بازسازی بود که دری که روبروی درِ فعلی، در کنار رکن یمانی قرار داشت را برداشته و ارتفاع کعبه به ۸/۶۴ متر رسید. سقفی نیز برای آن قرار داده شد که آب آن به وسیله ناودانی به حجر اسماعیل ریخته می‌شد.

در سال ۶۴ هجری، پس از درگیری بین عبدالله بن زبیر و سپاهیان شام، پرده کعبه آتش گرفت و پس از آن کعبه نیز ویران شد. ابن‌زبیر باقی مانده

ص: ۱۶۹

دیوار کعبه را از پایه و اساس برداشت و بار دیگر آن را بازسازی نمود. در این بازسازی -مانند آنچه پیش از بنای قریش بود- دو در برای کعبه گذاشت که هر دو در روی زمین قرار داشت، یک در برای ورود و یک در برای خروج. ابن‌زبیر قدری هم به ارتفاع کعبه افزود.

چند سال بعد، حجاج بن یوسف ثقفی بر شهر مکه تسلط یافت و کعبه را به همان صورت قبل از بعثت که دارای یک در بود درآورد.

بعدها بازسازی کعبه در حدّ ترمیم و تعمیر ادامه یافت. در سال ۱۰۴۰ هجری به‌خاطر سیل عظیمی که

ص: ۱۷۰

باعث تخریب کعبه شد، توسط سلطان مراد چهارم، بازسازی کاملی صورت گرفت، اما تغییراتی در بنای کعبه صورت پذیرفت. و سرانجام آخرین بازسازی در سال ۱۴۱۷ هجری توسط دولت سعودی انجام و مسئولیت آن را مؤسسۀ بن لادن عهده‌دار شد. (۱)

در حال حاضر ارتفاع کعبه حدود ۱۵ متر، طول دیواری که حجر اسماعیل مقابل آن است و دیوار موازی آن حدود ۱۰ متر، طول دو ضلع دیگر حدود ۱۱/۵ متر و گوشه‌های کعبه که به ارکان کعبه معروف است، تقریباً به سمت جهات اربعه؛ شمال، جنوب، شرق و غرب قرار دارد. حَجْرُ الْأَسْوَدِ در ارتفاع ۱/۵ متر از زمین قرار گرفته و در کعبه نیز حدود ۲ متری زمین قرار دارد. محلّ کعبه تقریباً در وسط مسجد الحرام، متمایل به ضلع جنوب شرقی مسجد قرار دارد.

ارکان کعبه به ترتیب، از حَجْرُ الْأَسْوَدِ از این قرار است؛ رکن حَجْرُ الْأَسْوَدِ، رکن عراقی، رکن شامی و رکن یمانی. در میان این چهار رکن، دو رکن حَجْر و یمانی از

۱- برای مطالعه جزئیات این بازسازی ر. ک به مجله میقات، ش ۳۶، مقاله آخرین توسعه و مرمت کعبه از عبیدالله محمّد امین کردی، ص ۱۲۸-۱۴۴.

ص: ۱۷۱

فضیلت بیشتری برخوردار بوده چنان که روایات زیادی از شیعه و سنی درباره فضیلت و اهمیت این دو رکن نقل شده است:

۱. امام باقر(ع) می‌فرماید: (إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَا يَسْتَلِمُ إِلَّا الرُّكْنَ الْأَسْوَدَ وَالْيَمَانِيَّ ثُمَّ يَقْبَلُهُمَا وَيَضَعُ خَدَّهُ عَلَيْهِمَا وَرَأَيْتُ أَبِي يَفْعَلُهُ) (۱)

رسول خدا(ص)، جز دو رکن اسود و یمانی را نمی‌بوسید و صورت خود را بر آنها می‌گذاشت.

۲. ابومریم نقل می‌کند که من همراه امام باقر(ع) طواف می‌کردم. حضرت، در هر دوری از دورهای

۳

۱- کافی، جلد ۴، ص ۴۰۸، ح ۸..

ص: ۱۷۲

طوافش، به رکن یمانی که می‌رسید، آن را می‌بوسید و می‌فرمود: (اللَّهُمَّ تُبَّ عَلَيَّ حَتَّىٰ أَتُوبَ وَاعْصِمْنِي حَتَّىٰ لَا أَعُودَ) (۱)

خدایا! بر من روی آور، تا توبه کنم، و مرا حفظ کن تا به طرف معصیت برنگردم.

۴. امام صادق (ع) فرمود: (الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ بَابُنَا الَّذِي نَدْخُلُ مِنْهُ الْجَنَّةَ) (۲)

رکن یمانی در متعلق به ماست که ما از آن در، وارد بهشت می‌شویم.

۵. و آن حضرت (ع) فرمود: (الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ عَلَىٰ بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ مَفْتُوحٌ لِشَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ، مَسْدُودٌ عَنْ غَيْرِهِمْ) (۳)

رکن یمانی بر دری از درهای بهشت است که تنها بر روی پیروان اهل بیت نبوت و امامت گشوده است.

۶. به رسول خدا (ص) عرض شد که ما شما را می‌بینیم که رکن یمانی را زیاد استلام می‌نمایید! حضرت فرمودند: (من هیچ‌گاه کنار

رکن یمانی نیامدم مگر این که جبرئیل نزد آن ایستاده بود و برای کسی که استلامش می‌نمود طلب مغفرت می‌کرد. (۴)

۱- همان، ص ۴۰۹، ح ۱۴.

۲- من لا يحضره الفقيه، جلد ۲، ص ۲۰۸، ح ۲۱۰۸.

۳- شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، أبواب الطواف، باب ۲۳، ح ۶، ص ۴۲۲.

۴- محمدی ری شهری، الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۱۱۲، ح ۲۲۶.

ص: ۱۷۳

۸. امام صادق(ع) فرمود: خداوند عزوجل، فرشته‌ای را موکل بر رکن یمانی نموده است که دعاهای شما را آمین بگوید. (۱) ۹. پیامبر اعظم(ص): حَجْرُ الْأَسْوَدِ دَسْتُ خَدَا بَرِ رُوی زَمینِ اسْت، کِه بَه‌وَسیلَه آن با بِنَدگانش دَسْت می‌دَهَد. (۲) از حَجْرِ الْأَسْوَدِ کَمی صَحبت کَنید و تَوَضیح دَهید کِه از کجا آمَدَه و چرا رَنگش سیاه اسْت؟! حَجْرِ الْأَسْوَدِ یا سَنگ سیاه، در رکن

۱- همان، ح ۲۳۶.

۲- شیخ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۹، ابواب الطواف، باب ۲۲، ح ۸

ص: ۱۷۴

حجرالاسود کعبه در ارتفاع ۱/۵ متری قرار گرفته است. این سنگ مقدّس، پیش از اسلام و پس از آن، همواره مورد توجه کامل بوده و در حقیقت در شمار عناصر اصلی کعبه بوده است. به مرور زمان و در اثر تحولات و تغییرات، از حجم نخستین آن کاسته شده و حتّی به چند قسمت تقسیم گردیده است که آخرین بار قسمت‌های مختلف آن را به یک‌دیگر متصل نموده و آن را در محفظه‌ای نقره‌ای قرار دادند و در حال حاضر تنها به آن اندازه که برای بوسیدن و استلام لازم است جای گذاشته‌اند.

بر اساس برخی روایات، حجرالأسود، فرشته‌ای از فرشتگان اعظم الهی بوده، از بهشت آمده و در آغاز رنگ آن سفید بوده و به تدریج بر اثر استلام گنهکاران، سیاه شده و به حالت کنونی در آمده است و اگر نبود استلام آن توسط انسان‌های جاهل و گنهکار، هیچ مریض و بیماری آن را لمس نمی‌کرد مگر آن که شفا می‌یافت. (۱) حجرالأسود از آیات بینات الهی در کنار کعبه و دست راست خداوند در زمین است و استلام آن به منزله بیعت با خداست، همچون مسجد، که در قیامت

۱- شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، أبواب الطواف، باب ۱۳، ص ۴۰۲.

ص: ۱۷۵

به سود عده‌ای شهادت می‌دهد.

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) در ردّ سخن کسی که هنگام استلام حَجْر می‌گفت: می‌دانم که تو سود و زیانی نداری اما

به سبب محبت رسول اکرم به تو، ما هم دوستت می‌داریم، فرمودند:

به خدا قسم، خدا او را در روز قیامت بر می‌انگیزاند در حالی که زبان و لب دارد و به نفع کسی که وفای به عهدش نموده است،

شهادت خواهد داد. (۱)

۱- همان، ح ۱۳، ص ۴۰۶.

ص: ۱۷۶

امام جعفر صادق(ع) می‌فرماید: حَجْرُ الْأَسْوَدِ، تکیه‌گاه حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه الشَّریف به هنگام بیعت مردم با او در آغاز قیام جهانی و عدالت گستر آن حضرت است.

داستان هشام و فرزُدق شاعر

داستان معروف فرزُدق شاعر و شعر جاودانه‌اش درباره حضرت سید السَّاجِدین به هنگام استلام حَجْرِ چطور اتَّفَاق افتاده است؟ در اوج قدرت عبدالملک مروان، فرزُد و ولیِّ عهدش هشام، در موسم حَجِّج به مکه آمد و مشغول طواف بود، خواست حَجْرُ الْأَسْوَدِ را لمس کند لیکن جمعیت انبوه طواف کنندگان، این اجازه را به او نداد، به ناچار منبری برای او گذاشتند، روی آن نشست و شامیان نیز گرد او نشستند، ناگهان مردی زیباروی و باوقار در حالی که ردایی بر تن داشت و آثار سجده بر پیشانی‌اش آشکار بود، از در مسجد الحرام وارد و به طواف مشغول شد و چون به حَجْرُ الْأَسْوَدِ رسید مردم برای او راه را باز نموده و وی به راحتی حَجْرُ الْأَسْوَدِ را استلام کرد.

مرد شامی با تعجب به هشام گفت: ای امیرمؤمنان! این شخص کیست؟
هشام برای آن که شامیان به آن حضرت گرایش پیدا نکنند گفت: او را نمی‌شناسم!

ص: ۱۷۷

فرزدق شاعر که حقوق‌بگیر دربار بود و آن‌جا حضور داشت، گفت: من او را می‌شناسم.

مرد شامی پرسید: ای ابافراس او کیست؟

این‌جا بود که فرزدق شاعر آن قصیده پرشور و حماسی‌اش را در حق حضرت زین‌العابدین علی‌بن‌الحسین (ع)، سرود. این قصیده

حدود چهل بیت است که قسمت اعظم آن از این قرار است:

۱. يَا سَائِلِي: أَيْنَ حَلِّ الْجُودِ وَالْكَرَمِ عِنْدِي بَيَانٌ إِذَا طَلَّابُهُ قَدِمُوا

۲. هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَاتَهُ وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِلُّ وَالْحَرَمُ

ص: ۱۷۸

۳. هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ هَذَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ
۴. هَذَا الَّذِي أَحْمَدُ الْمُخْتَارُ وَالِدُهُ صَلَّى عَلَيْهِ إِلَهِي مَا جَرَى الْقَلَمُ
۵. لَوْ يَعْلَمُ الرُّكْنُ مَنْ قَدْ جَاءَ يَلِثُهُ لَحَزَّ يَلِثُ مِنْهُ مَا وَطَى الْقَدَمُ
۶. هَذَا عَلِيُّ رَسُولُ اللَّهِ وَالِدُهُ أُمَسَّتْ بِنُورِ هُدَاهُ تَهْتَدِي الْأُمَّمُ
۷. هَذَا الَّذِي عَمَّهُ الطَّيَّارُ جَعْفَرٌ وَالْمَقْتُولُ حَمَزَةٌ لَيْثٌ حُبُّهُ قَسَمُ
۸. هَذَا ابْنُ سَيِّدَةِ السَّمَوَانِ فَاطِمَةَ وَابْنُ الْوَصِيِّ الَّذِي فِي سَيْفِهِ نَقَمُ
۹. إِذَا رَأَتْهُ قُرَيْشٌ قَالَ قَائِلُهَا إِلَى مَكَارِمِ هَذَا يَنْتَهِي الْكَرَمُ
۱۰. يَكَادُ يُمَسِّكُهُ عِزْفَانُ رَاحَتِهِ رُكْنُ الْحَطِيمِ إِذَا مَا جَاءَ يَسْتَلِمُ
۱۱. يَنْجَابُ نُورُ الدُّجَى عَنْ نُورِ غُرَّتِهِ كَالشَّمْسِ يَنْجَابُ عَنْ إِسْرَافِهَا الظُّلْمُ
۱۲. مَا قَالَ: لَا، قَطُّ إِلَّا فِي تَشْهَدِهِ لَوْلَا التَّشْهَدُ كَانَتْ لَأُوهُ نَعَمُ

ص: ۱۷۹

۱۳. مَنْ جَدُّهُ دَانَ فَضِلُّ الْأَنْبِيَاءِ لَهُ وَ فَضْلُ أُمَّتِهِ دَانَتْ لَهَا الْأُمَّمُ
۱۴. كَلَّمَا يَدِيهِ غِيَاثٌ عَمَّ نَفْعُهُمَا يُسْتَوَكْفَانِ وَلَا يَعْرُوهُمَا عَدَمُ
۱۵. سَهْلُ الْخَلِيقَةِ لَا تُخْشَى بَوَادِرُهُ يَزِينُهُ خَصْلَتَانِ: الْحِلْمُ وَالْكَرَمُ
۱۶. لَا يُخْلِفُ الْوَعْدَ مَيْمُونًا نَقِيَّتُهُ رَحْبُ الْفِنَاءِ أَرِيْبٌ حِينَ يُعْتَرَمُ
۱۷. مِنْ مَعْشَرٍ حُبُّهُمْ دِينٌ وَ بُغْضُهُمْ كُفْرٌ وَ قُرْبُهُمْ مَنَجِيٌّ وَ مُعْتَصَمٌ
۱۸. يُسْتَدْفَعُ الشُّوْءُ وَالْبَلْوَى بِحُبِّهِمْ وَ يُسْتَرَادُّ بِهِ الْإِحْسَانُ وَالنَّعْمُ

ص: ۱۸۰

۱۹. مُقَدَّمٌ بَعْدَ ذِكْرِ اللَّهِ ذِكْرُهُمْ فِي كُلِّ فَوْضٍ وَ مَخْتُومٌ بِهِ الْكَلِمُ
۲۰. إِنَّ عُدَّ أَهْلَ التُّقَى كَانُوا أَنْتَمْتَهُمْ أَوْ قِيلَ: مَنْ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ قِيلَ: هُمْ
۲۱. مَنْ يَعْرِفُ اللَّهَ يَعْرِفُ أَوْلِيَّهَ ذَا فَالِدَيْنِ مِنْ بَيْتِ هَذَا نَالَهُ الْأَمُّ
۲۲. بِيُوتُهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ يُسْتَضَاءُ بِهَا فِي النَّائِبَاتِ وَعِنْدَ الْحُكْمِ إِنْ حَكَمُوا
۲۳. فَجَدُّهُ مِنْ قُرَيْشٍ فِي أَرْوَمَتِهَا مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ بَعْدَهُ عَلَّمُ
۲۴. بَدْرٌ لَهُ شَاهِدٌ وَالشُّعْبُ مِنْ أَحَدٍ وَالْحَنْدَقَانِ وَيَوْمَ الْفَتْحِ قَدْ عَلِمُوا
۲۵. وَ خَيْرٌ وَ حَنِينٌ يَشْهَدَانِ لَهُ وَ فِي قُرَيْضَةَ يَوْمَ صَيْلَمَ قَتَمُ
۲۶. مَوَاطِنٌ قَدْ عَلَتْ فِي كُلِّ نَائِبَةٍ عَلَى الصَّحَابَةِ لَمْ أَكْتُمْ كَمَا كَتَمُوا

ترجمه قصیده فرزادق

۱- «ای پرسش گر کنجکاوی که می‌پرسی جود و کرم کجاست! نزد من پاسخ آن است، اگر جویندگان

ص: ۱۸۱

حقیقت، طالب آنند.

۲- او شخصیتی است که سرزمین بَطْحَاء (رَمْلِ زار اطراف مکه تا سرزمین منا) جای قدم‌های او را می‌شناسد، و خانه خدا و حِلَّ و حرم (خارج و داخل حرم مکه) همگی او را می‌شناسند.

۳- این است فرزند بهترین بندگان خدا، این است مرد تقی و نقی و طاهر و رادمرد.

۴- این است آن کس که احمد برگزیده، پدر اوست. آن کس که خدای من، تا قلم بر لوح آفرینش جاری است، بر او درود فرستد.

ص: ۱۸۲

- ۵- اگر رکن حجرالاسود بدانند چه کسی برای بوسیدنش آمده است، متواضعانه بر زمین می افتند و جای پای وی را بوسه می زنند.
- ۶- این علی است، آن که رسول خدا پدر اوست که تمام مردم جهان به نور هدایت وی راه یافته اند.
- ۷- این است آن که جعفر طیار و حمزه سیدالشهداء آن شیر بیشه پیکار و دوست قسم خورده، عموی اوست.
- ۸- این است پسر بزرگ بانوی جهان، فاطمه! و علی؛ وصی رسول خدا که آتش غضب انتقام خداوندی از برق شمشیر او می درخشید.
- ۹- چون قبیله قریش به او بنگرد، گوید که مجد و کرم به مکارم اخلاق او منتهی می گردد.
- ۱۰- با شناختی که رکن حطیم از او دارد، به محض استلامش توسط او، می خواهد که وی را نزد خود نگه دارد.
- ۱۱- نور جبین او چونان خورشید عالم افروز، پرده های تاریکی و ظلمت را می شکافد.
- ۱۲- او هیچ گاه کلمه نه (لا-) بر زبان نیاورد مگر در تشهدش که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می گفت. و اگر هم أحياناً تشهدی در میان نبود «نه» او، آری بود.

ص: ۱۸۳

- ۱۳- اوشخصیتی است که جمیع پیغمبران در برابر برتری جدّش، و همه امت‌ها در برابر برتری امتش، پست و پایین به‌شمار آمدند.
- ۱۴- دستانش چو باران، پیوسته همگان را سیراب می‌کند و هیچ‌گاه دچار کمی و کاستی نمی‌شود.
- ۱۵- خُلق و خویش، ملایم است که مردم از غضبش هراس ندارند، و دو خصلتِ حلم و کرمش زینت بخش اخلاق نیکوی اوست.
- ۱۶- خُلف‌وعده نمی‌کند. طبیعتش سرشته با خیر و برکت است. درِ خانه‌اش پیوسته برای پذیرائی واردین

ص: ۱۸۴

- گشوده‌است. شخصیتی است عاقل که در برابر مشکلات فرارو، با درایت و دوراندیشی چاره‌سازی می‌نماید.
- ۱۷- او از گروهی می‌باشد که محبتِ بدان‌ها دین‌است و کینه به آن‌ها کفر، نزدیکی به آن‌ها مایه نجات و پناه از گزند و بلاها.
- ۱۸- نه تنها گرفتاری‌ها و فتنه‌ها به واسطه محبتشان دفع می‌شود بلکه همین محبت، زیادی نعمت‌ها را به دنبال دارد.
- ۱۹- نام‌ایشان بعد از نام‌خدا در هر نماز واجبی لازم است. در پایان هر سخنی، بردن نام‌ایشان ختم کلام است.
- ۲۰- وقتی اهل تقوی را بشمارند، آنان جلودارند، یا اگر گفته شود بهترین مردم کیانند! گفته شود: آنانند.
- ۲۱- هر کس خدا را بشناسد، اولیت او را حتماً می‌شناسد، چرا که دین خدا از خانه او به مردم دنیا رسیده است.
- ۲۲- در مشکلات و مشاجرات، تنها و تنها خانه‌های ایشان در قریش است که محلّ مراجعه مردم است.
- ۲۳- زیرا که ریشه اصلی او از قریش که اصالت از محمد گرفته است و پس از او علی بن ابی طالب

ص: ۱۸۵

سرشناس است.

۲۴- بدر و احد و خندق و فتح مکه، همگی گواه بر حقانیت اویند، و دوست و دشمن هم بر آن آگاهند.

۲۵- خیر و حنین و بنی قریظه نیز در کنار آن قلعه‌های عظیم و وحشت‌زا، و لحظات ترس و دلهره، همگی گواه اویند.

۲۶- این‌ها همه، صحنه‌هایی بودند که صحابه در چاره تدبیر وامانده بودند. این واقعیتی است که هر چند آنان آن‌را کتمان نمودند!

ولی من آن‌را کتمان نمی‌کنم.»

هشام‌از شنیدن این قصیده خشمگین شد، و جایزه

ص: ۱۸۶

فرزُدق را قطع نمود و گفت: أَلَا قُلْتَ فِينَا مِثْلَهَا؟! «تو چرا درباره ما مثل این قصیده، قصیده‌ای نسروده‌ای؟!»
فرزُدق گفت: هَاتِ جَدًّا كَجَدِّهِ، وَ أَبًا كَأَبِيهِ، وَ أُمَّ كَأُمِّهِ حَتَّى أَقُولَ فِیْكُمْ مِثْلَهَا!

«جدی مانند جد او بیاور، و پدری مانند پدرش، و مادری مانند مادرش، تا من درباره شما مثل آن را بسرایم!»

فرزُدق را در عُسَیْفَانَ میان مکه و مدینه محبوس نمودند. این خبر به حضرت امام علی بن الحسین (ع) رسید. حضرت برای وی دوازده هزار درهم فرستاد و گفت: أَعْدِرْنَا يَا أَبَا فِرَاسٍ، فَلَوْ كَانَ عِنْدَنَا أَكْثَرُ مِنْ هَذَا لَوَصَلْنَاكَ بِهِ!

«ای ابوفراس عذر ما را بپذیر! اگر در نزد ما بیشتر از این بود، حتماً آن را برای تو می فرستادیم!»

فرزُدق آن را رد کرد و گفت: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! مَا قُلْتُ الَّذِي قُلْتَ إِلَّا غَضَبًا لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ! وَ مَا كُنْتُ لَأَرْزَأَ عَلَيْهِ شَيْئًا!

«ای پسر رسول خدا! آنچه را که من سروده‌ام علتی نداشت مگر آنکه درباره خدا و رسول او خشمگین شدم، و من آن را به امید چشمداشت خیری و صلیه‌ای نسروده‌ام!»

ص: ۱۸۷

حضرت آنرا مجدداً برای وی فرستادند و پیام دادند: بِحَقِّي عَلَيْكَ لَمَّا قَبَلْتَهَا فَقَدْ رَأَى اللَّهُ مَكَانَكَ وَعَلِمَ نِيَّتَكَ!
 «به حق من بر تو، سوگندت می‌دهم که، آنرا بپذیر! خداوند از منزلت تو خبر دارد و از نیت تو مطلع می‌باشد.»
 فرزُدق آنرا قبول کرد و در زندان، شروع به هجو و خرده‌گیری از هشام نمود و از جمله هجوئیات او این ابیات می‌باشد:

۱. أَيَحْسُبُنِي بَيْنَ الْمَدِينَةِ وَالَّتِي إِلَيْهَا قُلُوبُ النَّاسِ يَهْوِي مُبِيهَا

ص: ۱۸۸

۲. يُقَلِّبُ رَأْسًا لَمْ يَكُنْ رَأْسَ سَيِّدٍ وَ عَيْنًا لَهُ حَوْلَاءَ بَادٍ عُيُوبُهَا

۱- آیا او مرا زندانی می‌کند مابین مدینه و مکه‌ای که به سوی آن دل‌های مردم به جهت انا به و رجوع به خدا میل می‌کند؟

۲- او سری تکان می‌دهد که سر بزرگ مرد و سالار نیست، و چشمان لوجی دارد که عیب‌هایش آشکارا و نمایان است.

چون خبر این ابیات هجویه را به هشام دادند، مجبور به آزادی او شد و بنا به نقلی او را به بصره تبعید نمود. (۱) فرزدق در بیت دهم، اشاره به یک حادثه تاریخی نموده است:

به خاطر جنگ حجاج با ابن زبیر، خانه کعبه تخریب گردید، در بازسازی آن، هنگامی که خواستند حَجْرَ الْأَسْوَدِ را نصب کنند، هر یک از علما، قضات، زهاد یا بزرگان دیگر برای نصب حجر اقدام می‌نمودند، حجر لرزیده و در جای خود استقرار نمی‌یافت، تا آن که حضرت سجاد(ع) آمده و نام خدا را بر زبان جاری نموده و آن را در جای خود گذاشتند، حَجْرَ الْأَسْوَدِ در جایش

۱- علامه طهرانی، امام شناسی، ج ۱۵، ص ۳۴۵، با تلخیص و اضافات.

ص: ۱۸۹

استقرار یافت و مردم تکبیر گفتند. و این گونه بود که فرزدق شاعر، این جریان را در قصیده خود گنجانده‌اند: یکاد یمسکه عرفان راحتہ ...

در اهمیت این سروده همین بس، که زنی از کوفه فرزدق را در خواب دید، از وی پرسید خدا با تو چه کرد؟ او در جواب گفت: خداوند برای قصیده‌ای که در مدح علی بن الحسین (ع) سرودم، مرا آمرزید. (۱) داستانی دیگر از حَجْر الاسود شنیده شده این سنگ با عظمت، در اثبات

۱- مجله میقات، شماره ۷، ص ۳۲.

ص: ۱۹۰

حَقَائِیتِ امام سَجَاد(ع) لب به سخن گشوده است!؟

بله همین طور است؛ امام باقر(ع) می‌فرماید: چون حضرت سیدالشهدا(ع) شهید شدند محمد بن حنفیه که فرزند امیرالمؤمنین(ع) بود با حضرت سجاد زین العابدین علی بن الحسین(ع) در مجلسی در مکه خلوت کرد و گفت: ای برادرزاده! می‌دانی که رسول خدا(ص) بعد از خود، امیرالمؤمنین(ع) را از طرف خداوند به جانشینی خود منصوب نمود و امیرالمؤمنین(ع) بعد از خودش از طرف خداوند امام حسن(ع) و امام حسین(ع) هم پس از خود، امام حسین(ع) را و اینک پدر تو کشته شده و کسی را به جای خود معین نکرده است و من عموی تو هستم و هم‌ردیف با پدر تو و من فرزند علی هستم و با این سنّ و سابقه‌ای که دارم از تو که نوجوانی، به امر امامت سزاوارترم، بنابراین در امر وصایت و جانشینی و امامت با من نزاع مکن و احتجاج منما!

حضرت سجاد(ع) فرمود:

(یا عمّ اتق الله ولا تدع ما لیس لک بحقّ، انّی أعظک ان تکون من الجاهلین) «ای عمو جان از خدا بپرهیز و دنبال مقامی که شایسته تو نیست مرو، به تو اندرز می‌دهم که مبادا از جاهلان باشی».

پدر من قبل از آن که متوجه به سوی عراق شود به من وصیت کرد، و ساعتی قبل از آن که در کربلا کشته

ص: ۱۹۱

شود در امر امامت از من پیمان گرفت، و اینک اسلحه رسول خدا(ص) که علامت امامت است در نزد من است، پس متعرض این مقام مشو که می ترسم بدین سبب عمرت کوتاه و حالت تباه گردد. خداوند تعالی امامت را در اولاد حضرت حسین(ع) قرار داده است، و اگر می خواهی یقین پیدا کنی بیا با هم نزد حجرالأسود برویم و او را حکم بین خود قرار داده و از او سؤال کنیم. پس هر دو کنار حجرالأسود آمدند، حضرت سجّاد(ع) به محمد بن حنفیه گفتند: با تضرّع و ابتهال به سوی خداوند از او بخواه که حجرالأسود را برای تو به سخن

ص: ۱۹۲

در آورد، آن گاه از حجرالأسود سؤال کن که امام بعد از حسین بن علی (ع) کیست؟
 محمد بن حنفیه چنین کرد ولی پاسخی نشنید.

حضرت سجّاد (ع) فرمود: ای عمو جان اگر تو امام و وصی بودی هر آینه حجر پاسخت را می داد.
 محمد گفت: حال ای برادرزاده! تو خدا را بخوان و دعا کن و از حجر سؤال کن.

حضرت سجّاد (ع) چنین کرد و سپس گفت: ای حجر تو را سوگند می دهم به آن خدایی که در تو میثاق انبیاء، اوصیاء و جمیع
 خلایق را قرار داده است که بگویی وصی و امام بعد از حسین بن علی (ع) کیست؟

ناگهان حجر چنان به حرکت درآمد که نزدیک بود از جای خود کنده شود! آن گاه به زبان عربی فصیح گفت: امامت بعد از
 حسین بن علی (ع) برای علی بن الحسین بن فاطمه بنت رسول الله (ص) است.

در این حال محمد بن حنفیه مراجعت نمود در حالی که ولایت حضرت سجّاد (ع) را پذیرفت و به عهده گرفت.

تاریخ پرده و پرده داری کعبه، به چه زمانی برمی گردد؟

گفته شده که برای نخستین بار، حضرت

ص: ۱۹۳

اسماعیل(ع) پرده‌ای بر روی کعبه کشید. بعدها قریش این سنت را ادامه دادند و پرده‌داری کعبه، منصبی ویژه شد. رسول گرامی اسلام(ص) پس از فتح مکه، پرده خانه کعبه را عوض نمود. پوشاندن جامه بر قامت کعبه که بیشتر به هدف حفظ دیوارهای آن از آسیب‌های بیرونی و نیز حرمت نهادن به آن بوده، به مرور، شکل سیاسی به خود گرفت و برای بافنده آن، مایه افتخار بود.

پرده کعبه به دلیل قرار گرفتن در معرض آفتاب و باران و باد، هر ساله نیاز به تجدید و تعویض دارد که در دوره معاصر، در روز عرفه یا عید قربان زمانی که

ص: ۱۹۴

همه حاجیان عازم مشاعر مقدّسه می‌شوند- این کار صورت می‌پذیرد.

پرده کعبه در قرون اخیر به رنگ مشکی بوده که نوشته‌های آن به رنگ طلا-ی بافته می‌شود، امّا در برخی موارد از رنگ‌های دیگری هم استفاده می‌شده است. برای نمونه در زمان ملک‌شاه سلجوقی، پرده ارسالی رنگ زرد، در زمان الناصر عباسی به رنگ سبز و از اواخر خلافت وی، به رنگ مشکی تهیّه می‌گردیده است، که گویا از آن پس تا به حال، مشکی بودن رنگ پرده کعبه استمرار داشته است.

در حال حاضر کارگاه پرده‌بافی کعبه در مساحت صد هزار متر مربع و مجهّز به ابزارهای پیشرفته، در جاده قدیم مدینه قرار دارد که به‌خاطر محدودیت‌ها و موانع، فقط تعداد اندکی از زائران، موقّق به بازدید از این محلّ می‌شوند.

برای بافت پرده کعبه، از ابریشم سفید خالص و رشته‌های نقره‌ای و طلافام استفاده می‌شود، به‌طوری‌که در حال حاضر برای تهیّه آن، سالانه بیش از هفده میلیون ریال سعودی (حدود چهار میلیارد تومان) هزینه می‌شود.

مقام ابراهیم

تقریباً روبروی در کعبه، در محفظه‌ای

ص: ۱۹۵

فلزی، سنگی قرار دارد به نام مقام ابراهیم، لطفاً درباره آن برایمان صحبت نماید.
از جاهای مقدّس و با عظمت مسجدالحرام، مقام ابراهیم است. امام صادق(ع) در بیان مراد از بینات در آیه شریفه(فیه آیاتُ بَیِّنَاتٌ) [\(۱\)](#) فرموده‌اند: نشانه‌های روشن الهی؛ یکی مقام ابراهیم است؛ همان سنگی که ابراهیم(ع) بر روی آن ایستاد و اثر پاهایش روی آن باقی ماند، و دیگر حَجْرُ الْأَسْوَدِ و حجر اسماعیل.
خداوند سبحان در قرآن مجید ما را به نماز در کنار مقام ابراهیم سفارش نموده است: (وَأَتَّخِذُوا

۱- آل عمران، آیه ۹۷.

ص: ۱۹۶

مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّي (۱)

در مقام ابراهیم عبادتگاهی برای خود اختیار کنید.

این سنگ به شکل تقریبی مربع با طول و عرض ۴۰ سانتیمتر و ارتفاع تقریبی ۵۰ سانتیمتر به رنگ میانه زرد و قرمز متمایل به سفید است. در آغاز به طور آزاد در کنار کعبه بر روی زمین قرار داشت. آنگاه آن را در ملتزم نصب کردند تا جابه‌جا نشود از زمان مهدی عباسی (۲) به بعد، این سنگ با طلا پوشانده شد تا صدمه‌ای نبیند. و حال حاضر درون محفظه‌ای فلزی قرار دارد.

درباره شکل‌گیری مقام ابراهیم چند وجه محتمل است:

- ۱- هنگام ساختن کعبه، حضرت ابراهیم روی آن می‌ایستادند، لذا اثر پا بر روی آن مانده است؛ یعنی نظیر جسمی نرم، اثرپذیر شد.
- ۲- هنگامی که حضرت ابراهیم برای بار دوم به مکه برگشت، همسر اسماعیل به وی گفت: پیاده شوید تا من سر شما را شستشو دهم. حضرت هنگام پیاده شدن، پا روی آن سنگ گذاشت و اثر پایش در آن باقی ماند.
- ۳- هنگام اجرای فرمان)

۱- بقره، آیه ۱۲۵.

۲- نیمه دوم قرن دوم هجری.

ص: ۱۹۷

(۱) بالای آن سنگ رفت و اعلان کرد که مردم به طرف کعبه بیایند و حجّ به جا آورند، در این حال اثر پا در سنگ پدید آمد. (۲)
 مُلتَزَم، مُسْتَجَار و حَطِيم كجاست و چه فضیلتی دارند؟
 قسمتی از پایین دیوار کعبه را، که در یک سوی آن حَجْر الْأَسْوَد و در سوی دیگرش باب کعبه قرار دارد، ملتزم می‌نامند. علت نام‌گذاری آن به این خاطر است که مردم در آن قسمت می‌ایستند و ملازم آن شده و به آن می‌چسبند و دعا می‌کنند.

۱- حج، ۲۷.

۲- آیه الله جوادی آملی، صهبای حج، ص ۲۷۸.

ص: ۱۹۸

رسول خدا(ص) فرمودند: (کسی در کنار ملتزم خواسته‌ای ندارد مگر این که برای او مستجاب خواهد شد.) (۱) هم‌چنین امیرالمؤمنین(ع) فرمود: (در کنار ملتزم به همه گناهانتان اقرار کنید چه آن گناهایی که به یاد دارید و چه آنهایی را که فراموش نموده‌اید.) (۲) مقابل ملتزم، درست در سوی دیگر کعبه، دیوار کنار رکن یمانی را مستجار نامند، به معنای محلّ پناه‌بردن به خدای مهربان.

امام صادق(ع) به ابن‌عَمّار فرمود: چون در دور هفتم طواف نزدیک رکن یمانی رسیدی آن‌جا مستجار است، صورت و سینه خود را به کعبه بچسبان و این‌گونه بگو: (اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ)، یعنی: «بارالها! خانه، خانه توست! بنده، بنده توست! و این‌جا، جای پناه‌آوردن به توست!»، آن‌گاه به خطاها و لغزش‌هایت اعتراف کن زیرا هیچ مؤمنی در این مکان به گناهان خویش اقرار نمی‌کند مگر آن‌که بخشوده خواهد شد. (۳)

۱- محمدی ری‌شهری، الحج و العمره فی الکتاب و السنه، ص ۱۰۹ ح ۲۱

۲- همان، ص ۱۱۰، ح ۲۱۵.

۳- محمدی ری‌شهری، الحج و العمره فی الکتاب و السنه، ص ۱۱۱، ح ۲۱۸.

ص: ۱۹۹

از امام زین العابدین (ع) نقل شده که فرمودند: (آدم بعد از هبوط به زمین، نزدیک خانه شد و کنار ملتزم آمد آن گاه دستانش را به سوی آسمان بلند نمود و گفت: خدایا مغفرتت را شامل حالم کن، ندا آمد: هر آینه تو را بخشودم. آدم مجدداً عرض کرد: فرزندانم چه؟ خداوند مهربان خطاب فرمود: هر کس از فرزندان با اقرار به گناهانش به این جا بیاید، او را خواهم بخشید.) (۱) و اما درباره محدوده حطیم، اقوال مختلفی هست:

* فاصله میان حَجْرِ الْأَسْوَدِ و درِ كَعْبَةِ.

۱- همان، ص ۱۱۱، ح ۲۲۰.

ص: ۲۰۰

* همان دیوار قوسی مقابل ناودان طلا.

* محدوده داخلی حجر اسماعیل.

* قسمتی از سطح مسجدالحرام است که از حجرالاسود آغاز و به سمت چاه زمزم و از آنجا تا مقام ابراهیم و پس از آن تا حجر اسماعیل ادامه می‌یابد. (۱) درباره علت نام‌گذاری این مکان به حطیم هم و جوهی گفته شده از جمله این که، مردم بر اثر ازدحام، یک‌دیگر را در فشار قرار می‌دهند. (۲) آیا حضرت اسماعیل همراه مادرش هاجر(ع) در محدوده حجر زندگی می‌نموده‌اند؟ و آیا مدفن بعضی از پیامبران از جمله حضرت هود(ع) در این مکان است؟

حجر اسماعیل یادگار دوران ابراهیم و اسماعیل(ع) است. امام صادق(ع) می‌فرمایند: حجر، خانه اسماعیل و محلّ دفن هاجر و اسماعیل است و در برخی روایات آمده که پیامبران زیادی در این جا مدفونند. از پیامبرانی که احتمال دفنشان در این مکان داده شده، حضرت هود(ع) است. (۳)

۱- جوادی آملی، صهبای حج، ص ۲۷۱؛ و رسول جعفریان، آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۹۷.

۲- جوادی آملی، صهبای حج، ص ۲۷۱.

۳- مجله میقات، شماره ۹، ص ۱۰۸.

ص: ۲۰۱

لذا این مکان از مکان‌های بسیار مقدّس و پرخطرۀ مسجدالحرام است که شاهد وقایع گوناگونی بوده و مجموعه‌ای گران‌بها از خاطرات تلخ و شیرین را در خود جای داده است.

داستان‌ها و رؤیاهای اجداد طاهرین پیامبر صلوات الله علیهم اجمعین و نیز حضور مداوم رسول اعظم (ص) در حجر، صفحات زرّینی را در تاریخ اسلام، به یادگار گذاشته است. در یک نگاه، حجر؛ محلّ جلوس، موضع اعلام رسالت، جایگاه تلاوت آیات قرآن، محلّ عبادت، مکان پاسخ به سؤالات، و موضع وقوع و مشاهده معجزات پیامبر (ص) مثل شقّ

ص: ۲۰۲

القمر و معراج بوده است.

همچنین ائمه اطهار: در حجر اسماعیل خاطراتی بس شنیدنی دارند؛ گاه عاشقانه با معبود خویش نجوا نموده و با دلی سوزان و اشکی روان، پاکی سرشت و صفای سیرتشان را در طَبَقِ اخلاص نهاده‌اند. و گاه از این جا بر ناریان تاخته و با حقیقت، دل تاریک و سیاه آنان را شکافته و به خشوع و کرنششان در برابر حق واداشته‌اند، این جا را مِدرس خود قرار داده و درس توحید و معارف گفته‌اند و گاهی هم از اسرار، سخن به میان آورده‌اند.

طاووس یمانی نقل می‌کند: شبی داخل حجر شدم، علی بن‌الحسین (ع) را دیدم که وارد حجر شد و مشغول نماز گردید، آن گاه به سجده افتاد، با خود گفتم او مردی صالح از اهل بیت پیامبر (ص) است همین جا بنشینم و به دعایش گوش فرا دهم. همین که نزدیکش شدم، شنیدم که در سجده با چنان سوز و گدازی می‌گفت: (عُبَيْدُكَ بِفِنَاءِ كَ، مَسْكِينُكَ بِفِنَاءِ كَ، فَقِيرُكَ بِفِنَاءِ كَ، سَائِلُكَ بِفِنَاءِ كَ). یعنی: بنده کوچک تو در آستان توست! مسکین تو در آستان توست! فقیر تو در آستان توست! نیازمند تو در آستان توست!

طاووس می‌گوید این دعا را در هر گرفتاری که

ص: ۲۰۳

خواندم، خداوند گره از مشکل کارم گشود. (۱)

داستان شکافتن ماه

لطفاً داستان شوق‌القدر را تعریف نمایید.

شبی رسول خدا(ص) در حجر اسماعیل نشسته بود، قریش نیز در محفلی مشغول سخن‌پراکنی بودند، در این هنگام یکی از ایشان گفت: ماجرای محمد ما را بیچاره و وامانده ساخته است، ما نمی‌دانیم درباره او چه بگوییم؟

۱- برای مطالعه بیشتر درباره حجر اسماعیل به مجله میقات، شماره ۸ و ۹ مراجعه فرمایید.

ص: ۲۰۴

یک نفر از آنان پیشنهاد خود را این گونه مطرح ساخت: بیایید هم‌اکنون همه ما از جای برخیزیم و به نزد وی برویم و از او بخواهیم برای اثبات ادعای خود، نشانه‌ای از آسمان بیاورد، چرا که سحر او در آسمان تأثیر ندارد!

این پیشنهاد مورد پذیرش قرار گرفت و همگان به طرف رسول خدا(ص) در حجر اسماعیل به راه افتادند و به محض رسیدن، خواسته خود را مطرح ساختند.

پیامبر اکرم(ص) در حالی که به سمت ماه اشاره می‌نمود فرمود: آیا این ماه را که در این شب چهاردهم، تمام آن روشن است، می‌بینید؟

گفتند: بلی.

فرمود: آیا دوست دارید که آن نشانه در این ماه صورت پذیرد؟

گفتند: پیشنهاد بسیار خوبی است.

رسول خدا(ص) با انگشت خود اشاره نمود و ماه به دو نیم تقسیم شد و همه آنان این واقعه را به خوبی مشاهده کردند. پس از آن ایشان خواهان به هم چسبیدن ماه شدند! رسول خدا(ص) بار دیگر اشاره فرمود و ماه به حالت اولیّه خود بازگشت. مشرکین سیاه‌دل و نگون‌بخت به جای آن که ایمان بیاورند و دست از لجاجت جاهلانه بردارند، گفتند: سحر محمد در آسمان نیز کارگر است!

ص: ۲۰۵

این جا بود که آیات اول سوره قمر (اَفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ) نازل گشت؛ یعنی)

ص: ۲۰۶

، و هرگاه نشانه‌ای ببینند، روی بگردانند و گویند: سحری دائم و همیشگی است. (۱) طبق نقل بعضی رسانه‌های خبری، ستاره‌شناسان و محققین علم نجوم، به تازگی از آثار به‌جا مانده بر روی ماه، متوجه شده‌اند که گویا ماه در دوره‌ای از

۱- مجله میقات، شماره ۹، ص ۱۲۵.

ص: ۲۰۷

زمان به دو نیم شده و مجدداً به هم چسبیده است!

بعد از طواف و نماز آن، برای انجام عمل بعدی، یعنی سعی صفا و مروه به محلّ سعی می‌رویم، لطفاً نکات ضروری این عمل عبادی را شرح دهید.

نکاتی درباره سعی

پس از انجام نماز طواف، باید هفت مرتبه فاصله بین صفا و مروه را که در حال حاضر به صورت سالی ساخته شده و کنار مسجدالحرام قرار دارد، بپیماییم و این عمل عبادی سعی نامیده می‌شود.

چند نکته درباره سعی را به خاطر بسپارید:

- سعی باید از «صفا» آغاز و به «مروه» ختم شود.

- پیمودن فاصله صفا تا مروه یک دور و برگشتن از مروه به صفا دور دوم به حساب می‌آید، نه این که رفتن و برگشتن یک دور به

حساب آید، بنابراین دور هفتم سعی به «مروه» ختم می‌شود.

- نشستن و استراحت کردن و رفع خستگی بر بالای صفا و مروه و در بین آنها جایز است و اگر در بین سعی باشد، باید از همان جا

که سعی را قطع نموده، ادامه دهد.

-

ص: ۲۰۸

- سعی بین صفا و مروه لازم نیست با وضو و طهارت انجام شود، گر چه مستحب است، بنابراین زن حائض نیز باید سعی را خودش به جا آورد.

- سعی در قسمتی که اخیراً در طبقه هم کف توسعه یافته است صحیح است، اما در طبقه دوّم و پشت بام چون بالاتر از دو کوه صفا و مروه می باشد، اشکال دارد.

- در سعی، وقتی که به طرف مروه می روید واجب است رو به مروه و وقتی که به طرف صفا می روید، رو به صفا باشید، پس اگر عقب عقب یا به پهلو بروید، سعی باطل است. ولی نگاه کردن به چپ و راست و گاهی به پشت سر مثلاً برای آن که ببینید

-

ص: ۲۰۹

همراهاتان می آیند، اشکالی ندارد.

- تأخیر انداختن سعی و فاصله زیاد بین نماز طواف و سعی؛ مثلاً برای برطرف شدن خستگی یا تمام شدن طواف دوستان، اشکالی ندارد ولی تأخیر انداختن سعی به روز بعد بدون عذر جایز نیست.

- اگر شخصی متوجه شود که سعی را از مروه شروع کرده، باید آن را دوباره انجام دهد.

- محل سعی جزء مسجد نیست بنابراین کسی مانند حائض که نباید داخل مسجدالحرام شود، می تواند به محلّ سعی برود و سعی را خودش به جا آورد.

- «هروله» که در قسمتی از سعی، برای مردان مستحب است، برای بانوان مستحب نیست. در ضمن «هروله» به معنای دویدن یا به حالت رژه رفتن نیست بلکه به معنای کمی تندتر و شتابان راه رفتن است.

- بانوانی که در ایام عادت به سر می برند، به هیچ عنوان نمی توانند وارد مسجدالحرام شوند. بهترین راه برای این افراد، نشستن روی کوه صفا و نگاه به کعبه و اشتغال به ذکر و دعا و مناجات است.

آیا زدن پا به سنگ‌های کوه صفا و مروه واجب است؟

خیر، وقتی از صفا به طرف مروه می رویم، به

ص: ۲۱۰

محض تمام شدن نرده‌های وسط سالن، دور زده و به طرف صفا، سعیمان را ادامه می‌دهیم و وقتی به صفا رسیدیم از ابتدای شیب صفا بر می‌گردیم و به کارهای زایدی که عوام الناس انجام می‌دهند توجه نمی‌کنیم.

برتری خلق بر تقصیر

وقتی سعی بین «صفا» و «مروه» به پایان رسید، در «مروه» باید تقصیر کنیم، یعنی قدری از ناخن یا موی سر و یا صورت خود را بچینیم، آیا مردان می‌توانند به‌جای تقصیر، حلق نمایند یعنی

ص: ۲۱۱

سر خود را بتراشند؟

اولاً، تقصیر مکان معینی ندارد و لذا لازم نیست حتماً در «مروه» انجام شود، گرچه در حال حاضر متعارف است که بعد از سعی، در مکان «مروه» تقصیر می‌کنند.

ثانیاً، تراشیدن سر در عمره مفرده جایز است، بلکه ثواب و تأکید بر انجام آن شده است.

البته رجحان حلق بر تقصیر اختصاص به مردان دارد و بانوان عمره گزار، فقط باید تقصیر نمایند، هم‌چنین به هنگام تقصیر مواظب پوشیدن موی خود از نامحرمان باشند.

کسی که حلق یا تقصیر کرده، می‌تواند در انجام این عمل به دیگری کمک کند.

و اما آخرین عمل ...

دو کار دیگر باقی مانده؛ و آن طواف نساء و نماز آن است که در احکام و شرایط دقیقاً همانند طواف اول است. این طواف و نمازش با طواف اول در وجوب، هیچ فرقی با هم ندارند.

فلسفه طواف نساء

آیا این طواف را فقط باید مردان انجام دهند؟

ص: ۲۱۲

خیر، نه تنها مردان و زنان همسر دار، بلکه آن‌هایی که همسر ندارند یا به سنّ پیری رسیده‌اند و حتّی اطفالی که همراه ما هستند و آن‌ها را لباس احرام می‌پوشانیم، باید طواف نساء را انجام دهند و اگر بچه‌ها این طواف را انجام ندهند، بعدها وقتی که بزرگ شدند و می‌خواهند ازدواج نمایند تا این طواف را انجام ندهند، نمی‌توانند ازدواج کنند.

پس چرا نامش طواف نساء است؟

از باب تغلیب است؛ یعنی وقتی از مسائل جنسی سخنی به میان می‌آید، جلوه‌گری و خودنمایی

ص: ۲۱۳

جنس مؤنث بیشتر به ذهن خطور می‌کند تا جنس مذکر. تغلیب، در زبان عربی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ مثلاً به امام حسن و امام حسین، و حضرت زینب و حضرت امّ کلثوم، حسنین و زینبین گفته می‌شود، یا به امام صادق و امام باقر(ع)، باقرین و صادقین گفته می‌شود، یا به خورشید و ماه شمسین و قمرین گفته می‌شود.

البته بعد از حلق یا تقصیر کلیه محرمات احرام به‌غیر از تمتعات جنسی حلال شده و می‌توان لباس‌های احرام را درآورد، و بعد از طواف نساء و نماز آن، تمتعات جنسی هم حلال خواهد شد.

در ضمن لازم نیست فوراً بعد از حلق یا تقصیر، طواف نساء را به‌جا آورد، بلکه می‌توان با تأخیر آن را انجام داد.

ص: ۲۱۴

زیارت دوره

در مکه هم مثل شهر مدینه، برنامه زیارت دوره داریم، در این شهر به دیدن چه مکان‌هایی خواهیم رفت؟
قبرستان ابوطالب،
دو کوهی که غار حراء و ثور در آن قرار دارد،
عرفات، مشعر و منا.
چه زمانی برای رفتن به غار حرا و ثور

ص: ۲۱۵

مناسب است؟

برای صعود به غار حراء، نزدیکی‌های عصر، و برای صعود به غار ثور، حدود ساعات اولیه صبح مناسب است. زیرا صعود به غار حراء از دامنه شرقی کوه نور، و صعود به غار ثور از دامنه غربی کوه ثور می‌باشد و در ساعات فوق، اشعه خورشید کمترین تابش را بر بدن خواهد داشت.

نکات دیگر صعود به این دو کوه...؟

چند تجربه سودمند در این باره:

حتماً از کفش کتانی مناسب، برای این کار استفاده کنید، نه با دم‌پایی و کفش میهمانی! اگر قبل از سفر، برای آن تدارک ببینید، بهتر است.

یک روز قبل از صعود به کوه، یک بطری آب یک‌لیتری در جایخی یخچال بگذارید تا کاملاً یخ ببندد تا در طول مسیر رفت و برگشت، به مرور آب شده و تا پایان مسافت، آب خنک برای نوشیدن داشته باشید.

مقداری مواد خوراکی، مخصوصاً میوه، همراه داشته باشید.

بالای کوه و بین راه، مخصوصاً هنگام نماز یا دعا، مواظب کیف و دوربین و اشیای دیگر خود باشید، زیرا در کوه نور، میمون‌های زیادی زندگی می‌کنند و

ص: ۲۱۶

منتظر فرصتند تا اشیای شما را به عنوان خوراکی برداشته و پا به فرار گذارند!

در صورت ازدحام بیش از حد در غار حراء، اگر احیاناً می‌خواهید نماز تحیّیت بخوانید، می‌توانید بیرون غار و یا حتی در مسجدالحرام بخوانید، خداوند إن شاء الله قبول خواهد نمود و اگر احیاناً توفیق پیدا نمودید درون غار شوید به یک نماز کوتاه بسنده کنید تا نوبت به دیگران هم برسد.

گاهی اوقات در شلوغی و فشار جمعیت، مسائل محرم و نامحرم رعایت نشده و باعث زحمت برای سایرین خواهد شد. در واقع به‌خاطر انجام یک عمل

ص: ۲۱۷

مستحب، مرتکب چندین گناه و حرام شده‌ایم!

زباله‌های خود را در کوه نریزید بلکه آن‌ها را با خود آورده و درون سطل‌های زباله پایین کوه بریزید. شایسته یک مسلمان نیست که طبیعت خدا را این‌چنین آلوده کند چه رسد به مکان مقدّس و کوهی که به کوه قرآن، کوه اسلام و کوه نور معروف است و پیامبر اعظم (ص) برای مدّت مدیدی در بالای آن، اوقات شریفشان را به عبادت سپری می‌نموده‌اند. در ضمن دیگران را هم سفارش به این امر و رعایت نظافت بنمایید.

ص: ۲۱۸

کوی عشق

ای دل اگر عزم دیار یار داری قصد حجاز و کعبه دیدار داری
شوق شهود حضرت دل‌دار داری اول ز دل نقش سَوی‌الله پاک گردان
باید نخست از جامه عصیان بر آیی با جامه طاعت به کوی دلبر آیی
بشکست اگر پایت در این ره با سر آیی تا گام بتوانی زدن در کوی جانان
احرام بستی در رهش از جان گذشتی؟

ص: ۲۱۹

وز دنیای دون در ره ایمان گذشتی؟ از هر چه جز یاد رخ جانان گذشتی؟
 کان جا شوی در باغ حسن دوست مهمان؟ لئیک گویان آمدی در کوی یاری؟
 کردی در آن درگاه عزت، آه و زاری؟ گشتی ز اشک شوق چون ابر بهاری؟
 تا خار زار دل شود باغ و گلستان؟ احرام چون بستی به کوی عشق ایزد
 لئیک گفتی دعوت آن یار سرمد گشتی چو محو جلوه آن حسن بی حد
 دیدی درون کعبه دل نور سبحان؟ کار تن و جان را به ایزد واگذاری
 زادی به جز مهرش در این ره برنداری گامی مزن جز بر رضای ذات باری
 جز طاعتش باش از همه کاری پشیمان

جمال کعبه

به کعبه رفتم و ز آن جا، هوای کوی تو کردم جمال کعبه تماشا به یاد روی تو کردم
 شعار کعبه چو دیدم سیاه، دست تمنّا دراز جانب شعر سیاه موی تو کردم

ص: ۲۲۰

چو حلقه در کعبه به صد نیاز گرفتم دعای حلقه گیسوی مشک بوی تو کردم
نهاده خلق حرم سوی کعبه روی عبادت من از میان همه روی دل به سوی تو کردم
مرا به هیچ مقامی نبود، غیر تو نامی طواف سعی که کردم به جستجوی تو کردم
به موقف عرفات ایستاده خلق دعاخوان من از دعا لب خود بسته، گفتگوی تو کردم

ص: ۲۲۱

فتاده اهل منا در پی مُنا و مقاصد چو جامی از همه فارغ، من آرزوی تو کردم
سائل در گه

من کیم بنده ضعیف و ذلیل سائل در گه خدای جلیل
هستی از دست داده‌ای هستم بنده بی‌اراده‌ای هستم
که ارادت به کوی او دارم چشم‌رحمت به سوی او دارم
باز احرام بسته‌ام یا ربّ خسته و دل‌شکسته‌ام یا ربّ
ارمغان اشک و آه آوردم به حریمت پناه آوردم
آمدم محرم حرم کردم غوطه‌ور در یم کرم کردم
آمدم فارغ از غمم سازی مجرمم بلکه محرمم سازی
آمدم من بر آستانه تو تا بگردم بگرد خانه تو
ای که وصلت به عقل اندر نیست دیدنت چون به کس میسر نیست

ص: ۲۲۲

لطف تو به زهر کس است مرا دیدن خانه‌ات بس است مرا
آمدم تا شوم کنار حطیم من مقیم مقام ابراهیم
هاجر آسا به حجر اسماعیل من بخوانم تو را به نام خلیل
تا شود یا مفتح الابواب جانم از بوسه حجر سیراب
ای خضوع تمام ابراهیم به خشوعت سلام ابراهیم

ص: ۲۲۳

خالق بخشنده

من ماندم و آهی که تو می‌دانی و من با روی سیاهی که تو می‌دانی و من
ای خالق بخشنده ببخشا و بپوش هرگونه گناهی که تو می‌دانی و من
یک لحظه نگاه

بر درگاه لطف و کرمات یا الله من جامه سفید آمدم و نامه سیاه
در پیش تو آمدم که از من بخری یک عمر گناه را به یک لحظه نگاه

ص: ۲۲۴

بعد از رسیدن به مکه و استقرار در هتل، و کمی استراحت شبانه، و پس از صرف صبحانه، به طرف مسجدالحرام حرکت نموده و اعمال عمره را با موفقیت و بدون وجود هر گونه مشکل به جا آوردیم.

شب دوّم، بعد از صرف شام، حدود ساعت ده شب، روحانی محترم به همراه مدیر کاروان، معذورین و افراد سال خورده را برای انجام اعمال و مناسکشان به حرم برده و اعمال آنها هم با صحت و سلامت به پایان رسید.

ص: ۲۲۵

الان سوّمین روزی است که پا به این سرزمین مقدّس و نورانی گذاشته‌ایم، شهری که اصلاً احساس غربت در آن نمی‌کنی! گویا در شهر و دیار خود به سر می‌بری! و عطر و شمیم دل‌انگیزِ قدوم مبارک حضرت محمّد مصطفی (ص) را حس می‌کنی! از سراسر دنیا آمده‌اند، زرد و سفید و سیاه و سرخ! پیر و جوان و خرد و کلان! همه میهمان خدایند و عزیز، و ما باید به تمامی آنان با دیده تکریم و مهربانی نظر کنیم، نه این که خدای نخواستہ خود را از آنان بهتر و بالاتر بدانیم که در این صورت، سقوط ما حتمی است، تکبر و خودپسندی همان! و از لطف و رحمت خدای متعال، رانده شدن همان! مگر شیطان لعین، کاری جز این کرد! او خود را بهتر از آدم دید و همین امر، موجب سقوط او و نابودی عبادات چندین هزار ساله او شد.

گرمای شدید و تابش مستقیم نور آفتاب رو به کاهش است و غروب دل‌انگیز مسجدالحرام کم‌کم فرا می‌رسد. بعد از انجام طواف مستحبّی، منتظر می‌مانیم تا وقت نماز مغرب فرا رسد.

پشت مقام ابراهیم و نزدیک آب زمزم، مکان خوبی برای نشستن است آن‌جا معمولاً هم خلوت است و هم پشت سر امام جماعت است.

انواع طواف‌ها را نام ببرید:

ص: ۲۲۶

۱. طواف عمره مفرده.

۲. طواف عمره تمتع.

۳. طواف زیارت.

۴. طواف نساء.

۵. طواف وداع.

۶. طواف مستحب.

چندتای آنها از طواف‌های واجب است؟

چهارتای اول واجب، و دوتای آخر مستحب است.

ص: ۲۲۷

طواف وداع

خیلی از زائران دوست ندارند، طواف وداع به جا بیاورند! دلیلش چیست؟
زیرا فکر می‌کنند که با انجام این طواف، دیگر موفق به تشرّف به این سفر روحانی و لذّت بخش نخواهند شد! یا این که خداحافظی از خانه خدا مثلاً یک نوع بی‌احترامی به حرم و کعبه و مکه است! در حالی که این طور نیست. بلکه به عکس، هم‌چنان که در روایات آمده؛ خداحافظی از کعبه و مکه، یک نوع عرض ادب و احترام به ساحت مقدّس آنان است.
هم‌چنین طواف وداع پیام مهم‌تر دیگری نیز دارد و آن این که با طواف وداع، از بدی‌ها و رذیله‌های اخلاقی و اعتقادی خداحافظی کرده و آن‌ها را از خود دور کنیم. کردار و گفتار خویش را نکو نماییم و به تمام پلیدی‌ها و پلشتی‌ها، پشت نموده و رنگ و جلای خدایی بگیریم. درجه استقامت و استواری خود را در برابر ناملایمات و سرد و گرم روزگار بالا ببریم، و در

ص: ۲۲۸

یک کلام، بنده خوب و خالص خدا گردیم.

مگر حضرت ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح(ع)، بعد از تجدید بنای کعبه و تحمّل آن همه شکنجه‌ها و شدائد، دعایشان این نبود که پروردگار عالم آنها را تسلیم فرمان خود قرار دهد و از نسل‌شان امتی فرمان‌بردار خود پدید آورد و آداب دینی را به آنان نشان دهد.

و مگر نه این که خدای سبحان در قرآن کریمش فرموده‌اند: **فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۱)**
به پروردگارت قسم که

۱- نساء، آیه ۶۵.

ص: ۲۲۹

آن‌ها مؤمن نخواهند بود، مگر این‌که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس، از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند.

نه این‌که در مکه و مدینه، سخت مشغول عبادت و نماز و دعا و تلاوت قرآن باشیم، اما هنوز به شهر و دیارمان نرسیده، همان‌کسی باشیم که سابقاً بودیم بدون هیچ تغییر محسوس و قابل ملاحظه‌ای! اگر این باشد، سفر با آن‌همه عظمت در ما تأثیر چندانی نداشته و یقین داشته باشیم که وضعیت چندان مناسبی نداریم و باید فکر اساسی‌تری به حال خود نماییم!

طواف وداع، یعنی این!

بلی، با توجه به این نکته، در روایات اهل‌بیت: داریم که در وقت وداع از مکه و کعبه، از خدای سبحان بخواهید که این سفر را سفر آخر شما قرار ندهد و انشاءالله بارها و بارها به این سفر معنوی و روح افزا مشرف شوید و تا جان در بدن دارید در راه وصول به اعلی درجه انسانیت و اخلاص قدم بردارید.

و سرانجام وقت جدایی فرا رسید، آخرین ساعات حضور ما در مکه و این‌جا مسجدالحرام و طواف وداع،

ص: ۲۳۰

بغض بر گلو و این اشعار بر لب:

خداحافظ ای کعبه، ای بزم یار خداحافظ ای بیت پرودگار

خداحافظ ای محفل اهل راز خداحافظ ای قبله‌ام در نماز

خداحافظ ای کوی مطلوب من خداحافظ ای بیت محبوب من

خداحافظ ای از تو دل منجلی خداحافظ ای زادگاه علی

خداحافظ ای سجده‌گاه رسول

ص: ۲۳۱

خداحافظ ای جای پای بتول خداحافظ ای شمع هر انجمن
محلّ طواف حسین و حسن به خاک تو ای آرزوی همه
بود جای پیشانی فاطمه اگر میهمان بدی بوده‌ام
به دامان پاک تو رخ سوده‌ام از این در برون با چه حالی روم
مبادا که با دست خالی روم خوش آن‌دم که با سوز و شور و دعا
در آغوش خود من گرفتم تو را خوش آن‌دم که در استلام حَجَر نهادم به دامان پاک تو سر
چو مُحْرَم شدم با تو مُحْرَم شدم کنار تو از اشک، زمزم شدم
اگر خواهی از خود جدایم کنی کرم کن که عبد خدایم کنی
صفایی دگر بر روانم بده امام زمانم نشانم بده
سراپا شدم ناله و اشک و سوز

ص: ۲۳۲

امام زمانم ندیدم هنوز به ناچار اگر می‌روم زین حرم
مبادا بُود نوبت آخرم اگرچه به وقت وداع همه
شنیدی ز هر حاجی‌ای زمزمه دلش از شرار غم افروختی
به وقت خداحافظی سوختی همان شب که با گریه و شوروشین
خداحافظی کرد با تو حسین چه باشد مرا هم عطایی کنی
چو مولای خود کربلایی کنی
«وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

